

به نام خدا



سازمان بورس و اوراق بهادار
SECURITIES & EXCHANGE ORGANIZATION

مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی

صنعت نساجی ایران: تصویر آماری دودهمه اخیر

تهیه کنندگان: مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی

گزارش پیش‌رو، عنوان دوم از یک مجموعه سه جلدی در پیرامون صنعت نساجی ایران است که در چارچوب منابع آماری موجود به بررسی وضعیت تولید، اشتغال، سرمایه‌گذاری، بازرگانی خارجی، و روند قیمت‌ها و تحولات ساختاری این صنعت و همسنگی آن با نماگرهای عملکرد سایر صنایع موجود در کشور طی دو دهه پس از انقلاب اسلامی پرداخته است.

برپایه این گزارش، ارزش تولید، سهم بازار و توان بالقوه صنعت نساجی و چرم در ایران طی یکی دو دهه اخیر روندی کاهشی داشته است؛ ضمن آنکه ارزش افزوده به دست آمده از این صنعت به لزوم نماگر بازدهی مناسبی برای انگیزش کارآمد سرمایه‌گذاری و مشارکت مردمی در این بخش نبوده است. کاهش میزان ارزش افزوده ایجاد شده به ازای یک واحد ارزش تولید، کاهش سهم صنعت نساجی و چرم در محصول ناخالص داخلی، بی‌توجهی به ظرفیت‌سازی جدید و کافی برای برآوردن نیازهای آتی، کاهش تعداد واحدهای فعال در این رشته از صنعت، کاهش میزان اشتغال، از دست رفتن تدریجی رتبه اهمیت این صنعت در بین صنایع کشور، بهره‌وری پایین و کاهش نیروی کار، ناپایداری روند سرمایه‌گذاری که در بسیاری از مواقع تکافوی جبران استهلاک سرمایه‌های به کار گرفته شده در این صنعت نبوده، و مشکلات دیگری از این دست، در طی یکی دو دهه اخیر تصویری نگران‌کننده از روند حرکت و چشم‌انداز آتی صنعت نساجی و چرم ایران ترسیم کرده است که لزوم توجه به این صنعت را دوچندان می‌سازد.

صنعت نساجی ایران : تصویر آماری دو دهه اخیر

فهرست مطالب

۱- مقدمه.....	۱
۲- تعریف و چارچوب بررسی آماری.....	۲
۱-۲ تعریف صنعت نساجی.....	۲
۲-۲ منابع آماری بررسی صنعت نساجی در ایران.....	۴
۳- ساختار اقتصادی صنعت نساجی ایران.....	۹
۱-۳ مجوزهای صنعتی.....	۹
۲-۳ کارگاههای صنعتی.....	۱۴
۴- وضعیت تولید صنعت نساجی در ایران.....	۱۹
۱-۴ ارزش تولید.....	۱۹
۲-۴ مقدار تولید.....	۲۷
۳-۴ نهادهای تولید.....	۳۲
۴-۴ ارزش افزوده تولى.....	۳۹
۵- وضعیت اشتغال در صنعت نساجی ایران.....	۴۸
۱-۵ تعداد شاغلان.....	۴۹
۲-۵ وضعیت رفاهی کارکنان.....	۶۱
۳-۵ وضعیت تحصیلی کارکنان.....	۷۱
۴-۵ عملکرد نیروی کار.....	۷۳

۶ - وضعیت سرمایه‌گذاری در صنعت نساجی ایران	۷۸
۶-۱ ارزش سرمایه‌گذاری	۷۸
۶-۲ استهلاک سرمایه	۸۷
۶-۳ بهره‌وری سرمایه‌گذاری	۸۸
۶-۴ موجودی انبار	۹۰
۷ - وضعیت بازرگانی خارجی در صنعت نساجی ایران	۹۱
۷-۱ ارزش صادرات	۹۲
۷-۲ ارزش واردات	۹۵
۸ - روند قیمت‌ها در صنعت نساجی ایران	۱۰۰
۸-۱ شاخص قیمت خرده‌فروشی	۱۰۰
۸-۲ شاخص قیمت عمده‌فروشی	۱۰۵

صنایع نساجی نقش تعیین کننده ای در رشد و شکوفایی صنعتی کشورهای توسعه یافته داشته است و این کشورها بخشی از موفقیت‌های خود را مدیون گسترش این صنعت در مراحل اولیه صنعتی شدن بوده‌اند. انقلاب صنعتی با ماشینی شدن تولید منسوجات آغاز شد. صنعت نساجی به دلیل ماهیت و ویژگی‌های خاص خود زمینه رشد سایر صنایع را فراهم آورد. کاربر بودن، مرتبط بودن آن با تأمین یکی از نیازهای اساسی انسان و از همه مهمتر دانش فنی و تکنولوژی ساده برای ماشینی کردن تولید منسوجات از مهمترین خصوصیات این صنعت بود که سبب رشد اقتصادی و به توسعه صنایع با تکنولوژی پیچیده‌تر را فراهم آورد. بررسی تاریخی روند صنعتی شدن کشورهای پیشرو صنعتی نقش پیشرو صنعت نساجی در مرحله اوج‌گیری صنعتی آنهاست؛ هر چند بعد از ورود به مرحله فراصنعتی سهم این صنعت از مجموع صنایع کاهش یافته است. در این حالت، زمینه برای پیشتازی سایر رشته‌های صنعتی نظیر صنایع الکترونیک، شیمیایی، ماشین آلات و نظایر آن به وجود می‌آید. برای مثال، در بسیاری از کشورهای توسعه یافته امروزی نقش صنایع نساجی کم رنگ‌تر شده است؛ هر چند که کشورهای مزبور کوشیده‌اند تا توان خود را در تأمین نیازهای داخلی و حضور مؤثر در بازارهای بین‌المللی منسوجات حفظ نمایند.

صنعت نساجی و سایر صنایع دارای تکنولوژی نه چندان پیچیده و مرتبط با تأمین نیازهای اولیه انسان، موتور توسعه صنعتی کشورهای در حال توسعه نیز به شمار می‌آید. هر چه نقش و جایگاه این صنعت در مراحل اولیه صنعتی شدن اقتصاد بیشتر باشد، پیش‌زمینه‌ها و مقدمات لازم برای ورود به مرحله جهش صنعتی و رسیدن به بلوغ صنعتی بیشتر مهیاست. پس از این مرحله این نوع صنایع جایگاه و موقعیت خود را به عنوان موتور توسعه از دست می‌دهند و صنایع پیشرفته‌تر این نقش را ایفا خواهند کرد. بدین ترتیب، کشورهای دارای پایه‌های صنعتی قوی زمینه فعالیت خود را به صنایع با ارزش افزوده بالا گسترش داده‌اند و تمایل چندانی به سرمایه‌گذاری در صنعت نساجی ندارند. از این‌رو، موقعیت مناسبی برای کشورهای در حال توسعه در جهت حضور در بازارهای بین‌المللی فراهم آمده است.

از این دیدگاه، برای کشور مانند ایران صنعت نساجی می‌تواند حتی به عنوان یک صنعت پیشرو در توسعه صنعتی کشور مورد توجه قرار گیرد. به ویژه آنکه منطقه آسیا بازار مناسبی برای محصولات نساجی است. بررسی جایگاه و موقعیت کنونی صنعت نساجی در بین صنایع و اهمیت و نقش آن در اقتصاد ملی، زمینه لازم برای یک برنامه‌ریزی دقیق و منطقی را فراهم می‌کند. شناسایی نقاط قوت و ضعف این صنعت در یک روند مقایسه‌ای، مقابله با مشکلات و مسایل گریبانگیر آن را آسانتر می‌سازد. گزارش پیش رو نیز در همین راستاست و می‌کوشد تصویر جامعی از تحولات و روند حرکت این صنعت در طی دو دهه اخیر ارائه کند.

۲-۱ تعریف صنعت نساجی

صنعت نساجی شامل ریسندگی انواع نخ و بافندگی انواع پارچه است. در قدیم این کارها توسط ادوات دستی انجام می‌گرفت اما با گذشت زمان مکانیزه شد، و امروزه با انواع ماشینها و دستگاههای پیشرفته همراه با فن‌آوریهای نو انجام می‌شود. بر روی هم، تا چندی پیش مجموعه فعالیتهای ریسندگی و بافندگی به منظور تولید پارچه را **نساجی** می‌نامیدند. بر همین اساس، برای بررسی فعالیتهای صنعت نساجی، به توصیف و تفسیر اطلاعات مربوط به این دو نوع فعالیت پرداخته می‌شد. همان گونه که در بخش نخست این گزارش، فعالیتهای صنعت نساجی در ایران نیز در محدوده این دو نوع عملیات مورد بررسی قرار گرفت. اما به مرور زمان و با تشکیل نهادهای بین‌المللی تلاشهای وسیعی صورت گرفت است که تعاریف و طبقه‌بندی یکسانی از فعالیتهای اقتصادی در تمامی کشورهای جهان ارائه شود تا با استفاده از آنها تمامی کشورها روش یکسانی برای گردآوری آمار و اطلاعات در پیش گیرند و بدین ترتیب امکان همسنگی و بررسی دقیقتر عملکرد اقتصادی کشورهای مختلف در سطح بین‌المللی فراهم شود. در همین راستا، سازمان ملل متحد طبقه‌بندی بین‌المللی فعالیتهای پیشنهاد کرد که ویرایش نخست آن در سال ۱۹۴۸ توسط کشورهای عضو پذیرفته شد. این طبقه‌بندی در طول زمان تکامل یافته و تاکنون ویرایش سوم آن با عنوان **طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی فعالیتهای (ISIC)** ارائه شده است. هر فعالیت در این طبقه‌بندی دارای کد یا شماره‌ای است که مجموعه‌ای از فعالیتهای را در بر می‌گیرد. هر یک از این زیر مجموعه‌ها نیز دارای کدهایی فرعی است که امکان تمایز اجزای آنها را فراهم می‌کند. صنعت نیز به عنوان یکی از فعالیتهای این طبقه‌بندی تلقی شده است و فعالیتهای صنعتی به تفکیک صنایع مختلف طبقات جزئی‌تر آن را تشکیل می‌دهند. بر مبنای ویرایش دوم این طبقه‌بندی که مدتهای دراز در مراکز تهیه آمارها به ویژه آمارهای صنعتی مورد استفاده قرار می‌گرفت - و هنوز نیز در برخی مراکز به کار برده می‌شود، - صنعت نساجی به همراه صنایع پوشاک و چرم در یکی از نه زیر بخش صنعت طبقه‌بندی شده است. با توجه به این طبقه‌بندی، صنعت نساجی فعالیتهای مربوط به دوزندگی انواع پوشاک پارچه‌ای و چرمی، تولید انواع کفش و پای‌افزار و سایر مصنوعات چرمی و غیره را نیز شامل می‌شود. در ویرایش دوم طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی فعالیتهای نساجی، پوشاک و چرم در سطح کدهای سه رقمی **آیسیک** از چهار فعالیت اصلی یعنی **تولید منسوجات، تولید پوشاک غیر کفش، تولید چرم و خز، تولید کفش غیر از کفشهای لاستیکی** تشکیل شده است - جدول ۲ - ۱.

جدول ۲-۱ فعالیتهای نساجی در طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی ISIC؛ ویرایش دوم

کد صنعت	عنوان صنعت	کد صنعت	عنوان صنعت
۳۲	صنایع نساجی، پوشاک و چرم	۳۲۲	تولید پوشاک غیرکفش
۳۲۱	تولید منسوجات	۳۲۲	تولید پوشاک غیرکفش
۳۲۱۱	ریسندگی، بافندگی و تکمیل منسوجات	۳۲۲۳	تولید چرم و محصولات چرمی و خز
۳۲۱۲	تولید محصولات نساجی ساخته شده غیراز پوشاک	۳۲۳۱	دباغی و تولید چرم
۳۲۱۳	کش‌بافی و جوراب‌بافی	۳۲۳۲	عمل آوردن و رنگ کردن پوست و خز
۳۲۱۴	تولید قالی و قالیچه	۳۲۳۳	تولید محصولات چرم و چرم مصنوعی غیراز کفش و پوشاک
۳۲۱۵	تولید طناب و ریسمن	۳۲۴	تولید کفش غیر از کفشهای لاستیکی و پلاستیکی
۳۲۱۹	تولید منسوجات طبقه‌بندی شده در جای دیگر	۳۲۴۰	تولید کفش غیر از کفشهای لاستیکی و پلاستیکی

پیشرفت‌های سریع تکنولوژی در دو دهه اخیر و روند هر شتاب دگرگونی جهان امروزی سبب پیدایش فعالیتهای جدید و تغییر ماهیت تعدادی از فعالیتهای معرفی شده در طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی شده است. این دگرگونیها و نیز اشکالاتی که نظام قبلی در برداشت، لزوم بازنگری در طبقه‌بندی معرفی شده را ضروری می‌ساخت. برای پاسخگویی به این ضرورت و پویایی طبقه‌بندی یاد شده در ارائه تصویر واقعی و همه جانبه‌ای از مجموعه فعالیتهای اقتصادی کشورهای مختلف جهان، ویرایش جدیدی در سال ۱۹۹۳ پیشنهاد و به تمام کشورها توصیه شده است که بر مبنای آن آمار و اطلاعات مختلف گردآوری و طبقه‌بندی شود. در این طبقه‌بندی جدید که **ویرایش سوم آیسیک** (ISIC₃) نامیده می‌شود، فعالیتهای اقتصادی فرعی به شماره مستقل به خود گرفته‌اند. فعالیتهای صنعتی از شماره ۱۵ آغاز و تا شماره ۲۹ ادامه می‌یابد و زیر مجموعه هر یک از این فعالیتهای کدهای فرعی تر گرفته‌اند. به صنعت نساجی در این طبقه‌بندی با عنوان تولید منسوجات کد ۱۷، تولید پوشاک کد ۱۸ و صنعت چرم‌سازی کد ۱۹ داده شده است. بدین ترتیب این سه فعالیت صنعتی مستقل شده‌اند و هر یک به طور مستقیم زیر مجموعه فعالیتهای صنعتی به شمار می‌آیند. حال آنکه در ویرایش دوم، این صنعت در یک مجموعه و با عنوان صنعت نساجی، پوشاک و چرم قرار داشت. بنابراین در نظام جدید طبقه‌بندی بین‌المللی، صنعت نساجی، پوشاک و چرم تعریف جدیدی دارند -

جدول ۲-۲

جدول ۲-۲ فعالیتهای نساجی، پوشاک و چرم در طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی ISIC؛ ویرایش سوم

کد صنعت	عنوان صنعت	کد صنعت	عنوان صنعت
۱۷	تولید منسوجات	۱۷۲۹	تولید سایر منسوجات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر
۱۷۱	ریسندگی، بافندگی و تکمیل منسوجات	۱۷۳	تولید انواع پارچه و کالاهای کشباف و قلاب‌بافی
۱۷۱۱	آماده‌سازی، ریسندگی الیاف منسوج، بافت منسوجات	۱۷۳۱	کشبافی و تریکوبافی و قلاب‌بافی
۱۷۱۲	تکمیل منسوجات	۱۷۳۲	جوراب بافی
۱۷۲	تولید سایر منسوجات	۱۸	تولید پوشاک، عمل آوردن و رنگ کردن پوست خزدار
۱۷۲۱	تولید کالاهای نساجی ساخته شده به استثنای پوشاک	۱۸۲	عمل آوردن و رنگ کردن پوست خزدار و کالاهای ساخته شده از آن
۱۷۲۳	تولید طناب، ریسمان و نخ و توری	۱۹	دباغی و عمل آوردن چرم و ساخت کیف و چمدان و زین و یراق و تولید کفش
۱۷۲۴	تولید قالی و قالیچه دستباف	۱۹۱۱	دباغی و تکمیل چرم
۱۷۲۵	تولید گلیم، زیلو و جاجیم دستباف	۱۹۱۲	تولید کیف، چمدان و محصولات مشابه و زین و یراق
۱۷۲۶	تولید فرش ماشینی و موکت	۱۹۲	تولید کفش

تفاوت طبقه‌بندی جدید با ویرایش قبلی آن علاوه بر مواردی که پیشتر به آنها اشاره شد در این است که در طبقه‌بندی جدید صنایع دستباف نساجی نظیر قالی و قالیچه از صنعت فرش ماشینی جدا شده و به صورت کدهای مستقل آورده شده‌اند. در نتیجه، امکان بررسی جداگانه آنها فراهم شده است.

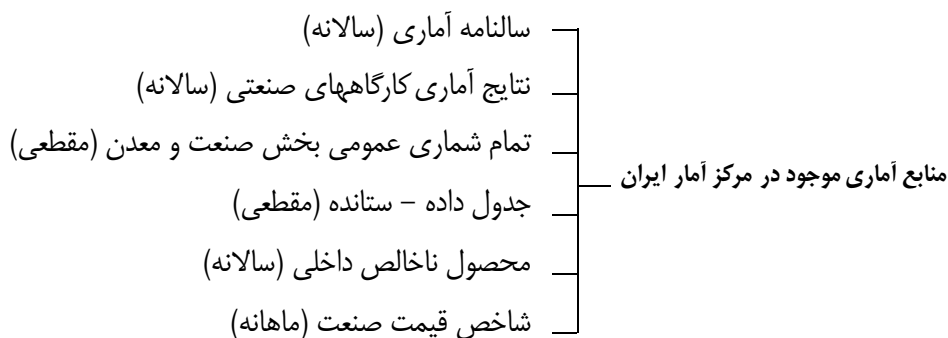
۲-۲ منابع آماری بررسی صنعت نساجی در ایران

رشته‌های صنعتی که زیرمجموعه‌های بخش صنعت را تشکیل می‌دهند، توسط سه مرکز گردآوری و بررسی آمارهای اقتصادی شامل بانک مرکزی، مرکز آمار ایران، و وزارت صنایع تهیه و منتشر می‌شود. آمارهای این سه مرکز به دلایل مختلفی با یکدیگر همخوانی ندارند یا همسان نیستند. از جمله دلایل این تفاوتها می‌توان به تفاوت در روش گردآوری، زیر جامعه‌های آماری، تعریف صنایع، تعریف موضوعها و مفاهیم آماری و بالاخره پوشش موضوعی آمارهای ارائه شده اشاره کرد. برای ساخت شاخص و نماگرهایی که گویای وضعیت صنایع نساجی باشد، لازم است از هر یک از این منابع، آمارهایی که روایی و پایایی بیشتر داشته باشد، انتخاب نمود. برای این منظور در ادامه این بخش بررسی مختصری درباره آمارهای قابل گردآوری از هر یک از این مراکز انجام می‌شود.

۱- مرکز آمار ایران

مرکز آمار ایران در سال ۱۳۵۱ برای اولین بار از کارگاههای صنعتی کشور سرشماری، و آمار و اطلاعات صنعت را بر مبنای روشهای علمی و شناخته شده مرتب کرد. این آمارگیری بجز در سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ که به دلیل وقوع انقلاب اسلامی انجام نگرفت، تاکنون به طور مرتب هر ساله انجام شده است. در نتیجه، از این آمارگیریها حجم زیادی اطلاعات درباره صنایع گردآوری شده است و پس از آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مجموعه آمارهای صنعتی در شمار کاملترین و غنی‌ترین مجموعه‌های آماری موجود در مرکز آمار ایران است. مرکز آمار ایران، اطلاعات مربوط به بخش صنعت را علاوه بر سالنامه‌های آماری در گزارشهای مستقل مربوط فعالیتهای صنعتی

منتشر می‌کند. مجموعه گزارشهای منتشر شده در این باره توسط مرکز آمار ایران به صورت نمودار درختی زیر است:



در سالهای اخیر، مرکز آمار ایران آمارهای نتایج آمارگیری کارگاههای صنعتی را به صورت رایانه‌ای نیز ارائه کرده است که شامل مجموعه آمارهای سال ۱۳۶۰ به اینسوست.

مجموعه اطلاعات صنعتی مرکز آمار تا سال ۱۳۷۲ بر مبنای ویرایش دوم طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی تهیه و اطلاعات آن تا سطح کدهای ۴ رقمی در گزارشهای یاد شده منتشر شده است. این مرکز با توجه به توصیه اکید سازمان ملل در استفاده از ویرایش سوم کدهای طبقه‌بندی بین‌المللی، از سال ۱۳۷۳ آمار و اطلاعات صنعتی را بر مبنای طبقه‌بندی اخیر منتشر نموده است.

بررسی دقیق و همه جانبه فعالیتهای صنعتی به ویژه فعالیتهای صنعت نساجی مستلزم در اختیار داشتن آمار و اطلاعات روز آمد، دقیق، و کامل تمام زیر جامعه کارگاهها و خانوارهای فعال در رشته صنعت نساجی است. در بین سه مرکزی که در ایران به تهیه آمارهای صنعت نساجی می‌پردازند فقط مرکز آمار ایران به آمارگیری از تمام زیر جامعه‌های کارگاههای رشته‌های صنعت نساجی آن هم به صورت مقطعی اقدام نموده است. در طرحهای آمارگیری که تحت عنوان تمام شماری یا سرشماری عمومی صنعت و معدن صورت گرفته، آمار و اطلاعات کارگاههای کوچک یعنی کارگاههای دارای ۱ تا ۹ نفر کارکن و کارگاههای بیشتر از ۱۰ نفر کارکن جمع‌آوری شده است. اما این آمار و اطلاعات فقط برای چند مقطع بوده است و نمی‌تواند در قالب سریهای زمانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در هر حال با توجه به محدودیتهای موجود برای زیر جامعه‌های کارگاههای کوچک نساجی و خانوارهای دارای فعالیت نساجی، بررسی انجام شده در گزارش حاضر به کارگاههای بیش از ده نفر کارکن محدود می‌شود. اما پرسش آن است که زیر جامعه کارگاههای صنعتی که مرکز آمار ایران آن را، کارگاههای بزرگ صنعتی تلقی می‌کند تا چه اندازه می‌تواند نماینده بخش صنعت نساجی باشد؟ برای پاسخگویی به این سؤال لازم است سهم زیر جامعه‌های کارگاههای مختلف به ویژه کارگاههای بزرگ صنعتی در فعالیتهای و عملکردهای کل کارگاههای صنعت نساجی را محاسبه نمود. برای این منظور باید در یک مقطع زمانی که در آن از کلیه زیر جامعه‌های کارگاههای صنعت نساجی و خانوارهای فعال در صنایع نساجی آمارگیری شده باشد سهم هر یک از زیر جامعه‌ها را محاسبه نمود. خوشبختانه در سالهای ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۹ توسط مرکز آمار ایران از تمام زیر جامعه‌های کارگاههای صنعت نساجی، پوشاک و چرم آمارگیری شده و در سال ۱۳۶۷ این آمارگیری به صورت تمام شماری عمومی صنعت و معدن بوده است. از این آمارها می‌توان در تعیین نقش هر زیر جامعه در عملکرد بخش صنعت نساجی استفاده کرد.

مرکز آمار ایران در سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ با توجه به دو متغیر تعداد کارکنان و ارزش تولیدات، جامعه کارگاههای بزرگ صنعتی کشور را به دو زیر جامعه سرشماری و نمونه‌گیری تقسیم، و از کارگاههای این دو جامعه در سطح کشور آمارگیری کرده است. بدین ترتیب، علاوه بر تمام سرشماریهایی که در سالهای ۱۳۶۷ و ۱۳۷۴ انجام گرفته، پوشش جامعه آماری به دو صورت پوشش جامعه ثابت و جامعه کل تقسیم‌بندی شده است. در پوشش جامعه ثابت، کارگاههایی که برای آمارگیری انتخاب شده‌اند، طی سالهای آمارگیری ثابت مانده است. در این پوشش آماری اگر کارگاهی به هر دلیلی تعطیل شده و از چرخه تولید خارج شده باشد یا اینکه در زمان آمارگیری امکان تکمیل پرسشنامه آماری توسط کارگاه فراهم نیامده باشد، تعداد نمونه‌های آمارگیری کاهش می‌یابد و اشکالاتی از لحاظ روایی جامعه آماری ایجاد می‌کند. اما در پوشش جامعه کل این مشکل با جایگزینی کارگاههای جدید به حجم نمونه برطرف و همواره سعی می‌شود تا پوشش آماری یکسان و تا حد امکان دربرگیرنده کل کارگاههای صنعتی باشد. اگر چه پوشش جامعه کل بهتر از پوشش جامعه ثابت است؛ به علت این که آمارهای با پوشش جامعه کل دارای سری زمانی طولانی نسبت به آمارهای با پوشش جامعه ثابت نیست. در تحلیل فعالیت و تعیین جایگاه صنعت نساجی در اقتصاد و صنعت از آمارهای با پوشش جامعه ثابت برای زیر جامعه کارگاهی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر استفاده می‌شود. در مورد استفاده از آمار و اطلاعات مرکز آمار ایران باید توجه داشت، با توجه به اینکه در سال ۱۳۶۶ آمار مربوط به زیر جامعه کارگاههای صنعتی بر حسب تعداد کارکنان منتشر نشده است، آمار این سال بر حسب تعداد کل کارگاههای صنعتی آورده شده است یعنی جامعه آماری شامل کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر کارکن نیز می‌شود. از آنجا که بررسی انجام گرفته در این گزارش یک بررسی مقایسه‌ای است و افزایش حجم نمونه در یک سال برای تمام صنایع اتفاق افتاده و علاوه بر این افزایش یکسان حجم نمونه تغییری در شاخصها و نماگرهای محاسبه شده به وجود نمی‌آورد امکان مقایسه شاخصها در سال ۱۳۶۶ با بقیه سالها وجود دارد. آنچه در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد تنها در مورد نرخهای رشد متغیرها در سالهای ۱۳۶۶ (بسیار بالا) و ۱۳۶۷ (بسیار پایین) است که ناشی از افزایش حجم جامعه آماری در سال ۱۳۶۶ است.

۲ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

بانک مرکزی ایران در سال ۱۳۴۳ اولین طرح آمارگیری خود را از کارگاههای صنعتی با عنوان **بررسی آماری صنایع منتخب** به اجرا گذاشت. این طرح در تهران و ۳۲ شهر دیگر به صورت ماهانه و برای شانزده رشته صنعت انجام گرفت. سپس در سال ۱۳۴۵ دامنه این بررسی بیشتر شد و تمام کارگاههای بزرگ صنعتی (کارگاههای دارای بیش از ده نفر کارکن) را در بر گرفت. نتایج این بررسی که تنها شامل شاخص تولید بود به صورت فصلی منتشر شد. در سال ۱۳۴۸، با توجه به حضور مراکز دیگری که کار سرشماری از کارگاههای صنعتی را در کشور به عهده گرفتند، بانک مرکزی برای جلوگیری از دوباره کاری ضمن تجدید نظر در سال پایه شاخصها، تعداد صنایع مورد بررسی را به ۲۱ رشته محدود نمود ولی شاخصهای بیشتری شامل اشتغال، مزد و حقوق و تشکیل سرمایه را محاسبه و منتشر ساخت.

تحولات اقتصادی در اوایل دهه ۱۳۵۰ بر اثر افزایش درآمدهای نفتی، زمان تجدید نظر در سال پایه شاخصها را به ۵ سال تقلیل داد. در سال ۱۳۵۳ آمارهای صنعتی بانک مرکزی به طور کامل بازنگری شد. بدین ترتیب در سال ۱۳۵۴ سرشماری صنعتی سال ۱۳۵۳ برای زیر جامعه کارگاههای صنعتی بیش از ۵۰ نفر کارکن آغاز شد. این سرشماری سطح پوشش وسیعی داشت به طوری که تعداد ۷۹۳ کارگاه بزرگ صنعتی در ۵۰ رشته صنعت را طبق ویرایش دوم طبقه‌بندی بین‌المللی فعالیتها در برمی‌گرفت. گزارشهای بررسی آمار کارگاههای بزرگ صنعتی طبق این طرح از سال ۱۳۵۳ تاکنون به صورت سه ماهه توسط اداره آمارهای اقتصادی بانک مرکزی منتشر شده است. این طرح طی این مدت دوبار از نظر سال پایه شاخصها و چارچوب کارگاهها بازنگری شده است.

در سالهای اول بعد از انقلاب با توجه به تغییرات پدید آمده در بافت صنعتی کشور، ترکیب و کیفیت کالاهای تولیدی و گسترش صنایع نسبت به سال ۱۳۵۳، ضرایب مورد استفاده و چارچوب بررسی قبلی دیگر کیفیت مطلوب را نداشت. بنابراین سال ۱۳۶۱ به عنوان سال پایه انتخاب شد و تعداد کارگاههای مورد بررسی به ۱۲۱۳ کارگاه و تعداد صنایع به ۵۶ رشته صنعت طبق ISIC ویرایش دوم رسید که میزان فراگیری آن در مقایسه با کارگاههای دارای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر معادل ۷۹/۵ درصد بود. این طرح تا سال ۱۳۷۱ با همین کیفیت ادامه یافت و نتایج آن طی سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۱ منتشر شد. بانک مرکزی با پایان یافتن جنگ تحمیلی و اجرای برنامه اول پنج ساله توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، سال پایه و نمونه‌گیری کارگاهها را مورد تجدید نظر قرار داد. بدین ترتیب سال پایه شاخصهای صنعتی به سال ۱۳۶۹ تغییر یافت. علاوه بر این ضمن تغییر نسبی برخی از صنایع، تعداد رشته‌های صنعتی از ۵۶ رشته به ۵۷ رشته صنعتی بر مبنای طبقه‌بندی بین‌المللی فعالیتها ویرایش دوم افزایش یافت، ضمن آنکه تعداد کارگاههای بزرگ صنعتی فعال مشمول طرح نیز به ۱۳۲۰ کارگاه افزایش داده شد. تا زمان تهیه این گزارش، نتایج بررسی کارگاهها از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۷۶ به صورت گزارشهای سالانه و شش ماهه منتشر شده است.

علاوه بر گزارشهای نتایج بررسی کارگاهها که توسط اداره آمارهای اقتصادی بانک مرکزی منتشر می‌شود، اداره حسابهای اقتصادی و اداره بررسیهای اقتصادی نیز آمارهایی درباره سرمایه‌گذاری، تجارت و ارزش افزوده صنایع مختلف از سال ۱۳۳۸ تاکنون منتشر کرده‌اند. کاربرد این آمارها با توجه به اینکه یک سری زمانی طولانی را تشکیل می‌دهند در تحلیل فعالیتهای صنعت بسیار مفید است. بانک مرکزی در کتاب حسابهای ملی ایران اقدام به یکسان‌سازی جامعه‌ها و سال پایه آمارهای طرحهای بررسی کارگاههای صنعتی کرده و اطلاعات مزبور را از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۷۵ به صورت یک سری زمانی ارائه نموده است.

مجموعه آمار و اطلاعات قابل گردآوری از بانک مرکزی را می‌توان در نمودار زیر نشان داد. با توجه به اینکه امکان یکسان‌سازی اطلاعات مربوط به نتایج بررسی کارگاههای صنعتی در سال پایه‌های مختلف مقدور نبوده است. آمار و اطلاعات مربوط به نتایج بررسی کارگاهها با سال پایه ۱۳۵۳، ۱۳۶۱ و ۱۳۶۹ به صورت جداگانه مورد استفاده قرار گرفته است.

نتایج بررسی کارگاههای بزرگ صنعتی با سال پایه ۱۳۵۳ (از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۱)	منابع آماری موجود در بانک مرکزی ج.ا.ایران
نتایج بررسی کارگاههای بزرگ صنعتی با سال پایه ۱۳۶۱ (از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۱)	
نتایج بررسی کارگاههای بزرگ صنعتی با سال پایه ۱۳۶۹ (از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۶)	
حسابهای ملی ایران (سالانه، ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۵)	
گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی (سالانه، ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۶)	
جدول داده و ستانده (مقطعی)	

۳ - وزارت صنایع

وزارت صنایع که تاکنون از نظر ساختار تشکیلاتی و اداری تغییر و تحولات زیادی را تجربه کرده است، متولی امور صنعتی کشور است، و به واسطه این وظیفه آمارهای صنعتی و گزارش عملکرد صنایع مختلف را تهیه و منتشر می‌سازد. در سال ۱۳۵۲ وظیفه سرشماری کارگاههای صنعتی که تا قبل از آن به عهده وزارت اقتصاد سابق بود، به وزارت صنایع و معادن آن زمان محول شد. بعد از انقلاب اسلامی وزارتخانه‌های امور صنعتی از سرشماری فعالیتهای کارگاهها معاف شدند و این کار را همان طور که ملاحظه شد مرکز آمار ایران و بانک مرکزی ج.ا.ایران گرفتند. در سالهای پس از انقلاب وزارت صنایع و معادن به سه وزارت صنایع سنگین، صنایع سبک و معادن و فلزات تفکیک شد و هر یک در حوزه کار خود گزارش عملکرد و آمارهای فعالیت خود را در گزارشهای جداگانه منتشر می‌ساختند. به ویژه با توجه به اینکه کلیه فعالیتهای صنعتی بایست با مجوز این وزارتخانه‌ها انجام می‌گرفت، تمامی آمار و اطلاعات مربوط به مجوزهای صنعتی، واحدهای جدید ایجاد شده و به بهره‌برداری رسیده در گزارشهای این وزارتخانه‌ها منتشر می‌شد. در سال ۱۳۷۲ دو وزارت صنایع سبک و سنگین ادغام شدند و وزارت صنایع جدید متولی فعالیتهای صنعتی در کشور گردید. بنابراین گزارشهای وزارت صنایع اطلاعات مربوط به کلیه اقدامات دولت برای توسعه صنعتی و آمارهای مربوط به عملکرد و فعالیتهای واحدهای تحت پوشش وزارت صنایع را در برمی‌گیرد. در حال حاضر مجموعه این آمار و اطلاعات در گزارشهای آماری زیر توسط وزارت صنایع منتشر می‌شود:

گزارش عملکرد ماهانه	منابع آماری موجود در وزارت صنایع
گزارش عملکرد سه ماهه	
سالنامه آمارهای صنعتی	

در این گزارشها، آمارها برپایه طبقه‌بندی بین‌المللی فعالیتهای ارائه نمی‌شود. بنابراین امکان مقایسه و بررسی آنها در کنار سایر آمارها امکان‌پذیر نیست. آمارهای مزبور بر مبنای ساختار اداری وزارت صنایع و در محدوده واحدهای تحت پوشش آن وزارت تهیه می‌شود. از این رو، دارای جامعیت نیست. بر این اساس در این مطالعه فقط درباره آمارهایی که به طور خاص به وزارت صنایع مربوط می‌شود، مانند آمار مجوز فعالیتهای صنعتی از اطلاعات این وزارت استفاده شده است.

بررسی وضعیت صنایع نساجی از لحاظ تعداد، مالکیت و اندازه کارگاهها، ساختار و اساس تشکیل دهنده صنعت نساجی کشور را مشخص می‌کند. تعداد کارگاههای جدید نساجی افزوده شده به صنایع کشور و سهم صنعت نساجی از تعداد کارگاههای صنعتی کشور، اهمیت و موقعیت این صنعت را در بین صنایع کشور نشان می‌دهد. بدین منظور ابتدا مجوزهای صنعتی صادر شده توسط وزارت صنایع به عنوان تنها متولی صدور مجوزهای فعالیتهای صنعتی در کشور بررسی شده، و سپس تعداد کارگاههای موجود استخراج شده از آمارگیریهای مرکز آمار ایران و بانک مرکزی ج.ا.ایران به طور جداگانه بررسی می‌شود.

۳-۱ مجوزهای صنعتی

مجوزهای صنعتی متعددی توسط وزارت صنایع صادر می‌شود که **صدور موافقت اصولی** با **جواز تأسیس** و **پروانه بهره‌برداری** از مهمترین آنهاست. جواز تأسیس یا موافقت اصولی عبارت از مجوز اولیه احداث کارگاه یا واحد صنعتی است. برای صدور این مجوز وزارت صنایع با توجه به اصول و سیاستهای کلی حاکم بر برنامه‌های توسعه، برنامه‌ها و سیاستهای اجرایی وزارت، و در نهایت با در نظر گرفتن شرایط و محدودیتهای تعیین شده اقدام به صدور مجوز برای متقاضیان احداث واحدهای صنعتی می‌نماید. بدین ترتیب دولت می‌تواند در جریان و فرآیند شکل‌گیری صنایع در کشور مداخله مستقیم کند و بر آن نظارت داشته باشد. به این صورت که با توجه به شرایط و مصالح کشور صدور مجوز را در یک رشته صنعتی محدود و در رشته دیگر صنعتی تشویق کند و از به وجود آمدن تراکم بیش از حد در یک رشته صنعتی در کشور جلوگیری نماید. علاوه بر این با صدور مجوز فعالیتهای صنعتی، نظیر صدور شناسنامه برای افراد یک کشور، آن واحد تحت تابعیت یا به عبارت بهتر تحت پوشش وزارت صنایع می‌آید، امکان اعمال سیاستهای ارشادی برای هدایت صنایع کشور فراهم می‌شود، و دولت می‌تواند برخی سیاستهای حمایتی و تشویقی برای گسترش فعالیتهای صنعتی اعمال نماید.

مجوز دیگری که از آن پیشتر نام برده شد، **پروانه بهره‌برداری** است. پروانه بهره‌برداری همانطور که از نام آن پیداست مجوزی است که پس از نصب ماشین‌آلات و موفقیت در تولید آزمایشی به واحد صنعتی داده می‌شود و واحد به طور رسمی آغاز به کار می‌کند. به عبارت دیگر، واحدهایی که قبلاً از وزارت صنایع جواز تأسیس دریافت نموده، و کارهای ایجاد و احداث واحد صنعتی را با موفقیت پست سرگذاشته باشند، با دریافت مجوز پروانه بهره‌برداری به شبکه تولید صنعتی کشور می‌پیوندند. افزایش تعداد پروانه بهره‌برداری به معنای افزایش تعداد طرحهای راه‌اندازی شده و افزایش توان صنعتی کشور است.

بر پایه جدول ۳- ۱، طی سالهای پس از انقلاب اسلامی، تعداد جوازهای تاسیس صادر شده توسط وزارت صنایع تا سال ۱۳۶۱ روندی صعودی را طی کرده است. در سال ۱۳۶۲ بیشترین تعداد جواز تاسیس در صنایع نساجی یعنی ۷۲۶ فقره و نیز کل صنایع کشور یعنی ۷۶۵۶ صادر شد. پس از این سال به دلیل مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ روند جواز تاسیس رو به کاهش گذاشت و این روند تا سال ۱۳۶۸ ادامه یافت؛ به طوری که در سال ۱۳۶۷ تعداد جواز تاسیس در صنایع نساجی و چرم به ۵۵ فقره و در کل صنایع نیز به ۱۲۲۳ فقره محدود شد. در طی سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ در صنایع نساجی و چرم تعداد ۲۴۲۷ فقره و در کل صنایع تعداد ۲۹۲۰۹ فقره جواز تاسیس صادر شده است. از سال ۱۳۶۸ به بعد، تعداد جوازهای تاسیس صادر شده دوباره روندی صعودی یافت و در سال ۱۳۷۰ به نقطه اوج رسید در این سال تعداد ۲۹۶۳ واحد صنعتی در صنایع نساجی و تعداد ۱۶۴۲۵ واحد صنعتی در کل صنایع کشور مجوز اولیه تاسیس گرفتند؛ رقمی که نه تنها سابقه نداشت، بلکه هرگز در سالهای بعد هم تکرار نشد. پس از این سال تا پایان برنامه اول (۱۳۷۲) روند صدور مجوز تاسیس کاهش شد. از سال ۱۳۷۳ روند صدور مجوز دوباره صعودی شد، به طوری که در سال ۱۳۷۶ تعداد قابل توجه ۱۵۲۹ فقره در صنایع نساجی و تعداد ۱۰۱۵۶ فقره در کل صنایع کشور جواز تاسیس صادر شده است. به طور کلی در این دوره نه ساله یعنی از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۶ در صنایع نساجی و چرم تعداد ۱۱۲۱۸ و در کل صنایع تعداد ۸۵۴۱۴ فقره جواز تاسیس صادر شده است. تعداد مجوزهای صادره در این دوره بسیار بیشتر از دوره قبل یعنی دوره ده ساله ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ بود و دلیل عمده آن اتمام جنگ و شروع دوره بازسازی و سازندگی کشور بوده است. به طور خلاصه در حدود ۸۲ درصد جواز تاسیس صنایع نساجی و چرم و ۷۵ درصد جواز تاسیس کل صنایع کشور در دوران پس از انقلاب در سالهای اجرای برنامه اول و دوم توسعه یعنی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ صادر شده است. بیشتر بودن درصد مجوزهای تاسیس صنایع نساجی نسبت به کل صنایع نشان دهنده این است که فعالیتهای نساجی نسبت به متوسط صنعت بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، سهم صنایع نساجی در اخذ جواز تاسیس در سالهای برنامه اول و دوم توسعه افزایش یافته است. سهم این صنعت به طور متوسط در دوره ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ یعنی دوره ۱۰ ساله قبل از اجرای برنامههای توسعه حدود ۷/۸ درصد بوده است که در دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ به حدود ۱۱/۷ درصد افزایش یافته است. با وجود این افزایش، سهم صنایع نساجی و چرم در جواز تاسیس واحدهای جدید بسیار پایین بوده است. دلیل عمده این مسأله به رکود مزمن صنایع نساجی برمیگردد که بر اثر آن سرمایه‌گذاران و صنعتگران تمایل کمتری برای ورود این صنایع وارد داشته‌اند. بنابراین تقاضا برای ایجاد واحدهای صنایع نساجی پایین بوده است.

جدول ۳- ۱ جوله‌های تأسیس صادره توسط وزارت صنایع

سال	تعداد جواز تأسیس - فقره		رشد تعداد جواز تأسیس - درصد		سهم صنایع نساجی و چرم - درصد
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	
۱۳۵۸	۶۵۲	۱۶	—	—	۲/۵
۱۳۵۹	۱,۹۷۷	۱۵۹	۲۰۳/۲	۸۹۳/۸	۸/۰
۱۳۶۰	۲,۷۰۹	۳۵۷	۳۷/۰	۱۲۴/۵	۱۳/۲
۱۳۶۱	۳,۲۸۷	۳۰۹	۲۱/۳	-۱۳/۴	۹/۴
۱۳۶۲	۷,۶۵۶	۷۲۶	۱۳۲/۹	۱۳۵/۰	۹/۵
۱۳۶۳	۴,۷۷۶	۳۰۵	-۳۷/۶	-۵۸/۰	۶/۴
۱۳۶۴	۳,۱۳۵	۱۱۶	-۳۴/۴	-۶۲/۰	۳/۷
۱۳۶۵	۲,۳۳۷	۲۲۲	-۲۵/۵	۹۱/۴	۹/۵
۱۳۶۶	۱,۴۵۷	۱۶۲	-۳۷/۷	-۲۷/۰	۱۱/۱
۱۳۶۷	۱,۲۲۳	۵۵	-۱۶/۱	-۶۶/۰	۴/۵
جمع دوره ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷	۲۹,۲۰۹	۲,۴۲۷	—	—	—
۱۳۶۸	۲,۴۶۷	۶۴	۱۰۱/۷	۱۶/۴	۲/۶
۱۳۶۹	۱۱,۲۷۳	۱,۷۴۳	۳۵۷/۰	۲,۶۲۳/۴	۱۵/۵
۱۳۷۰	۱۶,۴۲۵	۲,۹۶۳	۴۵/۷	۷۰/۰	۱۸/۰
۱۳۷۱	۹,۹۵۱	۱,۳۱۷	-۳۹/۴	-۵۵/۶	۱۳/۲
۱۳۷۲	۷,۶۴۰	۶۰۴	-۲۳/۲	-۵۴/۱	۷/۹
۱۳۷۳	۸,۷۵۴	۸۸۱	۱۴/۶	۴۵/۹	۱۰/۱
۱۳۷۴	۹,۵۶۶	۸۹۷	۹/۳	۱/۸	۹/۴
۱۳۷۵	۹,۱۸۲	۱,۲۲۰	-۴/۰	۳۶/۰	۱۳/۳
۱۳۷۶	۱۰,۱۵۶	۱,۵۲۹	۱۰/۶	۲۵/۳	۱۵/۱
جمع دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶	۸۵,۴۱۴	۱۱,۲۱۸	—	—	—
جمع دوره ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۶	۱۱۴,۶۲۳	۱۳,۶۴۵	—	—	—

مأخذ: وزارت صنایع، سالنامه آمارهای صنعتی.

در سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ روند به بهره‌برداری رسیدن واحدهای جدید صنعت نساجی روندی افزایشی داشته و بیشترین آن مربوط به سال ۱۳۶۶ بوده است که تعداد ۱۸۲ فقره پروانه بهره‌برداری در این صنعت صادر شد. در طی این سالها تعداد پروانه‌های بهره‌برداری در صنعت نساجی سالانه به طور متوسط در حدود ۶۵ درصد رشد داشته است. این وضعیت در پروانه بهره‌برداری کل صنایع نیز دیده می‌شود، به این صورت که تعداد پروانه بهره‌برداری در کل صنایع نیز به طور متوسط سالانه حدود ۳۲/۲ درصد رشد داشته است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این دوره متوسط رشد به بهره‌برداری رسیدن واحدهای صنعت نساجی تقریباً دو برابر کل صنایع بوده است و علاوه بر این سهم صنایع نساجی در پروانه‌های بهره‌برداری کل صنایع از ۲ درصد در سال ابتدای دوره یعنی سال ۱۳۵۸ به ۱۲/۵ درصد در سال ۱۳۶۷ یعنی سال پایانی دوره بالغ شده است.

در دوره دوم بعد از انقلاب یعنی سالهای اجرای برنامه اول و دوم توسعه از سال ۱۳۶۸ به بعد با توجه به برنامه‌ریزیهای انجام شده و تمرکز بر روی به بهره‌برداری رساندن طرحهای قبلی و نیز طرحهایی اجرا شده در قالب برنامه‌های اول و دوم توسعه، موجب شد که واحدهای صنعتی بیشتری به بهره‌برداری برسد. به ویژه در سالهای اجرای برنامه دوم تعداد پروانه‌های بهره‌برداری به واسطه طرحهایی که در برنامه اول توسعه شروع شده بود، به شدت افزایش یافت. این وضعیت هم در صنایع نساجی و چرم و هم در کل صنایع دیده می‌شود؛ به طوری که بیش از ۷۰ درصد واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده صنایع نساجی و چرم و نیز کل صنایع در سالهای بعد از انقلاب اسلامی، متعلق به دوره ۹ ساله اجرای برنامه‌های اول و دوم توسعه بوده است. در دوره ده ساله ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ به طور متوسط سالانه به ترتیب ۸۵ و ۸۰۴ پروانه بهره‌برداری در صنایع نساجی و کل صنایع صادره شد که این ارقام در دوره ۹ ساله ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ در صنایع نساجی و چرم به حدود ۲۵۴ فقره و در کل صنایع به ۲۲۲۳ فقره افزایش یافته است. با وجود افزایش تعداد واحدهای به بهره‌برداری رسیده در صنایع نساجی و چرم در سالهای اجرای برنامه اول و دوم، این تعداد نسبت به کل صنایع و در مقایسه با سایر صنایع کاهش یافته است. سهم صنایع نساجی و چرم در تعداد پروانه بهره‌برداری کلی صنایع به طور متوسط سالانه حدود ۳ درصد بوده است که در مقایسه با دوره قبل ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ (در حدود ۴/۳ درصد) تقریباً ۱/۳ درصد کاهش یافته است. ذکر این نکته ضروری است که سهم صنایع نساجی و چرم در پروانه بهره‌برداری واحدهای جدید صنعتی بسیار پایین است و نشان می‌دهد که در آینده تولید محصولات نساجی با مشکل مواجه خواهد شد، زیرا ظرفیت‌سازی و سرمایه‌گذاری برای توسعه این بخش حداقل متناسب با سایر صنایع انجام نگرفته است. با وجود اینکه در سه سال ۱۳۷۴، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ واحدهایی که موفق به اخذ پروانه بهره‌برداری در صنعت نساجی شده‌اند به یکباره به طور چشمگیری افزایش یافته است، نگرانیهایی در این زمینه وجود دارد که امید می‌رود با رفع تنگناهای موجود این روند اصلاح و وضعیت متعادلی ایجاد شود.

جدول ۳ - ۲ پروانه‌های بهره‌برداری صادره توسط وزارت صنایع

سال	تعداد پروانه بهره‌برداری - فقره		رشد تعداد پروانه بهره‌برداری - درصد		سه صنایع نساجی و چرم - درصد
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	
۱۳۵۸	۱۴۴	۱۳	—	—	۲/۰
۱۳۵۹	۲۰۸	۵۱	۴۴/۴	۲۹۲/۳	۲/۶
۱۳۶۰	۵۴۰	۲۴	۱۵۹/۶	-۵۲/۹	۰/۹
۱۳۶۱	۸۳۴	۷۵	۵۴/۴	۲۱۲/۵	۲/۳
۱۳۶۲	۷۴۳	۵۹	-۱۰/۹	-۲۱/۳	۰/۸
۱۳۶۳	۱,۲۵۲	۶۴	۶۸/۵	۸/۵	۱/۳
۱۳۶۴	۱,۲۳۸	۱۲۹	-۱/۱	۱۰۱/۶	۴/۱
۱۳۶۵	۱,۰۴۲	۱۰۰	-۱۵/۸	-۲۲/۵	۴/۳
۱۳۶۶	۱,۱۰۸	۱۸۲	۶/۳	۸۲/۰	۱۲/۵
۱۳۶۷	۹۳۲	۱۵۳	-۱۵/۹	-۱۵/۹	۱۲/۵
جمع دوره ۱۳۶۷ تا ۱۳۵۸	۸,۰۴۱	۸۵۰	—	—	—
۱۳۶۸	۶۷۸	۱۰۴	-۲۷/۳	-۳۲/۰	۴/۲
۱۳۶۹	۸۹۹	۱۱۲	۳۲/۶	۷/۷	۱/۰
۱۳۷۰	۱,۳۲۲	۱۳۴	۴۷/۱	۱۹/۶	۰/۸
۱۳۷۱	۹۱۲	۷۴	-۳۱/۰	-۴۴/۸	۰/۷
۱۳۷۲	۱,۴۶۷	۱۲۲	۶۰/۹	۶۴/۹	۱/۶
۱۳۷۳	۳,۹۱۵	۲۷۷	۱۶۶/۹	۱۲۷/۰	۳/۲
۱۳۷۴	۴,۰۶۹	۴۹۲	۳/۹	۷۷/۶	۵/۱
۱۳۷۵	۳,۶۰۰	۵۵۳	-۱۱/۵	۱۲/۴	۶/۰
۱۳۷۶	۳,۱۴۵	۴۱۸	-۱۲/۶	-۲۴/۴	۴/۱
جمع دوره ۱۳۷۶ تا ۱۳۶۸	۲۰,۰۰۷	۲,۲۸۶	—	—	—
جمع دوره ۱۳۷۶ تا ۱۳۵۸	۲۸,۰۴۸	۳,۱۳۶	—	—	—

مأخذ: وزارت صنایع، سالنامه آمارهای صنعتی.

باید توجه داشت، بسیاری از واحدهای صنعتی که اقدام به اخذ مجوز تأسیس یا موافقت اصولی می‌کنند در همان سال، کار ساخت کارگاه نصب و راه‌اندازی ماشین‌آلات را به پایان نمی‌برند و این امر مستلزم صرف سالها وقت است. کار راه‌اندازی یک واحد صنعتی بر طبق طرح مصوب وزارت صنایع در محدوده زمانی تعیین شده انجام می‌گیرد. از

این رو، نمی‌توان رابطه مستقیمی بین تعداد موافقت‌های اصولی و تعداد پروانه‌های بهره‌برداری در یک مدت زمان کوتاه برقرار نمود. اما می‌توان در یک دوره طولانی ۱۰ یا ۲۰ ساله این مقایسه را انجام داد. هر چند این مقایسه نیز پایایی و روایی لازم را ندارد، می‌تواند یک تصویر کلی از وضعیت موجود ارائه و تا حدودی نیز زمان اجرای طرح‌ها را مشخص کند. بر این اساس، درصد واحدهای صنعتی که موافقت اصولی دریافت داشته و موفق به اخذ پروانه بهره‌برداری شده‌اند در دوره ۱۹ ساله بعد از انقلاب اسلامی این برای صنایع نساجی حدود ۲۳ درصد و برای کل صنایع حدود ۲۴/۵ درصد بوده است.

این ارقام نشان می‌دهند وضعیت به بهره‌برداری رسیدن واحدهای صنعتی که جواز تأسیس دریافت کرده‌اند بسیار نامطلوب بوده است. با توجه به دوره بلند مدت ۲۰ ساله در نظر گرفته شده، مسأله تأخیر زمانی را نیز در برداشته است. در واقع این نسبت بیانگر آن است که قسمت عمده (حدود ۷۵ درصد) طرح‌های صنعتی در جریان احداث به لحاظ مشکلات مختلف از دور خارج شده و به مرحله بهره‌برداری نرسیده‌اند. این وضعیت در صنایع نساجی حادث‌تر از کل صنایع کشور بوده است. در سالهای اخیر نیز با وجود اجرای برنامه‌های اول و دوم و فشارهایی که در اجرای طرح‌های نیمه تمام توسط دولت اعمال شده، این نسبت نه تنها بهتر نشده بلکه بدتر شده است. در دوره اول بررسی یعنی سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ درصد طرح‌های به بهره‌برداری رسیده در صنایع نساجی و چرم، و کل صنایع به ترتیب ۳۵ و ۲۷/۵ درصد بوده که در دوره دوم یعنی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ به ۲۰/۳ درصد برای صنایع نساجی و چرم و ۲۳/۴ درصد برای کل صنایع کاهش یافته است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود وضعیت صنایع نساجی در دوره دوم بررسی به مراتب بدتر شده است. این نکته نمایانگر حجم زیاد طرح‌های نیمه تمام و رها شده‌ای است که جز هزینه‌های سربار و اتلاف منابع حاصلی در برنداشته است. پیداست، جلوگیری از صدور موافقت‌های اصولی (جوازهای تأسیس) بی‌مورد و کوشش برای حل مشکلات طرح‌های صنعتی در دست اجرا می‌تواند این مسأله را تا حدود زیادی تخفیف دهد.

۳-۲ کارگاه‌های صنعتی

تعداد کارگاه‌های صنعتی نساجی نشان دهنده پتانسیل تولیدی و ظرفیتهای ایجاد شده برای تولید فرآورده‌های نساجی است. از دیدگاه طرح‌های آمارگیری مرکز آمار ایران، کارگاه صنعتی مکان ثابتی است که در آن مجموعه‌ای از سرمایه و نیروی کار به منظور تولید یک یا چند محصول صنعتی به کار گرفته شده باشد، و کارگاه‌هایی که دارای بیش از ده نفر کارکن باشند به عنوان کارگاه بزرگ صنعتی تلقی می‌شوند. اما از دیدگاه بانک مرکزی ج.ا.ایران تعریف کارگاه صنعتی چنین است: "کارگاه عبارت است از محل معینی که در آن کالایی تولید یا خدمتی انجام می‌گیرد. به عبارت دیگر کارگاه یک واحد فنی و تولیدی است که دارای محل مستقل و تحت مدیریت و حسابداری واحد به فعالیت اقتصادی اشتغال داشته باشد." همچنین، کارگاه بزرگ صنعتی به کارگاهی اطلاق می‌شود که فعالیت آن طبق طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی فعالیت‌های اقتصادی (ISIC) به عنوان فعالیت صنعتی شناخته شده و تعداد کارکنان آن بیشتر از پنجاه نفر باشد. براساس این تفاوتها در تعریف، آمار ارائه شده توسط این دو نهاد نیز با یکدیگر متفاوت است

- در جدولهای ۳-۳ و ۳-۴.

جدول ۳-۳ تعداد کارگاههای صنعتی بیش از ۱۰ نفر کارکن

سال	تعداد کارگاهها - عدد		سهم صنایع نساجی و چرم درصد	رتبه صنایع نساجی و چرم درصد	درصد کارگاههای خصوصی	
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم			کل صنایع	صنایع نساجی و چرم
۱۳۵۳	۵,۰۲۱	۱,۷۱۵	۳۴/۲	۱	۹۷	۹۸
۱۳۵۴	۴,۹۱۰	۱,۱۳۷	۲۳/۲	۲	۹۶	۹۷
۱۳۵۵	۵,۴۳۲	۱,۱۴۴	۲۱/۱	۲	۹۷	۹۷
۱۳۵۶	-	-	-	-	-	-
۱۳۵۷	-	-	-	-	-	-
۱۳۵۸	۴,۵۰۲	۷۸۷	۱۷/۵	۲	۹۰	۸۶
۱۳۵۹	۵,۸۸۰	۱,۱۴۳	۱۹/۴	۲	۹۰	۸۹
۱۳۶۰	۷,۵۳۱	۱,۸۰۶	۲۴/۰	۱	۸۹	۹۱
۱۳۶۱	۶,۹۳۸	۱,۲۲۳	۱۷/۶	۲	۸۶	۸۶
۱۳۶۲	۶,۷۷۵	۱,۲۰۰	۱۷/۷	۲	۸۵	۸۶
۱۳۶۳	۶,۵۹۶	۷۹۰	۱۲/۰	۴	۸۶	۷۸
۱۳۶۴	۶,۲۴۸	۱,۱۱۳	۱۷/۸	۲		
۱۳۶۵	۶,۱۳۷	۱,۱۱۲	۱۸/۱	۲	۸۵	۸۵
۱۳۶۶	۱۱,۶۱۹	۲,۹۵۱	۲۵/۴	۲		
۱۳۶۷	۱۰,۲۴۶	۲,۴۹۹	۲۴/۴	۲		
۱۳۶۸	۱۱,۵۵۶	۲,۹۸۲	۲۵/۸	۲		
۱۳۶۹	۲,۵۸۵	۴۰۵	۱۵/۷	۳		
۱۳۷۰	۵,۶۸۷	۸۸۴	۱۵/۵	۳	۸۵	۸۱
۱۳۷۱	۵,۵۸۱	۸۶۲	۱۵/۴	۴	۸۴	۸۰
۱۳۷۲	۵,۳۲۲	۸۰۲	۱۵/۱	۴	۸۵	۸۳
۱۳۷۳						
۱۳۷۴						

مأخذ: مرکز آمار ایران، آمارگیری از کارگاههای صنعتی.

۳ - ۲ - ۱ تعداد کارگاههای صنعتی با بیش از ده نفر کارکن

بر پایه جدول ۳-۳ در سالهای قبل از انقلاب سهم صنایع نساجی در تعداد کارگاههای بزرگ صنعتی کشور بسیار بالا بوده به طوری که صنایع نساجی در سال ۱۳۷۵ (آخرین سال آمار موجود قبل از انقلاب) از نظر تعداد کارگاه در بین صنایع نه گانه رتبه دوم را دارا بوده است. در سالهای پس از انقلاب تا سال ۱۳۶۸ اگر چه این سهم دچار نوسان بوده است، تقریباً رتبه صنایع نساجی از نظر داشتن تعداد کارگاه در بین صنایع نه گانه حفظ شده است. اما این وضعیت از سال ۱۳۶۹ به بعد تغییر، و تعداد کارگاههای صنعت نساجی کاهش یافته است. علت این مسأله را می توان خارج شدن تعدادی از کارگاههای صنعتی نساجی به علت رکود این صنایع و مشکلات و گرفتاریهای این صنعت قدیمی دانست. این کاهش سبب شد سهم صنایع نساجی در کل کارگاههای صنعتی به یکباره کاهش یابد. این نسبت در طول سالهای پس از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۸ به طور متوسط ۲۰ درصد بود اما در سال ۱۳۷۲ به حدود ۱۵ درصد محدود شد و علاوه بر این رتبه صنایع نساجی در بین صنایع نه گانه کشور نیز کاهش یافت و در مکان چهارم قرار گرفت.

نماگر دیگری که وضعیت مدیریتی صنایع نساجی را نشان می دهد درصد کارگاههای خصوصی است که در جدول ۳-۳ برای صنایع نساجی و کل صنایع محاسبه شده است. این درصد بیانگر آن است که چه تعداد از کارگاههای صنعتی کشور با شیوه مدیریت خصوصی اداره می شوند. چنانکه ملاحظه می شود، در سالهای قبل از انقلاب حدود ۹۷ درصد کارگاهها در صنایع نساجی و نیز کل صنایع کشور با مدیریت خصوصی اداره می شده است، حال آنکه در سالهای بعد از انقلاب با ملی شدن بسیاری از صنایع به مرور درصد کارگاههای خصوصی در کل کارگاهها به ۷۸ درصد کاهش یافته است. این روند کاهشی به واسطه اعمال سیاستهای خصوصی سازی همزمان با اجرای برنامه های اول و دوم توسعه بعد از انقلاب متوقف شده به طوری که در سال ۱۳۷۲ درصد خصوصی کارگاههای صنایع نساجی به ۸۳ درصد افزایش یافت. اگر چه هنوز این رقم نسبت به دوران قبل از انقلاب پایین است، روند دولتی شدن صنایع کشور متوقف و معکوس شده است.

۳ - ۲ - ۲ تعداد کارگاههای صنعتی با بیش از پنجاه نفر کارکن

اطلاعات مربوط به تعداد کارگاههای بیش از پنجاه نفر کارکن مربوط به سه طرح آمارگیری که از سال ۱۳۵۳ توسط بانک مرکزی اجرا شده در جدول شماره ۳-۴ آورده شده است. براساس این جدول تعداد کارگاههای صنعت نساجی در طرح آمارگیری سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۶۱ روندی افزایشی داشته و از ۱۷۴ کارگاه به ۲۲۸ کارگاه افزایش یافته است. بر اثر این روند افزایشی، سهم صنایع نساجی از ۲۱/۸ درصد در سال ۱۳۵۳ به مرور طی دوره مزبور به ۲۳/۵ درصد افزایش یافته است. علاوه بر این، رتبه صنایع نساجی در بین صنایع نه گانه کد ISIC از نظر تعداد کارگاههای بیش از پنجاه نفر کارکن از مرتبه دوم به مرتبه یکم ارتقا یافت. دلیل افزایش تعداد کارگاههای صنعت نساجی را می توان علاوه بر افزایش کارگاههای نساجی جدید، نتیجه افزایش جذب نیروی کار در اوایل انقلاب به واسطه شرایط موجود در کشور دانست. بدین معنا که در آن سالها با توجه به ملی شدن صنایع و فشارهای موجود

برای استخدام و به کارگیری بیشتر افراد، کارگاهها به استخدام نیروی کار پرداختند. بدین ترتیب کارگاههایی که کمتر از پنجاه نفر کارکن داشتند به بیشتر از پنجاه نفر کارکن ارتقا یافتند. این مسأله در صنعت نساجی به دلیل ماهیت کاربر بودن آن با شدت بیشتری اتفاق افتاد.

به دنبال تغییرات پدید آمده در بافت صنعتی کشور، ترکیب و کیفیت کالاهای تولیدی، گسترش صنایع کشور از سال ۱۳۵۳، و تحولات بعد از انقلاب اسلامی، در طرح آمارگیری از کارگاههای صنعتی از سال ۱۳۶۱ تجدید نظر به عمل آمد و تعداد کارگاههای مورد بررسی به ۱۲۱۳ کارگاه افزایش یافت که از این تعداد ۲۸۵ کارگاه متعلق به صنایع نساجی بود. این تعداد تقریباً ۲۳/۵ درصد کارگاههای صنعتی بیش از ۵۰ نفر کارکن را شامل می شد. در طول دوره اجرای این طرح با سال پایه ۱۳۶۱ تقریباً این نسبت ثابت ماند و رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع نه گانه از نظر تعداد کارگاههای صنعتی بیش از پنجاه نفر کارکن همچنان در سطح رتبه اول باقی ماند.

آخرین تجدیدنظری که در سال پایه طرح آمارگیری کارگاههای صنعتی توسط بانک مرکزی به عمل آمد، مربوط به سال ۱۳۶۹ بوده است. در این تجدید نظر تعداد کل کارگاههای صنعتی بیش از پنجاه نفر کارکن به ۱۳۲۰ کارگاه افزایش یافت. لازم به ذکر است نتایج این بررسی پس از چهار سال تاخیر در سال ۱۳۷۵ در یک گزارش منتشر شد که اطلاعات مربوط به تعداد کارگاههای رشته های مختلف صنعت از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۲ را در برنداشت. در هر حال از سال ۱۳۶۹ که سال پایه طرح آمارگیری است، سالانه به تعداد کارگاهها افزوده شده، به طوریکه در سال ۱۳۷۶ تعداد کل کارگاهها به ۱۶۹۱ کارگاه افزایش یافته است. از این تعداد، ۳۸۷ کارگاه مربوط به صنایع نساجی بوده که تقریباً ۲۲/۹ درصد آن را تشکیل می داده است. همان طور که ملاحظه می شود با وجود اینکه تعداد کارگاههای بزرگ صنعت نساجی افزایش یافته، سهم صنایع نساجی و چرم در کل تعداد کارگاهها کاهش یافته است. بدین ترتیب رتبه صنایع نساجی از این نظر در بین صنایع نه گانه از مرتبه یکم به مرتبه دوم تنزل یافته است. به طور خلاصه با توجه به آمارهای بانک مرکزی و مرکز آمار ملاحظه می شود که هنوز سهم صنایع نساجی و چرم در تعداد کارگاههای صنعتی کشور بالاست و از این نظر جایگاه ویژه ای در بین صنایع کشور برخوردار است.

جدول ۳ - ۴ تعداد کارگاههای صنعتی با بیش از پنجاه نفر کارکن

سال	تعداد کارگاهها - عدد		رتبه صنایع نساجی و چرم
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	
			سهم صنایع نساجی و چرم در صد

طرح آمارگیری سال پایه ۱۳۵۳

۱۳۵۳	۸۰۰	۱۷۴	۲۱/۸	۲
۱۳۵۴	۸۵۲	۱۹۲	۲۲/۵	۲
۱۳۵۵	۹۲۳	۲۰۳	۲۲/۰	۲
۱۳۵۶	۹۳۸	۲۰۶	۲۲/۰	۲
۱۳۵۷	۹۴۰	۲۰۶	۲۱/۹	۲
۱۳۵۸	۹۷۵	۲۱۹	۲۲/۵	۱
۱۳۵۹	۹۷۸	۲۲۰	۲۲/۵	۱
۱۳۶۰	۹۷۱	۲۲۷	۲۳/۴	۱
۱۳۶۱	۹۷۲	۲۲۸	۲۳/۵	۱

طرح آمارگیری سال پایه ۱۳۶۱

۱۳۶۱	۱,۲۱۳	۲۸۵	۲۳/۵	۱
۱۳۶۲	۱,۲۲۹	۲۸۹	۲۳/۵	۱
۱۳۶۳	۱,۲۳۸	۲۹۱	۲۳/۵	۱
۱۳۶۴	۱,۲۷۵	۲۹۶	۲۳/۲	۱
۱۳۶۵	۱,۲۸۲	۲۹۸	۲۳/۲	۱
۱۳۶۶	۱,۲۷۲	۲۹۷	۲۳/۳	۱
۱۳۶۷	۱,۲۷۴	۲۹۸	۲۳/۴	۱
۱۳۶۸	۱,۲۷۱	۲۹۶	۲۳/۳	۱
۱۳۶۹	۱,۲۷۰	۲۹۷	۲۳/۴	۱
۱۳۷۰	۱,۲۶۶	۲۹۷	۲۳/۵	۱
۱۳۷۱	۱,۲۵۳	۲۹۴	۲۳/۵	۱

طرح آمارگیری سال پایه ۱۳۶۹

۱۳۶۹	۱,۳۲۰			
۱۳۷۰	۱,۳۵۴			
۱۳۷۱	۱,۳۸۷			
۱۳۷۲	۱,۴۳۵			
۱۳۷۳	۱,۴۹۷			
۱۳۷۴	۱,۵۲۷	۳۵۲	۲۳/۱	۲
۱۳۷۵	۱,۶۱۰	۳۷۴	۲۳/۲	۲
۱۳۷۶	۱,۶۹۱	۳۸۷	۲۲/۹	۲

مأخذ: بانک مرکزی، نتایج بررسی کارگاههای صنعتی.

۴-۱ ارزش تولید

بر پایه جدول ۴-۱، رشد سالانه ارزش تولید صنایع نساجی و چرم طی سالهای قبل از انقلاب (۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷) به طور متوسط برابر ۲/۴ درصد، و کمتر از نصف میزان رشد ارزش تولید کل صنایع (۵/۲ درصد) در این دوره بوده است. در سالهای پس از انقلاب از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ صنایع نساجی و چرم در حدود ۴ درصد و کل صنایع ۰/۶۲ درصد رشد داشته است. همان طور که ملاحظه می شود در این دوره متوسط رشد سالانه ارزش تولید صنایع به شدت کاهش یافته، اما این نماگر برای صنایع نساجی تقریباً دو برابر دوره قبل از انقلاب شده است. این ارقام نشان می دهد که در ده ساله اول انقلاب، انگیزه های بازاری برای ورود به صنایع نساجی نسبت به کل صنایع افزایش یافته و از این نظر از وضعیت بهتری نسبت به کل صنایع برخوردار است. این روند در سالهای اجرای برنامه اول توسعه معکوس شده؛ ولی متوسط رشد سالانه ارزش تولید طی این دوره افزایش یافته و برای صنایع نساجی به حدود ۷/۲ درصد و برای کل صنایع به ۱۰/۳ درصد افزایش یافته است.

جدول ۴- ۱ ارزش تولید به قیمت‌های ثابت ۱۳۶۱ کارگاه‌های بزرگ صنعتی

سال	ارزش تولید - [میلیارد ریال]		رشد ارزش تولید [درصد]		سهم صنایع نساجی و چرم - درصد	رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم		
۱۳۵۳	۱.۵۹۶/۵	۳۰۰/۹	—	—	۱۸/۸	۳
۱۳۵۴	۱.۵۸۴/۰	۲۹۰/۷	-۰/۸	-۳/۴	۱۸/۴	۳
۱۳۵۵	۱.۹۶۵/۵	۳۲۶/۰	۲۴/۱	۱۲/۱	۱۶/۶	۴
۱۳۵۶	۲.۱۷۱/۹	۳۴۸/۰	۱۰/۵	۶/۷	۱۶/۰	۴
۱۳۵۷	۱.۸۶۹/۳	۳۲۸/۱	-۱۳/۹	-۵/۷	۱۷/۶	۴
متوسط سالانه	۱.۸۳۷/۴	۳۱۸/۷	۵/۰	۲/۴	۱۷/۵	۴
۱۳۵۸	۱.۵۲۸/۹	۲۶۳/۵	-۱۸/۲	-۱۹/۷	۱۷/۲	۳
۱۳۵۹	۱.۶۳۳/۰	۳۳۷/۹	۶/۸	۲۸/۲	۲۰/۷	۳
۱۳۶۰	۱.۹۰۲/۵	۴۰۹/۴	۱۶/۵	۲۱/۲	۲۱/۵	۳
۱۳۶۱	۱.۷۸۹/۹	۳۵۷/۱	-۵/۹	-۱۲/۸	۲۰/۰	۳
۱۳۶۲	۲.۰۷۷/۲	۳۹۳/۱	۱۶/۱	۱۰/۱	۱۸/۹	۳
۱۳۶۳	۲.۳۰۰/۵	۴۲۳/۳	۱۰/۸	۷/۷	۱۸/۴	۳
۱۳۶۴	۲.۲۲۴/۹	۴۱۹/۵	-۳/۳	-۰/۹	۱۸/۹	۳
۱۳۶۵	۱.۸۸۰/۸	۳۸۲/۴	-۱۵/۵	-۸/۸	۲۰/۳	۲
۱۳۶۶	۱.۸۷۳/۷	۳۴۰/۳	-۰/۴	-۱۱/۰	۱۸/۲	۲
۱۳۶۷	۱.۸۶۱/۳	۳۴۰/۸	-۰/۷	۰/۱	۱۸/۳	۳
متوسط سالانه	۱.۹۰۷/۳	۳۶۶/۷	۰/۶	۱/۴	۱۹/۲	۳
۱۳۶۸	۲.۰۲۰/۹	۳۳۷/۰	۸/۶	-۱/۱	۱۶/۷	۳
۱۳۶۹	۲.۴۸۷/۱	۴۱۰/۸	۲۳/۱	۲۱/۹	۱۶/۵	۳
۱۳۷۰	۲.۹۸۶/۵	۴۷۷/۹	۲۰/۱	۱۶/۳	۱۶/۰	۳
۱۳۷۱	۳.۲۸۰/۶	۵۲۲/۳	۹/۸	۹/۳	۱۵/۹	۳
۱۳۷۲	۳.۲۲۹/۲	۵۱۰/۷	-۱/۶	-۲/۲	۱۵/۸	۳
۱۳۷۳	۳.۳۶۷/۳	۵۲۵/۸	۴/۳	۳/۰	۱۵/۶	۳
۱۳۷۴	۳.۶۳۵/۲	۵۴۲/۵	۸/۰	۳/۲	۱۴/۹	۵
۱۳۷۵						
متوسط سالانه	۳.۰۰۱/۰	۴۷۵/۳	۱۰/۳	۷/۲	۱۵/۹	۳

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران، حساب‌های ملی ایران

سهام صنعت نساجی و چرم در ارزش تولید کل صنایع طی سالهای قبل از انقلاب (۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷) به طور متوسط حدود ۱۷/۵ درصد و رتبه این صنعت در بین صنایع نه گانه در مرتبه چهارم قرار داشته است. در سالهای دهه اول پس از انقلاب اسلامی، سهام صنعت نساجی و چرم در ارزش تولید به طور متوسط سالانه حدود ۱۹/۲ درصد افزایش و رتبه صنایع نساجی از مرتبه سوم به مرتبه دوم ارتقاء یافته است. اما در سالهای اجرای برنامه اول سهام صنعت نساجی و چرم در ارزش تولید کل صنایع از سال ۱۳۶۷ به مرور کاهش و از ۱۸/۳ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۱۴/۹ درصد در سال ۱۳۷۴ تنزل یافته است. در این دوره متوسط سهام صنایع نساجی در ارزش تولید کل صنایع حدود ۱۵/۹ درصد بوده که نسبت به دوره قبل انقلاب و نیز دهه اول پس از انقلاب پایین تر بوده است. در این دوره اگر چه رتبه صنایع نساجی در میان صنایع نه گانه از نظر ارزش تولید تا سال ۱۳۷۳ مرتبه سوم حفظ شده، در سال ۱۳۷۴ به یکباره با دو رتبه کاهش به مرتبه پنجم تنزل یافته است. بدین ترتیب موقعیت و جایگاه صنعت نساجی و چرم از نظر سهم بازار و انگیزه های جذب سرمایه گذاران به این رشته در سالهای اخیر کاهش یافته و نشانه های رکود در این صنعت به مرور ظاهر شده است.

۴-۱-۱ ارزش تولید کارگاه های صنعتی با بیش از پنجاه نفر کارکن

از دیدگاه طرح های آماری بانک مرکزی ج.ا. ایران، ارزش محصول (تولید) در این طرحها عبارت است از مجموع ارزش کالاهای تولید شده، خدمات انجام یافته و ضایعات به فروش رفته در دوره بررسی توسط کارگاه. بر پایه جدول ۴-۲، در دوره ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۱ رشد ارزش تولید صنایع نساجی و چرم بجز در سال ۱۳۵۷، مثبت بوده است، اما ارزش تولید کل صنایع علاوه بر سال انقلاب در دو سال اول بعد از انقلاب یعنی سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ با رشد منفی روبرو بوده است. در نتیجه، متوسط رشد سالانه ارزش تولید صنایع نساجی در آن دوره حدود ۱/۷ درصد از کل صنایع بالاتر بود. در دوره دوم که طرح آمارگیری با سال پایه ۱۳۶۱ به اجرا گذاشته شد رشد ارزش تولید در سالهای پایانی جنگ یعنی ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ با رشد منفی روبرو بود که برنامه اول توسعه روند رشد ارزش تولید صنعت نساجی دوباره مثبت شد.

جدول ۴- ۲ ارزش تولید کارگاههای صنعتی با بیش از پنجاه نفر کارکن (میلیون ریال)

سال	ارزش تولید		رشد ارزش تولید - درصد		سهم صنایع نساجی و چرم - درصد	رتبه صنایع نساجی و چرم - درصد
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم		

(به قیمت‌های ثابت ۱۳۵۳)

۱۳۵۳	۳۵۵.۰۸۳	۵۰.۴۹۷	—	—	۱۴/۲	۳
۱۳۵۴	۴۰۱.۰۲۲	۵۶.۴۷۵	۱۲/۹	۱۱/۸	۱۴/۱	۳
۱۳۵۵	۴۶۲.۱۴۷	۵۹.۵۱۸	۱۵/۲	۵/۴	۱۲/۹	۳
۱۳۵۶	۵۱۲.۵۴۴	۶۲.۷۷۰	۱۰/۹	۵/۵	۱۲/۲	۵
۱۳۵۷	۴۳۰.۰۰۵	۵۶.۲۵۶	-۱۶/۱	-۱۰/۴	۱۳/۱	۳
۱۳۵۸	۴۲۱.۳۴۶	۶۵.۰۲۵	-۲/۰	۱۵/۶	۱۵/۴	۳
۱۳۵۹	۳۸۴.۵۶۸	۶۷.۴۶۳	-۸/۷	۳/۷	۱۷/۵	۳
۱۳۶۰	۴۲۶.۱۱۰	۷۸.۰۷۴	۱۰/۸	۱۵/۷	۱۸/۳	۳
۱۳۶۱	۴۹۵.۴۷۵	۸۲.۳۸۹	۱۶/۳	۵/۵	۱۶/۶	۳
متوسط سالانه	۴۳۲.۰۳۳	۶۴.۲۷۴	۴/۹	۶/۶	۱۴/۹	۳

(به قیمت‌های ثابت ۱۳۶۱)

۱۳۶۱	۱.۳۵۸.۰۵۳	۲۸۳.۶۴۲	—	—	۲۰/۹	۳
۱۳۶۲	۱.۶۵۲.۴۲۱	۳۲۲.۵۶۰	۲۱/۷	۱۳/۷	۱۹/۵	۳
۱۳۶۳	۱.۸۲۵.۰۱۸	۳۳۸.۰۶۸	۱۰/۴	۴/۸	۱۸/۵	۳
۱۳۶۴	۱.۷۷۸.۸۱۳	۳۵۶.۶۰۰	-۲/۵	۵/۵	۲۰/۰	۳
۱۳۶۵	۱.۳۷۸.۸۲۴	۲۹۴.۴۷۲	-۲۲/۵	-۱۷/۴	۲۱/۴	۲
۱۳۶۶	۱.۲۴۴.۸۰۶	۲۴۲.۵۸۰	-۹/۷	-۱۷/۶	۱۹/۵	۲
۱۳۶۷	۱.۱۹۰.۷۵۲	۲۱۴.۸۷۰	-۴/۳	-۱۱/۴	۱۸/۰	۳
۱۳۶۸	۱.۳۰۹.۸۲۹	۲۱۸.۲۰۷	۱۰/۰	۱/۶	۱۶/۷	۴
۱۳۶۹	۱.۶۶۴.۵۹۹	۲۴۹.۰۳۷	۲۷/۱	۱۴/۱	۱۵/۰	۴
۱۳۷۰	۱.۹۷۸.۱۲۶	۲۸۳.۵۳۹	۱۸/۸	۱۳/۹	۱۴/۳	۴
۱۳۷۱	۱.۹۶۷.۴۱۱	۲۶۸.۸۶۱	-۰/۵	-۵/۲	۱۳/۷	۴
متوسط سالانه	۱.۵۷۷.۱۵۰	۲۷۹.۳۱۲	۴/۸	۰/۲	۱۸/۰	۳

(به قیمت‌های ثابت ۱۳۶۹)

۱۳۶۹	۵.۰۱۳.۵۲۰	۸۹۵.۶۶۹	—	—	۱۷/۹	۳
۱۳۷۰	۶.۰۲۵.۸۹۹	۱.۰۲۲.۷۶۷	۲۰/۲	۱۴/۲	۱۷/۰	۳
۱۳۷۱	۶.۱۹۳.۷۳۵	۱.۰۲۴.۲۹۸	۲/۸	۰/۱	۱۶/۵	۳
۱۳۷۲	۶.۱۲۷.۲۵۴	۹۹۸.۰۵۳	-۱/۱	-۲/۶	۱۶/۳	۳
۱۳۷۳	۶.۵۳۴.۵۸۴	۱.۰۳۳.۸۴۵	۶/۶	۳/۶	۱۵/۸	۴
۱۳۷۴	۶.۹۴۷.۶۲۵	۱.۰۱۳.۵۶۲	۶/۳	-۲/۰	۱۴/۶	۵
۱۳۷۵	۷.۸۹۲.۶۵۸	۱.۰۸۵.۶۹۲	۱۳/۶	۷/۱	۱۳/۸	۵
۱۳۷۶	۸.۶۶۳.۱۱۷	۱.۱۰۱.۷۰۸	۹/۸	۱/۵	۱۲/۷	۵
متوسط سالانه	۶.۶۷۴.۷۹۹	۱.۰۲۱.۹۴۹	۸/۳	۳/۱	۱۵/۶	۴

مأخذ، بانک مرکزی ج.ا.ایران، نتایج بررسی کارگاههای صنعتی

در این دوره متوسط رشد سالانه ارزش تولید صنعت نساجی و چرم در حدود ۰/۲ درصد، و بسیار پایین‌تر از رقم ۴۸ درصدی کل صنایع بوده است. این روند در دوره سوم که تا سال ۱۳۷۶ را شامل می‌شود، ادامه یافته است. بدین معنا که رشد سالانه ارزش تولید صنایع نساجی نسبت به کل صنایع بسیار کمتر است. ارزش تولید صنعت نساجی و چرم در مقابل رشد ۸/۳ درصدی کل صنایع تنها ۳/۱ درصد رشد یافته است.

نماگر سهم صنعت نساجی و چرم در ارزش تولید کل صنایع با تغییراتی در این سه دوره روبرو بوده است. این نسبت در سالهای قبل از انقلاب تا سال ۱۳۵۶ روندی کاهشی داشته است. و در سال ۱۳۵۶ رتبه صنعت نساجی و چرم در بین صنایع از مرتبه سوم به پنجم تنزل یافت. در سالهای پس از انقلاب تا سال ۱۳۶۱ سهم صنعت نساجی و چرم دوباره افزایش یافت و از نظر رتبه در بین صنایع نیز به مرتبه سوم ارتقا یافت. در این دوره متوسط سالانه سهم صنایع نساجی ۱۴/۹ و در بین صنایع دارای مرتبه سوم بوده است. در دوره دوم (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱). تا سال ۱۳۶۵، سهم صنایع نساجی با نوسانهایی به بیشترین مقدار خود طی سالهای مورد بررسی (۱۳۵۳ تا ۱۳۷۶) یعنی ۲۱/۴ درصد رسید و رتبه آن را در بین صنایع به مرتبه دوم ارتقا داد. علت این افزایش سهم نه به دلیل افزایش سهم بازار و تولیدات صنایع نساجی که به علت کاهش شدید ارزش تولیدات کل صنایع در این سالها بر اثر مشکلات جنگ بوده است. از سال ۱۳۶۵ به بعد سهم صنعت نساجی در ارزش تولید کل صنایع به مرور کاهش یافت و رتبه آن نیز از سال ۱۳۶۸ به مرتبه چهارم تنزل یافت. در مجموع از متوسط سالانه ارزش تولیدات کل صنایع در این دوره حدود ۱۸ درصد به صنعت نساجی تعلق داشته و رتبه آن در بین صنایع در مرتبه سوم بوده است. روند کاهشی ارزش تولید صنایع نساجی در دوره سوم نیز ادامه یافت. در این دوره که اطلاعات در قالب طرح آمارگیری سال پایه ۱۳۶۹ جمع‌آوری شده، سهم صنعت نساجی و چرم در ارزش کل تولیدات روندی کاهشی داشته و از ۱۷/۹ درصد در سال ۱۳۶۹ به ۱۲/۷ درصد در سال ۱۳۷۶ کاهش یافته است. این کاهش به معنای کاهش رتبه صنعت نساجی از نظر ارزش تولید در میان صنایع نه گانه نیز هست، به طوری که رتبه این صنعت از سال ۱۳۷۳ از مرتبه سوم به چهارم، و از سال ۱۳۷۴ به بعد به مرتبه پنجم تنزل پیدا کرد. بر روی هم، در این دوره سهم صنعت نساجی در ارزش تولید کل صنایع ۱۵/۶ درصد و رتبه آن در مرتبه چهارم بوده است.

در جدول ۴ - ۳، شاخصهای تولید بر مبنای ارزش محصول صنعت نساجی^(۱) ارائه شده است. شاخصهای تولید به گونه‌ای آسان و سریع روند تغییرات واقعی تولیدات صنعتی را بدون در نظر گرفتن اثر کاذب قیمتها نشان می‌دهد.

۱- شاخص تولید بر مبنای ارزش محصول: در این روش ابتدا ارزش محصول به قیمت جاری در سه ماهه مورد نظر با شاخص قیمت تولید کالاهای مورد بررسی هر یک صنایع تعدیل می‌گردد تا ارزش محصول به قیمت ثابت به دست آید. از تقسیم ارزش محصول به قیمت ثابت بر متوسط سه ماهه ارزش محصول سال ۱۳۶۹ (سال پایه) و ضرب آن در عدد ۱۰۰ شاخص تولید هر یک از صنایع محاسبه می‌شود.

جدول شماره ۴ - ۳ شاخص تولید کارگاههای صنعتی با بیش از پنجاه نفر کارکن (درصد)

سال	شاخص تولید - درصد		رشد شاخص تولید - درصد		رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	

۱۳۵۳=۱۰۰

۱۳۵۳	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	—	—	—
۱۳۵۴	۱۱۴/۷	۱۱۶/۸	۱۴/۷	۱۶/۸	۴
۱۳۵۵	۱۳۴/۶	۱۳۰/۷	۱۷/۴	۱۱/۹	۴
۱۳۵۶	۱۵۰/۰	۱۴۷/۵	۱۱/۴	۱۲/۹	۵
۱۳۵۷	۱۲۶/۵	۱۳۴/۷	-۱۵/۷	-۸/۷	۴
۱۳۵۸	۱۲۹/۷	۱۶۲/۸	۲/۶	۲۰/۸	۳
۱۳۵۹	۱۲۱/۷	۱۷۲/۲	-۶/۱	۵/۸	۳
۱۳۶۰	۱۳۷/۵	۲۱۱/۱	۱۲/۹	۲۲/۶	۳
۱۳۶۱	۱۵۷/۶	۲۲۹/۰	۱۴/۷	۸/۵	۳
متوسط سالانه	۱۳۰/۲	۱۵۶/۱	۶/۵	۱۱/۳	۴

۱۳۶۱=۱۰۰

۱۳۶۱	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	—	—	—
۱۳۶۲	۱۲۱/۸	۱۱۵/۷	۲۱/۸	۱۵/۷	۵
۱۳۶۳	۱۳۱/۹	۱۲۰/۳	۸/۲	۴/۰	۴
۱۳۶۴	۱۲۶/۹	۱۲۱/۸	-۳/۸	۱/۲	۴
۱۳۶۵	۱۰۰/۶	۱۰۲/۳	-۲۰/۷	-۱۶/۰	۴
۱۳۶۶	۹۳/۹	۹۵/۳	-۶/۷	-۶/۹	۵
۱۳۶۷	۸۶/۷	۸۴/۸	-۷/۷	-۱۱/۰	۷
۱۳۶۸	۹۱/۸	۸۲/۴	۵/۹	-۲/۹	۷
۱۳۶۹	۱۱۸/۴	۹۰/۸	۲۹/۰	۱۰/۲	۸
۱۳۷۰	۱۴۱/۳	۱۰۲/۸	۱۹/۴	۱۳/۳	۸
۱۳۷۱	۱۴۳/۲	۱۰۰/۳	۱/۳	-۲/۴	۸
متوسط سالانه	۱۱۴/۲	۱۰۱/۵	۴/۷	۰/۵	۶

۱۳۶۹=۱۰۰

۱۳۶۹	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	—	—	—
۱۳۷۰	۱۲۱/۴	۱۱۴/۵	۲۱/۴	۱۴/۵	۴
۱۳۷۱	۱۲۴/۷	۱۱۵/۲	۲/۷	۰/۶	۴
۱۳۷۲	۱۲۱/۳	۱۱۲/۴	-۲/۷	-۲/۴	۶
۱۳۷۳	۱۲۹/۴	۱۱۶/۱	۶/۷	۳/۳	۶
۱۳۷۴	۱۳۸/۴	۱۱۶/۳	۷/۰	۰/۲	۶
۱۳۷۵	۱۵۷/۹	۱۲۲/۷	۱۴/۱	۵/۵	۷
۱۳۷۶	۱۷۴/۶	۱۲۴/۸	۱۰/۶	۱/۷	۶
متوسط سالانه	۱۳۳/۵	۱۱۵/۳	۸/۵	۳/۳	۶

مأخذ، بانک مرکزی ج.ا.ایران، نتایج بررسی کارگاههای صنعتی

در طرح آمارگیری اول با سال پایه ۱۳۵۳، متوسط شاخص تولید سالانه صنعت نساجی بالاتر از شاخص کل تولید صنعتی بوده، اما در دو طرح دیگر این رابطه بر عکس شده است. شاخصهای این جدول نیز مانند جدول ۴ - ۲ نشان دهنده این است که حجم بازار و انگیزه‌های جذب سرمایه‌گذاران برای ورود به صنایع نساجی از سال ۱۳۶۱ به بعد به طور منظم کاهش یافته است. نکته قابل توجه آن است که وضعیت کل صنایع و نیز صنعت نساجی در سالهای پایانی جنگ تا سال ۱۳۶۹ نامطلوب بوده و تولید صنعتی نسبت به سال پایه ۱۳۶۱ تنزل یافته است. این مسأله سبب شد تا صنایع نساجی از این نظر در سال ۱۳۶۹ و حتی بعد از آن آخرین رتبه را در بین هشت صنعت کسب نمایند.^(۱)

در دوره سوم یعنی از سال ۱۳۶۹ به بعد شاخص تولید در صنعت نساجی و نیز در کل صنایع رشد خوبی نداشت و هرگز ارقام رشد دوره ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۱ تکرار نشد. با وجود این، تولید صنعتی نسبت به سال پایه کاهش نداشته و به آرامی در حال رشد بوده است. در این دوره شاخص تولید صنعت به طور متوسط حدود ۸/۵ درصد و صنایع نساجی حدود ۳/۳ درصد رشد داشته است که بسیار بیشتر از دوره قبل از آن است. صنعت نساجی در بین هشت صنعت موجود در طرح آمارگیری در مرتبه ششم قرار را داشته است.

۴ - ۱ - ۲ ارزش تولید کارگاههای صنعتی با بیش از ده نفر کارکن

بر پایه جدول ۴ - ۴، ارزش تولید کل صنایع و صنعت نساجی در سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ - سالهای ۵۶ و ۵۷ آمارگیری انجام نشده است - به طور متوسط سالانه به ترتیب در حدود ۱۹ و ۱۶ درصد رشد داشته است. سهم صنعت نساجی در ارزش تولیدات صنعتی در بین صنایع نه گانه حدود ۱۵/۴ درصد بوده است. در دوره ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ که سالهای جنگ را نیز در برمی گیرد ارزش تولیدات صنعتی تا سال ۱۳۶۳، افزایش یافته و سپس با رشد منفی روبرو بوده است. اما صنعت نساجی با وجود نوسان در مقدار رشد همچنان با رشدی مثبت روبرو بوده و تنها در سال ۱۳۶۷ رشد منفی داشته است. در نتیجه، سهم صنعت نساجی در ارزش تولید این دوره افزایش یافت و به طور متوسط سالانه به ۲۰ می‌رسید. با توجه به اینکه ارقام این جدول به رقم جاری است این افزایشها نمی‌تواند نشانه بهبود یا ارتقای باثبات صنعت نساجی باشد. در سالهای اجرای برنامه اول یعنی از سال ۱۳۶۸ به بعد با وجود اجرای طرحهای عمرانی و سیاستهای بازسازی، متوسط سالانه نرخ رشد ارزش تولید صنایع نساجی کمتر از دوره قبل بوده است. سهم این صنایع در ارزش تولیدات صنعتی از سال ۱۳۶۸ به بعد به طور مستمر روندی کاهشی داشته و از ۲۲ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۱۲/۶ درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش یافته است.

۱- تعداد صنایع طرح آمارگیری هشت صنعت بوده است.

جدول ۴-۴ ارزش تولید کارگاههای صنعتی به قیمتهای جاری با پیش از ۱۰ نفر کارکن

سال	ارزش تولید - میلیون ریال		رشد ارزش تولید - درصد		سهم صنایع نساجی و چرم در صد
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	
۱۳۵۳	۵۲۳،۹۷۲	۸۲،۶۳۸	—	—	۱۵/۸
۱۳۵۴	۵۵۲،۰۲۹	۸۴،۸۱۲	۵/۴	۲/۶	۱۵/۴
۱۳۵۵	۷۳۰،۶۶۲	۱۰۹،۲۷۹	۳۲/۴	۲۸/۸	۱۵/۰
۱۳۵۶	—	—	—	—	—
۱۳۵۷	—	—	—	—	—
متوسط سالانه	۶۰۲،۲۰۶	۹۲،۲۴۳	۱۸/۹	۱۵/۷	۱۵/۴
۱۳۵۸	۷۸۰،۸۴۱	۱۲۹،۴۱۹	—	—	۱۶/۶
۱۳۵۹	۱،۰۸۸،۲۳۰	۲۰۸،۱۰۱	۳۹/۴	۶۰/۸	۱۹/۱
۱۳۶۰	۱،۴۷۳،۰۵۹	۲۹۱،۹۲۶	۳۵/۴	۴۰/۳	۱۹/۸
۱۳۶۱	۱،۵۹۷،۳۳۰	۳۴۵،۵۸۱	۸/۴	۱۸/۴	۲۱/۶
۱۳۶۲	۱،۸۹۴،۷۸۰	۳۸۸،۷۵۵	۱۸/۶	۱۲/۵	۲۰/۵
۱۳۶۳	۲،۰۷۸،۳۴۵	۴۱۶،۸۸۶	۹/۷	۷/۲	۲۰/۱
۱۳۶۴	۲،۰۰۷،۱۴۵	۴۱۷،۷۰۸	-۳/۴	۰/۲	۲۰/۸
۱۳۶۵	۱،۸۹۲،۱۱۹	۴۳۵،۰۴۱	-۵/۷	۴/۱	۲۳/۰
۱۳۶۶	۴،۱۲۴،۴۵۷	۹۰۰،۵۷۶	۱۱۸/۰	۱۰۷/۰	۲۱/۸
۱۳۶۷	۳،۱۹۲،۸۹۱	۷۶۴،۲۶۰	-۲۲/۶	-۱۵/۱	۲۳/۹
متوسط سالانه	۲،۰۱۲،۹۲۰	۴۲۹،۸۲۵	۲۲/۰	۲۶/۲	۲۰/۷
۱۳۶۸	۴،۲۵۱،۶۳۶	۹۳۶،۱۷۶	۳۳/۲	۲۲/۵	۲۲/۰
۱۳۶۹	۷،۰۴۹،۲۸۳	۱،۲۳۰،۶۶۷	۶۵/۸	۳۱/۵	۱۷/۵
۱۳۷۰	۹،۴۷۸،۲۷۸	۱،۵۷۶،۰۲۹	۳۴/۵	۲۸/۱	۱۶/۶
۱۳۷۱	۱۲،۶۵۷،۶۵۶	۱،۷۷۳،۴۸۵	۳۳/۵	۱۲/۵	۱۴/۰
۱۳۷۲	۱۶،۱۱۱،۹۴۷	۲،۰۲۹،۰۴۰	۲۷/۳	۱۴/۴	۱۲/۶
۱۳۷۳					
۱۳۷۴					
متوسط سالانه	۹،۹۰۹،۷۶۰	۱،۵۰۹،۰۷۹	۳۸/۹	۲۱/۸	۱۶/۵

مأخذ: مرکز آمار ایران، آمارگیری از کارگاههای صنعتی.

۴-۲-۱ مقدار تولید کالاهای نساجی توسط کارگاههای صنعتی با بیش از ۵۰ نفر کارکن

شناخت تحولات ظرفیتهای تولید محصولات صنعت نساجی برای تأمین نیازهای جامعه با استفاده از بررسی تغییرات مقدار تولیدات امکانپذیر است. جدول شماره ۴-۵ مقدار تولید محصولات نساجی کارگاههای صنعتی بزرگ صنعتی کشور که بیش از ۵۰ نفر کارکن دارند را از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۶ نشان می‌دهد و در جدول شماره ۴-۶ رشد سالانه مقدار تولید محاسبه شده است. همان طور که در این جداول نشان داده شده طی دوره اول مورد بررسی یعنی سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۱ انواع پارچه ۱/۳ درصد، متقال و پارچه‌ها تکمیل نشده ۴/۸- درصد، انواع پتو ۱۱/۷ درصد و انواع فرش ماشینی ۵۵/۸ درصد به طور متوسط سالانه رشد یافته‌اند. در طول دوره دوم یعنی سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۱، تمام محصولات نساجی و به ویژه انواع پارچه، که مهمترین آنها نیز محسوب می‌شود، از رشد منفی برخوردار بوده‌اند. کاهش تولید انواع منسوجات از سال ۱۳۶۵ آغاز شده و این روند تا سال ۱۳۶۹ ادامه داشته است. در این دوره انواع پارچه، متقال و پارچه‌های تکمیل نشده انواع پتو و انواع جوراب به ترتیب با ۰/۸- درصد، ۳/۷- درصد، ۰/۲- درصد و ۶/۴- رشد منفی روبرو بوده‌اند و تنها انواع فرش ماشینی و انواع موکت به ترتیب با ۹ درصد و ۴/۵ درصد از رشد مثبت برخوردار شده‌اند. در دوره سوم که در سال ۱۳۶۹ آغاز و تا سال ۱۳۷۶ ادامه می‌یابد، مقدار تولید انواع پارچه از سال ۱۳۷۲ پس از اینکه در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ رشد مثبتی را تجربه نمود مجدداً منفی شده و تا پایان دوره منفی باقی می‌ماند و بدین ترتیب تولید انواع پارچه در سال ۱۳۷۶ به ۳۹۵ میلیون متر کاهش می‌یابد که کمترین میزان تولید انواع پارچه توسط کارگاههای بزرگ صنعتی کشور طی ۲۵ سال گذشته است. در این دوره کاهش در تولید سایر محصولات نیز به جز فرش ماشینی همچنان که از دوره قبل آغاز شده بود با وقفه‌هایی ادامه یافته است و در سال ۱۳۷۶، مقدار تولید تمام محصولات صنعت نساجی به جز فرش ماشینی رشد منفی بالا را تجربه نموده‌اند.

جدول ۴ - ۵ مقدار تولید محصولات نساجی در کارگاههای با بیش از ۵ نفر کارکن

عنوان	انواع پارچه	متقال و پارچه های تکمیل نشده	انواع پتو	انواع فرش ماشینی	انواع موکت	انواع جوراب
واحد	میلوین متر	میلوین متر	هزار تخته	هزار متر مربع	هزار متر مربع	هزار دوجین

۱۳۵۳ = ۱۰۰

۱۳۵۳	۴۸۶	۴۲	۱۸,۸۲۲	۶۵۵	—	—
۱۳۵۴	۵۰۱	۴۱	۲,۲۳۱	۱,۵۴۵	—	—
۱۳۵۵	۴۹۸	۲۶	۲,۴۴۶	۲,۷۸۹	—	—
۱۳۵۶	۵۰۴	۲۱	۲,۹۴۸	۴,۷۴۵	—	—
۱۳۵۷	۴۱۱	۱۹	۲,۶۰۵	۴,۶۵۰	—	—
۱۳۵۸	۵۰۵	۱۹	۳,۳۵۶	۸,۲۵۸	—	—
۱۳۵۹	۴۹۱	۲۰	۳,۸۷۷	۱۱,۰۳۰	—	—
۱۳۶۰	۵۱۱	۲۴	۴,۲۴۴	۱۵,۰۱۶	—	—
۱۳۶۱	۵۱۸	۲۵	۴,۱۸۵	۱۷,۱۸۲	—	—
متوسط سالانه	۴۹۲	۲۶	۳,۰۷۹	۷,۳۱۹	—	—

۱۳۶۱ = ۱۰۰

۱۳۶۱	۵۵۳	۲۸	۵,۳۲۶	۶,۰۳۹	۱۳,۲۰۹	۲,۸۳۵
۱۳۶۲	۵۷۹	۳۴	۶,۴۹۹	۸,۲۴۲	۲۲,۸۳۹	۳,۴۷۹
۱۳۶۳	۶۰۵	۲۵	۶,۴۲۱	۹,۳۰۷	۲۴,۵۴۶	۳,۵۳۵
۱۳۶۴	۶۱۹	۲۸	۶,۶۱۷	۱۰,۳۴۲	۲۶,۱۷۴	۳,۱۹۶
۱۳۶۵	۵۵۴	۳۹	۵,۱۶۴	۷,۲۰۴	۱۴,۷۹۸	۲,۶۹۵
۱۳۶۶	۵۳۰	۳۷	۳,۷۰۳	۵,۶۵۹	۱۰,۴۱۲	۲,۹۷۵
۱۳۶۷	۴۸۳	۲۵	۲,۹۳۵	۴,۴۰۸	۹,۰۳۰	۳,۷۸۴
۱۳۶۸	۴۶۰	۱۹	۲,۴۳۹	۴,۸۶۸	۷,۷۴۵	۲,۷۹۳
۱۳۶۹	۴۵۴	۱۶	۳,۰۸۱	۷,۱۹۸	۱۲,۴۹۸	۲,۷۵۷
۱۳۷۰	۴۹۷	۱۷	۳,۹۲۱	۱۰,۳۷۴	۱۴,۲۸۶	۲,۲۷۳
۱۳۷۱	۵۰۳	۱۵	۴,۲۳۲	۱۰,۴۳۸	۱۱,۸۶۵	۱,۰۰۶
متوسط سالانه	۵۳۱	۲۶	۴,۵۷۶	۷,۶۴۴	۱۵,۲۱۸	۲,۸۴۸

۱۳۶۹ = ۱۰۰

۱۳۶۹	۴۸۲	۱۸	۳,۶۴۰	۸,۱۳۱	۱۵,۵۳۶	۳,۰۹۰
۱۳۷۰	۵۱۶	۲۲	۴,۴۹۰	۱۱,۶۶۳	۱۸,۷۱۹	۲,۲۷۳
۱۳۷۱	۵۱۹	۳۲	۴,۷۹۹	۱۲,۰۸۸	۱۶,۹۳۸	۱,۰۰۶
۱۳۷۲	۴۸۵	۳۰	۴,۳۳۳	۱۴,۴۸۰	۱۵,۶۰۵	۱,۳۰۸
۱۳۷۳	۴۵۱	۲۹	۳,۷۸۹	۱۶,۵۶۰	۱۱,۹۰۴	۱,۵۳۰
۱۳۷۴	۴۳۲	۳۱	۳,۵۹۲	۱۴,۲۶۴	۱۱,۱۰۵	۱,۴۰۲
۱۳۷۵	۴۰۰	۳۴	۴,۱۹۳	۱۵,۰۷۲	۱۸,۶۸۱	۱,۶۴۰
۱۳۷۶	۳۹۵	۲۵	۳,۷۷۴	۱۶,۵۶۶	۱۸,۴۳۲	۱,۲۴۵
متوسط سالانه	۴۶۰	۲۸	۴,۰۷۶	۱۳,۶۰۳	۱۵,۸۶۵	۱,۶۸۷

مأخذ: بانک مرکزی، نتایج بررسی کارگاههای بزرگ صنعتی

در یک جمع‌بندی کلی از وضعیت مقدار تولید کارگاه‌های نساجی بزرگ کشور باید گفت که مقدار تولید انواع نساجی به ویژه تولید انواع پارچه در طول زمان با توجه به سرمایه‌گذاریها و حمایت‌های ظاهری نه تنها افزایش نیافته بلکه به شدت کاهش یافته است. در دوره دوم و سوم به واسطه مشکلات جنگ، تنگناهای ارزی و مشکلات فراروی تولید این کاهش شدیدتر شد. به طوری که به واسطه مشکلات موجود بسیاری از کارگاه‌ها کمتر از نصف ظرفیت به تولید پرداخته و تعدادی دیگر مجبور به تعطیلی کارگاه شدند. در مجموع کاهش مقدار تولید علاوه بر این که نشان‌دهنده مشکلات موجود در این صنعت است نشان‌دهنده رکود حاکم بر این صنعت از نظر عدم فروش محصولات نیز هست. به عنوان نمونه صنعت فرش ماشینی که از بازار خوب و حمایت‌های مناسب و همچنین امکان صادرات برخوردار شده در مدت کوتاهی رشد مناسبی یافته است به طوری که مقدار تولید فرش ماشینی در دوره دوم به طور متوسط سالانه $7/6$ میلیون متر مربع بوده که به $13/6$ میلیون متر مربع در دوره سوم افزایش یافته است. در هر حال افزایش تولید فرش ماشینی در چند سال اخیر در بین محصولات نساجی یک استثناست، در بقیه محصولات نساجی تولید شده توسط کارگاه‌های بزرگ صنعتی رکود و کاهش شدیدی ملاحظه می‌شود. این مسئله در مورد تولید پارچه بیشتر نمایان است و روز به روز این وضعیت ناسامان‌تر شده و علاوه بر اینکه اتلاف منابع و سرمایه و معطل ماندن آنها به صورت ماشین‌آلات، ساختمان و سوله را در پی داشته، سبب شده تا روزانه مقادیری زیادی ارز برای تامین نیازهای جامعه از کشور خارج شود. این در حالی است که در سال 1353 ، تقریباً کشور از نظر تامین پارچه بی‌نیاز و خودکفا شده بود.

(درصد)

جدول ۴ - ۶ رشد مقدار تولید محصولات نساجی در کارگاههای با بیش از ۵ نفر کارکن

سال	انواع پارچه	متقال و پارچه های تکمیل نشده	انواع پتو	انواع فرش ماشینی	انواع موکت	انواع جوراب
-----	-------------	------------------------------	-----------	------------------	------------	-------------

۱۳۵۳ = ۱۰۰

۱۳۵۳	—	—	—	—	—	—
۱۳۵۴	۳/۱	-۲/۴	۲۲/۴	۱۳۵/۹	—	—
۱۳۵۵	-۰/۶	-۳۶/۶	۹/۶	۸۰/۵	—	—
۱۳۵۶	۱/۲	-۱۹/۲	۲۰/۵	۷۰/۱	—	—
۱۳۵۷	-۱۸/۵	-۹/۵	-۱۱/۶	-۲/۰	—	—
۱۳۵۸	۲۲/۹	۰/۰	۲۸/۸	۷۷/۶	—	—
۱۳۵۹	-۲/۸	۵/۳	۱۵/۵	۳۳/۶	—	—
۱۳۶۰	۴/۱	۲۰/۰	۹/۵	۳۶/۱	—	—
۱۳۶۱	۱/۴	۴/۲	-۱/۴	۱۴/۴	—	—
متوسط سالانه	۱/۳	-۴/۸	۱۱/۷	۵۵/۸	—	—

۱۳۶۱ = ۱۰۰

۱۳۶۱	—	—	—	—	—	—
۱۳۶۲	۴/۷	۲۱/۴	۲۲/۰	۳۶/۵	۷۲/۹	۲۲/۷
۱۳۶۳	۴/۵	-۲۶/۵	-۱/۲	۱۲/۹	۷/۵	۱/۶
۱۳۶۴	۲/۳	۱۲/۰	۳/۱	۱۱/۱	۶/۶	-۹/۶
۱۳۶۵	-۱۰/۵	۳۹/۳	-۲۲/۰	-۳۰/۳	-۴۳/۵	-۱۵/۷
۱۳۶۶	-۴/۳	-۵/۱	-۲۸/۳	-۲۱/۴	-۲۹/۶	۱۰/۴
۱۳۶۷	-۸/۹	-۳۲/۴	-۲۰/۷	-۲۲/۱	-۱۳/۳	۲۷/۲
۱۳۶۸	-۴/۸	-۲۴/۰	-۱۶/۹	۱۰/۴	-۱۴/۲	-۲۶/۲
۱۳۶۹	-۱/۳	-۱۵/۸	۲۶/۳	۴۷/۹	۶۱/۴	-۱/۳
۱۳۷۰	۹/۵	۶/۳	۲۷/۳	۴۴/۱	۱۴/۳	-۱۷/۶
۱۳۷۱	۱/۲	-۱۱/۸	۷/۹	۰/۶	-۱۶/۹	-۵۵/۷
متوسط سالانه	-۰/۸	-۳/۷	-۰/۲	۹/۰	۴/۵	-۶/۴

۱۳۶۹ = ۱۰۰

۱۳۶۹	—	—	—	—	—	—
۱۳۷۰	۷/۱	۲۲/۲	۲۳/۴	۴۳/۴	۲۰/۵	-۲۶/۴
۱۳۷۱	۰/۶	۴۵/۵	۶/۹	۳/۶	-۹/۵	-۵۵/۷
۱۳۷۲	-۶/۶	-۶/۳	-۹/۷	۱۹/۸	-۷/۹	۳۰/۰
۱۳۷۳	-۷/۰	-۳/۳	-۱۲/۶	۱۴/۴	-۲۳/۷	۱۷/۰
۱۳۷۴	-۴/۲	۶/۹	-۵/۲	-۱۳/۹	-۶/۷	-۸/۴
۱۳۷۵	-۷/۴	۹/۷	۱۶/۷	۵/۷	۶۸/۲	۱۷/۰
۱۳۷۶	-۱/۳	-۲۶/۵	-۱۰/۰	۹/۹	-۱/۳	-۲۴/۱
متوسط سالانه	-۲/۷	۶/۹	۱/۴	۱۱/۸	۵/۷	-۷/۲

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران، نتایج بررسی کارگاههای بزرگ صنعتی.

۴-۲-۲ مقدار تولید کالاهای نساجی توسط کارگاههای تحت پوشش وزارت صنایع

جدول ۴-۷ و ۴-۸ وضعیت تولید محصولات نساجی کارگاههای تحت پوشش وزارت صنایع را طی سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ را نشان می‌دهد.^(۱) این اطلاعات شامل کارگاههای کوچک صنعتی نیز است. همان طور که در این جداول نشان داده شده مقدار تولید انواع منسوجات طی دوره مورد بررسی افزایش یافته است به طوری که متوسط نرخ رشد سالانه انواع نخ ۱۴/۸ درصد، انواع پارچه ۱۶ درصد، انواع پتو ۴۱/۲ درصد، انواع موکت ۳۴/۵ درصد و فرش ماشینی ۳۶/۷ درصد است. با وجود افزایش محصولات صنایع نساجی وابسته به وزارت صنایع، در سال ۱۳۷۶، تولید انواع پارچه و انواع پتو به عنوان دو محصول مهم صنایع نساجی به ترتیب ۱/۷ درصد و ۱۱/۲ درصد کاهش یافته و رشد بقیه محصولات نساجی اگر چه مثبت است ولی مقدار آن در مقایسه با سالهای قبل پایین است. بنابراین همان طور که در کارگاههای بزرگ صنعتی کشور ملاحظه شده، کاهش تولید و رکود کل کارگاههای صنعتی را در برگرفته و وضعیت نابسامانی برای تولید و عرضه منسوجات در آینده قابل تصور است.

جدول ۴-۷ مقدار تولید محصولات نساجی در کارگاههای تحت پوشش وزارت صنایع

عنوان	انواع نخ	انواع پارچه	انواع پتو	انواع موکت	فرش ماشینی
واحد	تن	میلیون متر	هزار تخته	میلیون متر	میلیون متر
۱۳۶۷	۱۰۰،۲۴۵	۳۴۲	۰	۹	۴
۱۳۶۸	۱۰۱،۷۹۴	۳۴۵	۰	۸	۴
۱۳۶۹	۱۴۱،۷۲۰	۳۳۷	۲،۰۵۳	۱۱	۶
۱۳۷۰	۱۴۹،۶۲۱	۳۳۸	۲،۶۲۱	۱۲	۹
۱۳۷۱	۱۴۹،۳۲۳	۳۴۲	۲،۷۵۰	۱۰	۹
۱۳۷۲	۲۱۹،۳۳۷	۷۹۵	۸،۱۰۰	۳۲	۲۷
۱۳۷۳	۲۳۸،۶۱۷	۸۲۱	۸،۱۰۰	۴۰	۲۹
۱۳۷۴	۲۷۴،۳۰۰	۸۷۴	۸،۳۰۰	۴۲	۳۱
۱۳۷۵	۳۱۰،۶۷۳	۸۹۹	۱۴،۰۸۵	۵۵	۳۳
۱۳۷۶	۳۲۰،۷۶۴	۸۸۴	۱۲،۵۰۵	۵۶	۳۵
متوسط سالانه	۲۰۰،۶۳۹	۵۹۷	۵،۸۵۱	۲۷	۱۹

مأخذ: وزارت صنایع، سالنامه آمارهای صنعتی.

۱- آمارهای سال ۱۳۷۲ به بعد با توجه به برآوردهای انجام شده از طرف اداره کل صنایع نساجی وزارت صنایع اصلاح شده است. بدین ترتیب که قبلاً آمارهای تولید تعداد واحدهای مهمی که آمار می‌فرستاد محاسبه و درصد تغییرات آنها بررسی می‌شد. ولی با پیشنهاد اداره کل تخصصی مربوطه، آمارها برای تمام واحدها (اعم از اینکه آمار داده‌اند یا نداده‌اند) برآورد و برای کل جامعه تعمیم داده شده است. بنابراین اطلاعات و آمار سال ۱۳۷۲ به بعد نسبت به سال قبل آن به یکباره افزایش یافته است.

جدول ۴ - ۸ رشد مقدار تولید محصولات نساجی در کارگاههای تحت پوشش وزارت صنایع

واحد: درصد

عنوان	انواع نخ	انواع پارچه	انواع پتو	انواع موکت	فرش ماشینی
۱۳۶۸	۱/۵	۰/۹	—	-۱۸/۵	۴/۶
۱۳۶۹	۳۹/۲	-۲/۴	—	۳۹/۸	۴۶/۷
۱۳۷۰	۵/۶	۰/۳	۲۷/۶	۱۲/۸	۴۱/۳
۱۳۷۱	-۰/۲	۱/۱	۴/۹	-۱۹/۹	-۳/۶
۱۳۷۲	۴۶/۹	۱۳۲/۸	۱۹۴/۶	۲۳۲/۲	۲۱۴/۸
۱۳۷۳	۸/۸	۳/۳	۰/۰	۲۵/۰	۷/۴
۱۳۷۴	۱۵/۰	۶/۵	۲/۵	۵/۰	۶/۹
۱۳۷۵	۱۳/۳	۲/۹	۶۹/۷	۳۱/۰	۶/۵
۱۳۷۶	۳/۲	-۱/۷	-۱۱/۲	۱/۸	۶/۱
متوسط سالانه	۱۴/۸	۱۶/۰	۴۱/۲	۳۴/۵	۳۶/۷

مأخذ: وزارت صنایع، سالنامه آمارهای صنعتی

۴ - ۳ نهادهای تولید

ترکیب داده‌های تولید صنعتی، بازدهی مواد اولیه و اتکا صنایع به منابع داخلی و به طور کلی آنچه مربوط به هزینه‌های تولید و داده‌های صنعت می‌شود در این قسمت با استفاده از شاخصها و نماگرهای مربوط تحلیل می‌گردد. بررسی و تحلیل ترکیب داده‌ها در قسمتهای جداگانه هزینه واسطه تولید، ترکیب داده‌ها و بازدهی مواد اولیه و ترکیب مواد اولیه انجام می‌گیرد.

۴ - ۳ - ۱ هزینه واسطه تولید کارگاهی بزرگ صنعتی

برای بررسی هزینه واسطه تولید صنایع نساجی از اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی استفاده می‌شود. این اطلاعات در جدول ۴ - ۹ خلاصه شده است. اطلاعات این جدول که به صورت سری زمانی با قیمتهای ثابت سال ۱۳۶۱ است. قبل بررسی اعداد جدول فوق ذکر این نکته لازم است که کاهش و رشد منفی هزینه‌های واسطه تولید می‌تواند به مفهوم کاهش سطح هزینه‌های تولید باشد یا نباشد. به این معنی که اگر کاهش هزینه واسطه در نتیجه کاهش مقدار تولید باشد در نتیجه سطح هزینه یک واحد ارزش تولید کاسته نشده، ولی اگر کاهش هزینه واسطه، بدون کاهش سطح تولید باشد این امر مثبت تلقی می‌شود. این مسئله در مورد افزایش هزینه‌های تولید نیز صادق است. بنابراین تحلیل مجردی تغییرات هزینه واسطه گمراه کننده است. با توجه به این توضیح فقط به بررسی نوسانات هزینه تولید و جایگاه صنایع نساجی در بین صنایع از لحاظ هزینه‌های تولید پرداخته می‌شود.

در دوره قبل از انقلاب، در دو سال ۱۳۵۴ و ۱۳۵۷ صنایع نساجی و چرم رشد هزینه واسطه منفی تجربه نموده‌اند و متوسط رشد سالانه در دوره مزبور حدود ۱/۷ درصد بوده که از متوسط رشد هزینه واسطه صنعت در این دوره ۴/۶ درصد کمتر است. اما در دوره دوم سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ صنایع نساجی به طور متوسط ۰/۸ درصد رشد سالانه در هزینه واسطه را تجربه نموده در حالی که کل صنایع رقم رشد مقدار ۱/۱۱- درصد است. و بالاخره در دوره سوم که از سال ۱۳۶۸ آغاز می‌شود، نرخ رشد متوسط سالانه صنایع نساجی و چرم حدود ۸/۹ درصد و کل صنایع ۱۱/۶ درصد است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در طول دوران مورد بررسی صنایع نساجی و چرم تنها در دوره سوم از نظر رشد هزینه واسطه بیشتر از صنعت است.

سه‌م صنایع نساجی و چرم در هزینه‌های واسطه تولید کل صنایع در دوره اول به طور متوسط حدود ۱۶ درصد بوده و رتبه صنایع نساجی از این نظر در بین صنایع نه گانه رتبه چهارم است. این سه‌م در دوره دوم مورد بررسی (۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸) ابتدا افزایش و سپس کاهش یافته است که در هر حال متوسط مقدار آن در این دوره ۱۷ درصد می‌شود. در این دوره رتبه صنایع نساجی و چرم در هزینه تولید کل صنایع در بین صنایع نه گانه افزایش و به رتبه سوم ارتقا می‌یابد که به معنای افزایش هزینه‌های نسبی واسطه در این صنعت است. در دوره سوم، درصد هزینه واسطه کل که به صنایع نساجی اختصاص یافته روند نزولی پیدا می‌کند و متوسط سه‌م صنایع نساجی و چرم در هزینه واسطه تولید کل صنایع در این دوره ۱۶/۴ درصد است که در بین صنایع نه گانه همچنان از رتبه سوم برخوردار است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود هزینه واسطه تولید صنایع نساجی در طول دوران مورد بررسی ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۴ تغییرات زیادی همراه نبوده و تقریباً ثابت است این امر به نوعی حکایت از عدم تغییر دانش فنی این صنایع در بهبود کارایی خط تولید برای افزایش سطح تولید با هزینه‌های کمتر است.

جدول ۴ - ۹ هزینه واسطه تولید کارگاههای بزرگه صنعتی

سال	هزینه واسطه - میلیارد ریال ثابت ۱۳۶۱		رشد هزینه واسطه - درصد		سهم صنایع نساجی	
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	و چرم - درصد	رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع
۱۳۵۳	۱,۰۶۸/۶	۱۸۳/۰	—	—	۱۷/۱	۳
۱۳۵۴	۱,۰۵۷/۲	۱۷۶/۳	-۱/۱	-۳/۷	۱۶/۷	۳
۱۳۵۵	۱,۲۳۷/۷	۱۹۳/۰	۱۷/۱	۹/۵	۱۵/۶	۴
۱۳۵۶	۱,۴۰۱/۱	۲۰۶/۰	۱۳/۲	۶/۷	۱۴/۷	۴
۱۳۵۷	۱,۱۹۲/۸	۱۹۴/۲	-۱۴/۹	-۵/۷	۱۶/۳	۴
متوسط سالانه	۱,۱۹۱/۵	۱۹۰/۵	۳/۶	۱/۷	۱۶/۱	۴
۱۳۵۸	۹۶۰/۱	۱۳۹/۴	-۱۹/۵	-۲۸/۲	۱۴/۵	۳
۱۳۵۹	۹۴۴/۴	۱۶۸/۱	-۱/۶	۲۰/۶	۱۷/۸	۳
۱۳۶۰	۱,۰۹۳/۲	۲۰۳/۶	۱۵/۸	۲۱/۱	۱۸/۶	۳
۱۳۶۱	۱,۰۲۲/۷	۱۶۵/۲	-۶/۴	-۱۸/۹	۱۶/۲	۳
۱۳۶۲	۱,۱۸۷/۲	۱۸۶/۸	۱۶/۱	۱۳/۱	۱۵/۷	۳
۱۳۶۳	۱,۳۰۷/۶	۲۰۹/۳	۱۰/۱	۱۲/۰	۱۶/۰	۳
۱۳۶۴	۱,۲۶۲/۵	۲۱۱/۰	-۳/۴	۰/۸	۱۶/۷	۳
۱۳۶۵	۱,۰۵۵/۶	۱۹۲/۱	-۱۶/۴	-۹/۰	۱۸/۲	۳
۱۳۶۶	۱,۰۳۷/۶	۱۸۰/۷	-۱/۷	-۵/۹	۱۷/۴	۲
۱۳۶۷	۹۹۴/۹	۱۸۳/۹	-۴/۱	۱/۸	۱۸/۵	۳
متوسط سالانه	۱,۰۸۶/۶	۱۸۴/۰	-۱/۱	۰/۷	۱۷/۰	۳
۱۳۶۸	۱,۰۷۵/۵	۱۸۱/۹	۸/۱	-۱/۱	۱۶/۹	۳
۱۳۶۹	۱,۳۲۳/۲	۲۲۱/۷	۲۳/۰	۲۱/۹	۱۶/۸	۳
۱۳۷۰	۱,۵۸۹/۱	۲۶۴/۲	۲۰/۱	۱۹/۲	۱۶/۶	۳
۱۳۷۱	۱,۸۷۶/۵	۳۱۱/۲	۱۸/۱	۱۷/۸	۱۶/۶	۳
۱۳۷۲	۱,۸۴۷/۱	۳۰۳/۹	-۱/۶	-۲/۳	۱۶/۵	۳
۱۳۷۳	۱,۹۱۸/۹	۳۱۱/۶	۳/۹	۲/۵	۱۶/۲	۳
۱۳۷۴	۲,۱۰۴/۱	۳۲۴/۶	۹/۷	۴/۲	۱۵/۴	۳
۱۳۷۵						
متوسط سالانه	۱,۶۷۶/۳	۲۷۴/۲	۱۱/۶	۸/۹	۱۶/۴	۳

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران، حسابهای ملی ایران.

مرکز آمار اختلاف ارزش داده‌ها و ارزش ستانده‌های هر فعالیت را ارزش افزوده تعریف می‌کند و داده‌های تولید را متشکل از چند قلم هزینه از جمله مواد اولیه معرفی کرده است. در این قسمت به بررسی نقش و اهمیت مواد اولیه در ترکیب داده‌ها و هزینه‌های تولید صنایع نساجی پرداخته می‌شود.

جدول ۴ - ۱۰ اطلاعات مربوط به درصد مواد اولیه و لوازم کم دوام مصرف شده در ارزش داده‌های صنایع نساجی و کل صنایع را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه اطلاعات مربوط به سالهای قبل از انقلاب مقدور نبوده اطلاعات از سال ۱۳۶۰ در این جدول داده شده است. در دوره اول یعنی سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷، سهم ارزش مواد اولیه و لوازم کم دوام صنایع نساجی و چرم در کل ارزش داده‌های این صنایع تا سال ۱۳۶۵ در حدود ۹۶ درصد ثابت بوده و از این سال به بعد تا سال ۱۳۶۷ به ۹۴ درصد کاهش می‌یابد. مقدار این سهم در طول دوره اول برای صنایع و چرم همواره کمتر از کل صنایع بوده است. متوسط سالانه این نماگر در این دوره برای صنایع نساجی ۹۵/۹ درصد و برای کل صنایع ۹۴/۴ درصد است و متوسط رتبه صنایع نساجی در بین صنایع نه گانه ۳ است. در دوره دوم که از سال ۱۳۶۸ آغاز می‌شود، ابتدا سهم ارزش مواد اولیه در داده‌های صنایع نساجی و چرم رو به کاهش می‌گذارد و فقط در سال ۱۳۷۲ اندکی افزایش می‌یابد. در این دوره نیز این نسبت برای صنایع نساجی و چرم از کل صنایع کمتر است. متوسط سالانه نسبت فوق در دوره دوم برای صنایع نساجی ۹۴/۶ درصد و برای کل صنایع ۹۲/۸ درصد است که از متوسط دوره قبل کمتر است ولی رتبه صنایع نساجی همچنان نظیر دوره قبل ۳ است.

به طور کلی با توجه به ارقام این جدول ملاحظه می‌شود که درصد ارزش مواد اولیه و لوازم کم دوام مصرف شده تقریباً ۹۵ درصد ارزش داده‌های صنایع نساجی و چرم را تشکیل می‌دهد. بنابراین تغییرات قیمت، مقدار و کیفیت مواد اولیه و لوازم کم دوام مصرف شده تاثیر زیادی در تولید این صنعت دارد. هر چند که در سالهای آخر دوره مورد بررسی از اهمیت مواد اولیه در داده‌های تولید کمی کاسته شده است.

جدول ۴ - ۱۰ سهم ارزش مواد اولیه در ارزش نهاده‌های کارگاههای صنعتی

رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع	سهم ارزش مواد اولیه در ارزش داده‌ها		سال
	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	
۳	۹۶/۶	۹۵/۲	۱۳۶۰
۴	۹۶/۴	۹۵/۸	۱۳۶۱
۴	۹۶/۲	۹۵/۶	۱۳۶۲
۴	۹۶/۲	۹۵/۳	۱۳۶۳
۳	۹۶/۴	۹۴/۷	۱۳۶۴
۲	۹۶/۴	۹۴/۶	۱۳۶۵
۱	۹۴/۴	۹۲/۰	۱۳۶۶
۳	۹۴/۶	۹۲/۴	۱۳۶۷
۳	۹۵/۹	۹۴/۴	متوسط سالانه
۳	۹۷/۰	۹۵/۶	۱۳۶۸
۴	۹۴/۲	۹۳/۹	۱۳۶۹
۳	۹۳/۸	۹۰/۹	۱۳۷۰
۴	۹۳/۸	۹۲/۲	۱۳۷۱
۳	۹۴/۱	۹۱/۴	۱۳۷۲
			۱۳۷۳
			۱۳۷۴
۳	۹۴/۶	۹۲/۸	متوسط سالانه

مأخذ: مرکز آمار ایران، آمارگیری از کارگاههای صنعتی.

۴ - ۳ - ۳ بازدهی مواد اولیه و لوازم کم دوام مصرف شده

با شناخت اهمیت مواد اولیه در تولید صنعتی به ویژه صنایع نساجی در قسمت قبل، حال به بررسی بازدهی این مواد در جریان تولید پرداخته می‌شود. بازدهی مواد اولیه که از نسبت ارزش تولید به ارزش مواد اولیه بدست می‌آید بیانگر این موضوع است که در ازای یک ریال مواد اولیه، چند ریال ارزش تولید به دست می‌آید. با توجه به اطلاعات موجود این نسبت در جدول ۴ - ۱۱ محاسبه شده است. همان طور که در جدول نشان داده شده بازدهی مواد اولیه صنایع نساجی در دوره اول مورد بررسی ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ روندی کاهشی داشته است. متوسط سالانه این نسبت در دوره اول برای صنایع نساجی حدود ۲/۰۴ و برای کل صنایع ۱/۹۹ است. به عبارت دیگر در این دوره به طور متوسط در ازای یک ریال ارزش مواد اولیه حدود ۲/۰۴ ریال در صنایع نساجی و چرم و ۱/۹۹ ریال در کل صنایع تولید صورت می‌پذیرد. رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع نه گانه در این دوره به طور متوسط ۵ است که رتبه پایینی از این نظر محسوب می‌شود.

در دوره دوم (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲) بازدهی مواد اولیه در صنایع نساجی و چرم پس از یکسال افزایش به طور مرتب سالانه کاهش می‌یابد و در سال ۱۳۷۲ به ۱/۷۱ می‌رسد که کمترین میزان این نسبت در کل دوره مورد بررسی

(۱۳۶۰ تا ۱۳۷۲) است. این کاهش به حدی است که رتبه صنایع نساجی را بین صنایع نه گانه به ۸ تنزل می‌دهد. در این دوره بازدهی مواد اولیه کل صنایع نیز کاهش می‌یابد ولی از بازدهی مواد اولیه در صنایع نساجی بیشتر است. متوسط بازدهی مواد اولیه در این دوره برای صنایع نساجی ۱/۸۳ و برای کل صنایع ۱/۸۸ است که تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد. متوسط رتبه و جایگاه صنایع نساجی از نظر این نسبت در این دوره ۶ است که نسبت به متوسط دوره قبل یک درجه تنزل یافته است. به طور کلی بازدهی مواد اولیه و لوازم کم دوام مصرف شده در صنایع نساجی در مقایسه با سایر صنایع مطلوب نبوده و این وضعیت با وجود اجرای برنامه‌های توسعه نه تنها بهبود نیافته بلکه بدتر نیز شده است.

جدول ۴ - ۱۱ نسبت ارزش تولید به ارزش مواد اولیه

رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع	نسبت ارزش تولید به ارزش مواد اولیه		سال
	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	
۳	۲/۰۳	۲/۱۳	۱۳۶۰
۳	۲/۱۸	۱/۹۱	۱۳۶۱
۴	۲/۱۴	۱/۹۱	۱۳۶۲
۵	۲/۰۶	۱/۹۳	۱۳۶۳
۶	۲/۰۴	۱/۹۷	۱۳۶۴
۷	۲/۰۶	۱/۹۸	۱۳۶۵
۵	۱/۸۵	۱/۹۵	۱۳۶۶
۶	۱/۹۸	۲/۱۲	۱۳۶۷
۵	۲/۰۴	۱/۹۹	متوسط سالانه
۶	۱/۸۰	۱/۸۵	۱۳۶۸
۳	۲/۰۴	۱/۸۹	۱۳۶۹
۷	۱/۸۲	۱/۹۲	۱۳۷۰
۵	۱/۷۷	۱/۸۷	۱۳۷۱
۸	۱/۷۱	۱/۸۵	۱۳۷۲
			۱۳۷۳
			۱۳۷۴
۶	۱/۸۳	۱/۸۸	متوسط سالانه

مأخذ: مرکز آمار ایران، آمارگیری از کارگاههای صنعتی.

۴ - ۳ - ۴ وابستگی به مواد اولیه خارجی

در این قسمت درصد تهیه مواد اولیه و لوازم کم دوام مصرف شده صنایع نساجی و چرم و کل صنایع از خارج کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد و در واقع اتکا صنایع بر مواد اولیه داخلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. جدول ۴ - ۱۲ اطلاعات مربوط به سالهای بعد از انقلاب در این باره را نشان می‌دهد. در سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ یعنی دوره اول

مورد بررسی درصد ترکیبی مواد اولیه صنایع نساجی و چرم به نفع مواد اولیه داخلی تغییر یافته است به طوری که درصد مواد اولیه خارجی صنایع نساجی هر چرم در سال ۱۳۵۸ حدود ۴۵ درصد بوده که به ۱۳/۷ درصد کاهش یافته است. علت این کاهش را باید مضیقه‌های ارزی در سالهای پایانی جنگ و اقدام کارخانه‌داران به کاهش تولید یا رجوع به مواد اولیه داخلی دانست. در مقام مقایسه صنایع نساجی و چرم کمتر از کل صنایع در این دوره به مواد اولیه خارجی وابستگی داشته‌اند. به طوری که متوسط این درصد در دوره فوق برای صنایع نساجی و چرم حدود ۳۷/۱ درصد و برای کل صنایع ۴۳/۱ درصد است. با وجود این مسئله متوسط رتبه صنایع نساجی و چرم در این دوره نسبت به صنایع نه گانه حدود ۴ است که جایگاه مناسبی برای این صنعت نیست زیرا که عمده مواد اولیه این صنعت در داخل کشور با اندک سرمایه‌گذاری قابل استحصال است. در دوره دوم که سالهای اجرای برنامه اول را در برمی‌گیرد به واسطه اجرای برنامه سازندگی و تزریق ارز به صنایع، واردات مواد اولیه افزایش یافت. بنابراین درصد مواد اولیه خارجی مصرفی در صنایع نساجی مجدداً روند افزایشی یافت به طوری که در سال ۱۳۷۲ به رقم ۳۱ درصد رسید. این روند افزایشی در مورد کل صنایع نیز مشاهده می‌شود به طوری که درصد مواد اولیه مصرفی خارجی در کل صنایع نیز از ۲۱/۷ درصد در سال ۱۳۶۹ به ۳۴/۴ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش می‌یابد. در هر حال افزایش وابستگی صنایع نساجی به مواد اولیه خارجی رتبه این صنایع را در بین صنایع نه گانه از سال ۱۳۷۰ تا پایان دوره (۱۳۷۲) به ۵ تنزل داده است. این رتبه به این معنی است که از نظر اتکا به مواد داخلی صنایع نساجی پنجمین صنعت کشور محسوب می‌شود که این وضعیت همان‌طور که اشاره شد برای این صنایع مطلوب نبوده و از این نظر جایگاه مناسبی در بین صنایع دارا نیست.

جدول ۴ - ۱۲ درصد مواد اولیه خارجی مصرفی

رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع	درصد مواد اولیه خارجی		سال
	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	
۳	۴۵/۳	۴۵/۸	۱۳۵۸
۴	۴۴/۰	۴۶/۵	۱۳۵۹
۵	۵۹/۶	۵۶/۰	۱۳۶۰
۵	۳۶/۰	۵۰/۱	۱۳۶۱
۴	۴۷/۴	۵۴/۰	۱۳۶۲
۴	۴۴/۰	۵۳/۵	۱۳۶۳
۴	۳۶/۷	۴۷/۰	۱۳۶۴
۴	۲۹/۷	۳۷/۱	۱۳۶۵
۴	۱۴/۵	۱۹/۴	۱۳۶۶
۳	۱۳/۷	۲۱/۳	۱۳۶۷
۴	۳۷/۱	۴۳/۱	متوسط سالانه
۳	۱۳/۴	۲۳/۹	۱۳۶۸
۴	۱۲/۰	۲۱/۷	۱۳۶۹
۵	۲۷/۴	۲۸/۴	۱۳۷۰
۵	۲۸/۵	۳۱/۹	۱۳۷۱
۵	۳۱/۰	۳۴/۴	۱۳۷۲
			۱۳۷۳
			۱۳۷۴
۴	۲۲/۵	۲۸/۱	متوسط سالانه

۴ - ۴ ارزش افزوده تولید

ارزش افزوده عبارت از ارزش فروش کالاهای تولید شده پس از کسر ارزش خرید مواد اولیه است. ارزش افزوده قابلیت‌ها و پتانسیل‌های یک فعالیت تولیدی یا خدماتی را نشان می‌دهد که هر چه بالاتر و بیشتر باشد انگیزه‌های لازم برای جذب تولید کنندگان بیشتر فراهم است. همچنین اگر یک فعالیت در یک دوره دارای رشد ارزش افزوده مثبت و با ثبات باشد امکان توسعه و شکوفایی در آن صنعت فراهم شده است. علاوه بر این ارزش افزوده نمایانگر اهمیت و جایگاه یک فعالیت در مجموعه اقتصاد و فعالیتهای تولیدی جامعه است. ارزش افزوده فعالیتها را بر حسب ارقام با قیمت جاری و قیمت ثابت محاسبه می‌نمایند. ارزش افزوده به قیمت جاری، تغییرات و نوسانات قیمت را در درون خود دارد و با توجه به اینکه ارزش تولید و هزینه تولید، دارای شاخصهای متفاوت می‌باشند بنابراین وجود اثر کاذب قیمتها در سالهای مختلف و نیز تفاوت در شاخص قیمتهای ارزش و هزینه تولید سبب انحراف و غیرواقعی بودن ارزش افزوده می‌شود. بنابراین ترجیحاً در تحلیلها از ارزش افزوده با قیمت ثابت که با استفاده از تعدیل کننده‌ها، اثر وجود کاذب قیمتها حذف شده استفاده می‌شود. در این گزارش نیز برای اینکه تمام اطلاعات موجود در مراکز مختلف

مورد بررسی قرار گیرد. ابتدا اطلاعات ارزش افزوده به قیمت ثابت که از بانک مرکزی اخذ شده تحلیل شده و سپس اطلاعات مرکز آمار ایران یعنی ارزش افزوده کارگاههای بیش از ۱۰ نفر کارکن به قیمت جاری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۴ - ۴ - ۱ ارزش افزوده کارگاههای صنعتی دارای بیش از ۵۰ نفر کارکن

جدول ۴ - ۱۳، اطلاعات و نمائگرهای مربوط به ارزش افزوده به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ را از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۴ نشان می‌دهد. در دوره اول که شامل سالهای قبل از انقلاب یعنی ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ است. ارزش افزوده صنایع نساجی به طور متوسط سالانه ۳/۶ درصد رشد داشته که کمتر از نصف متوسط رشد سالانه (۷/۹ درصد) صنعت طی همین دوره می‌باشد. در این دوره در سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۵۷ ارزش افزوده صنایع نساجی و کل صنایع با رشد منفی روبرو بوده است. در این دوره روند باثباتی در ارزش افزوده مشاهده نمی‌شود. در دوره دوم تا سال ۱۳۶۴ ارزش افزوده صنایع نساجی با نوسان همراه بوده و از سال ۱۳۶۴ به بعد تا پایان دوره این نمائگر مقدار منفی پیدا کرده که به معنای کاهش مستمر و مداوم ارزش افزوده صنایع نساجی است. وضعیت ارزش افزوده کل صنایع نیز در این دوره همراه با نوسانهای مثبت و منفی بوده است. به طور کلی در این دوره متوسط رشد ارزش افزوده سالانه ۲/۶ درصد و برای کل صنایع ۳/۳ درصد است. کاهش این نمائگر نسبت به دوره قبل نشان دهنده کاهش زیر ساختهای لازم برای جذب سرمایه‌داران به فعالیتهای صنعتی و به خصوص صنایع نساجی است. اگر چه وضعیت این صنعت در دوره قبل از انقلاب نیز نامطلوب و نامناسب بوده است در دوره بعد از انقلاب نیز تا سال ۱۳۶۷ عملی برای بهبود وضعیت این صنعت صورت نپذیرفت. در دوره سوم که از سال ۱۳۶۸ آغاز می‌شود و تا زمان حاضر را در بر می‌گیرد، ارزش افزوده صنایع نساجی به طور نوسانی رشد داشته است و به جز سال ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰، که به واسطه شروع برنامه اول منابع ارزی لازم در اختیار کارگاهها قرار گرفت و ظرفیتهای خالی به کار گرفته شد، رشد خوبی در ارزش افزوده صنایع نساجی اتفاق افتاد در بقیه سالها رشد ارزش افزوده مطلوب نبود. این وضعیت در مورد کل صنایع نیز قابل مشاهده است با این تفاوت که شدت آن کمتر است. در این دوره ارزش افزوده صنایع نساجی به طور متوسط ۵/۱ درصد و برای کل صنایع ۸/۸ درصد است. این ارقام نسبت به متوسط دوره قبل افزایش نشان می‌دهد که با وجود مثبت بودن این روند نتوانسته انگیزه‌ها و شرایط لازم برای شکوفایی صنعت و به خصوص صنعت نساجی را فراهم کند زیرا روند افزایش ارزش افزوده به صورت افزایشی و با ثبات نیست بلکه به صورت نوسانی است. در بعضی سالها به شدت افزایش در بعضی سالها کاهشی است و یک وضعیت باثبات در این زمینه مشاهده نمی‌شود. با وجود این مسئله افزایش این نمائگر نسبت به دوره قبل را باید به منزله توفیق نسبی برنامه‌های توسعه برای جلوگیری از زوال و نابودی دانست که در سالهای پایانی جنگ گریبان‌گیر صنعت کشور و به خصوص صنایع نساجی شده بود.

جدول ۴ - ۱۳ ارزش افزوده کارگاههای بزرگ صنعتی

سال	ارزش افزوده - میلیارد ریال ثابت ۱۳۶۱		رشد ارزش افزوده - درصد		سهم صنایع نساجی	سهم صنایع نساجی	رتبه صنایع نساجی
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	و چرم در ارزش افزوده صنایع	و چرم در محصول ناخالص داخلی	و چرم در سهم محصول ناخالص داخلی
۱۳۵۳	۵۲۷/۹	۱۱۷/۹	—	—	۲۲/۳	۱/۲۵	۲
۱۳۵۴	۵۲۶/۸	۱۱۴/۴	-۰/۲	-۳/۰	۲۱/۷	۱/۲۱	۲
۱۳۵۵	۷۲۷/۸	۱۳۳/۰	۳۸/۲	۱۶/۳	۱۸/۳	۱/۱۵	۳
۱۳۵۶	۷۷۰/۸	۱۴۲/۰	۵/۹	۶/۸	۱۸/۴	۱/۲۳	۳
۱۳۵۷	۶۷۶/۵	۱۳۳/۹	-۱۲/۲	-۵/۷	۱۹/۸	۱/۲۹	۲
متوسط سالانه	۶۴۶/۰	۱۲۸/۲	۷/۹	۳/۶	۲۰/۱	۱/۲۲	۲
۱۳۵۸	۵۶۸/۸	۱۲۴/۱	-۱۵/۹	-۷/۳	۲۱/۸	۱/۱۸	۲
۱۳۵۹	۶۸۸/۶	۱۶۹/۸	۲۱/۱	۳۶/۸	۲۴/۷	۱/۷۸	۱
۱۳۶۰	۸۰۹/۳	۲۰۵/۸	۱۷/۵	۲۱/۲	۲۵/۴	۲/۲۱	۱
۱۳۶۱	۷۶۷/۲	۱۹۱/۹	-۵/۲	-۶/۸	۲۵/۰	۱/۸۲	۱
۱۳۶۲	۸۹۰/۰	۲۰۶/۳	۱۶/۰	۷/۵	۲۳/۲	۱/۷۳	۲
۱۳۶۳	۹۹۲/۹	۲۱۴/۰	۱۱/۶	۳/۷	۲۱/۶	۱/۷۸	۲
۱۳۶۴	۹۶۲/۴	۲۰۸/۵	-۳/۱	-۲/۶	۲۱/۷	۱/۷۳	۲
۱۳۶۵	۸۲۵/۲	۱۹۰/۳	-۱۴/۳	-۸/۷	۲۳/۱	۱/۸۶	۱
۱۳۶۶	۸۳۶/۱	۱۵۹/۶	۱/۳	-۱۶/۱	۱۹/۱	۱/۵۴	۳
۱۳۶۷	۸۶۶/۴	۱۵۶/۹	۳/۶	-۱/۷	۱۸/۱	۱/۶۶	۳
متوسط سالانه	۸۲۰/۷	۱۸۲/۷	۳/۳	۲/۶	۲۲/۴	۱/۷۳	۲
۱۳۶۸	۹۴۵/۴	۱۵۵/۱	۹/۱	-۱/۱	۱۶/۴	۱/۵۹	۳
۱۳۶۹	۱,۱۶۳/۹	۱۸۹/۱	۲۳/۱	۲۱/۹	۱۶/۲	۱/۷۳	۴
۱۳۷۰	۱,۳۹۷/۴	۲۱۳/۷	۲۰/۱	۱۳/۰	۱۵/۳	۲/۲۱	۳
۱۳۷۱	۱,۴۰۴/۱	۲۱۱/۱	۰/۵	-۱/۲	۱۵/۰	۱/۶۴	۴
۱۳۷۲	۱,۳۸۲/۱	۲۰۶/۸	-۱/۶	-۲/۰	۱۵/۰	۱/۵۵	۴
۱۳۷۳	۱,۴۴۸/۴	۲۱۴/۲	۴/۸	۳/۶	۱۴/۸	۱/۶۳	۶
۱۳۷۴	۱,۵۳۱/۱	۲۱۷/۹	۵/۷	۱/۷	۱۴/۲	۱/۵۹	۶
۱۳۷۵							
متوسط سالانه	۱,۳۳۴/۶	۲۰۱/۱	۸/۸	۵/۱	۱۵/۳	۱/۷۰	۴

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران، حسابهای ملی ایران.

نماگر دیگری که وضعیت صنعت نساجی را در بین صنایع کشور و اقتصاد کشور نشان می‌دهد سهم صنایع نساجی در ارزش افزوده صنایع نساجی و محصول ناخالص داخلی است که این نماگرها در جدول ۴ - ۱۳ محاسبه شده است. سهم صنایع نساجی در ارزش افزوده صنایع در دوره اول به طور متوسط سالانه ۲۰/۱ درصد و سهم آن در محصول ناخالص داخلی تنها ۱/۲۲ درصد بوده است که از این نظر در بین صنایع نه گانه رتبه دوم را داشته است. در دوره دوم، تا سال ۱۳۶۰ سهم صنایع نساجی در ارزش افزوده صنایع و محصول ناخالص داخلی افزایش و به ترتیب به ۲۵/۴ درصد و ۲/۲۱ درصد می‌رسد که بیشترین مقادیر این نماگرها طی دوره مورد بررسی یعنی سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۵ است. متوسط سالانه نماگر سهم صنایع نساجی در ارزش افزوده صنایع و محصول ناخالص داخلی به ترتیب ۲۲/۴ و ۱/۷۳ درصد است که از این نظر صنایع نساجی نظیر دوره اول رتبه دوم را حفظ نموده با وجود اینکه در سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰ حائز رتبه اول و در سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ به رتبه سوم تنزل یافته است. روند کاهشی نماگرهای فوق در دوره سوم یعنی دوره اجرایی برنامه‌های اول و دوم توسعه جمهوری اسلامی با شدت بیشتری ادامه یافته و سهم ارزش افزوده صنایع نساجی در صنایع به ۱۵/۳ درصد و سهم آن در محصول ناخالص داخلی به ۱/۷ درصد کاهش یافته است که نشان‌دهنده این است با وجود افزایش ارزش افزوده صنعت نساجی، موقعیت و جایگاه این صنعت در بین سایر صنایع و اقتصاد بدتر شده و موقعیت نامطلوبی را پیدا کرده است. در این دوره رتبه صنایع نساجی از نظر ارزش افزوده از ۳ در حال ۱۳۶۸ ابتدا به چهار و سپس شش در سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ (آخرین سالی که آمار موجود است) تنزل یافته است. در مجموع متوسط رتبه صنایع نساجی در این دوره ۴ است که نسبت به دو دوره قبل، دو رتبه نزول کرده است.

جدول ۴-۱۴ که حاوی اطلاعات کارگاههای دارای بیش از ۱۰ نفر کارکن در مورد ارزش افزوده صنایع نساجی و صنعت است تقریباً نتایج حاصل در جدول ۴ - ۱۳ را تایید می‌کند. در دوره اول، متوسط رشد ارزش افزوده صنایع نساجی به قیمت جاری ۱۷/۸ درصد است که نسبت به مقدار آن در صنعت ۲۷/۶ درصد، حدود ۱۰ درصد کمتر است. در دوره دوم یعنی سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷، رشد ارزش افزوده صنعت به جز سال ۱۳۶۴ در بقیه سالها با رشد مثبت روبرو بوده است در حالی که ارزش افزوده صنعت نوسان بیشتری تجربه نموده است. این مسئله باعث شده که متوسط رشد ارزش افزوده صنعت نساجی در این دوره به ۳۴/۱ درصد برسد که بیشتر از مقدار ۳۱/۳ درصدی کل صنایع است. با اجرای برنامه اول در سال ۱۳۶۸ روند رشد ارزش افزوده در دوره سوم نیز ادامه یافته است اما در سال ۱۳۷۰، هم صنعت نساجی و هم کل صنایع با رشد منفی روبرو بوده‌اند که شدت کاهش در صنایع نساجی بیشتر از کل صنایع است. به طور کلی در این دوره میزان رشد ارزش افزوده در صنایع نساجی کمتر از کل صنایع است به طوری که متوسط رشد ارزش افزوده صنایع نساجی برابر ۷/۶ درصد است که بسیار کمتر از مقدار ۲۳/۱ درصد کل صنایع است. علاوه بر رشد ارزش افزوده و مقایسه آن کل صنایع نماگر سهم صنایع نساجی و چرم در ارزش افزوده نماگر دیگری بود که برای بررسی موقعیت و جایگاه صنایع نساجی معرفی شد. مقدار این نماگر در دوره قبل انقلاب از روندی کاهشی برخوردار است و مقدار متوسط سالانه آن حدود ۱۷ درصد بوده که از این نظر صنعت نساجی در بین صنایع نه‌گانه رتبه چهارم را داشته است. در دوره دوم از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۱ سهم صنایع نساجی در ارزش افزوده کل صنایع رو به افزایش می‌گذارد و به رقم ۲۵ درصد می‌رسد که بیشترین مقدار این نماگر در طول دوران مورد بررسی (۱۳۵۳ تا ۱۳۷۲) است. متوسط مقدار این نماگر در دوره دوم حدود ۲۱/۷ درصد که نسبت به مقدار دوره اول بیشتر است. از سال ۱۳۶۸ که سال شروع دوره سوم است سهم ارزش افزوده صنایع نساجی در ارزش افزوده کل صنایع روندی کاهشی می‌یابد و از ۲۱/۹ درصد در سال ۱۳۶۸ به مرور به ۱۱/۹ درصد در سال ۱۳۷۲ محدود می‌شود. در نتیجه این کاهش، رتبه صنایع نساجی که در ابتدای دوره ۱ بود در سال پایانی دوره به ۵ تنزل می‌یابد. متوسط سالانه نماگر در این دوره ۱۶/۹ درصد بوده که از مقدار دوره قبل کمتر است و همچنین رتبه صنایع نساجی نیز در این دوره به طور متوسط در حد ۳ باقی می‌ماند. همان طور که قبلاً گفته شد این جدول نیز نشان‌دهنده بدتر شدن وضعیت صنایع نساجی در دوره سازندگی و اجرای برنامه‌های توسعه است. اجرای این برنامه‌ها اگر چه تا حدودی از روند و به نابودی این صنعت کاسته ولی در مقایسه با سایر صنایع از وضعیت نامطلوبی برخوردار است و ادامه این روند سبب می‌شود که سرمایه‌گذاران و صاحبان سرمایه از این صنعت بیش از پیش روگردان شده و به طور کلی این صنعت ویران شود.

جدول ۴ - ۱۴ ارزش افزوده کارگاههای صنعتی با بیش از ۱۰ نفر کارکن

سال	ارزش افزوده - میلیون ریال		رشد ارزش افزوده - درصد		سهم صنایع نساجی و چرم - درصد	رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم		
۱۳۵۳	۱۸۷,۷۲۷	۳۳,۸۶۶	—	—	۱۸/۰	۴
۱۳۵۴	۲۰۴,۳۰۴	۳۴,۹۱۶	۸/۸	۳/۱	۱۷/۱	۴
۱۳۵۵	۲۹۸,۹۰۱	۴۶,۲۳۷	۴۶/۳	۳۲/۴	۱۵/۵	۴
۱۳۵۶	—	—	—	—	—	—
۱۳۵۷	—	—	—	—	—	—
متوسط سالانه	۲۳۰,۳۱۱	۳۸,۳۴۰	۲۷/۶	۱۷/۸	۱۶/۹	۴
۱۳۵۸	۳۵۴,۱۵۲	۶۳,۵۹۲	—	—	۱۸/۰	۲
۱۳۵۹	۵۷۲,۵۵۳	۱۰۸,۹۴۷	۶۱/۷	۷۱/۳	۱۹/۰	۲
۱۳۶۰	۷۷۹,۱۶۴	۱۵۲,۶۰۷	۳۶/۱	۴۰/۱	۱۹/۶	۲
۱۳۶۱	۷۷۰,۸۸۷	۱۹۲,۸۳۹	-۱/۱	۲۶/۴	۲۵/۰	۱
۱۳۶۲	۹۱۶,۶۱۹	۲۱۲,۰۲۳	۱۸/۹	۹/۹	۲۳/۱	۲
۱۳۶۳	۱,۰۲۰,۱۴۵	۲۱۹,۷۲۴	۱۱/۳	۳/۶	۲۱/۵	۲
۱۳۶۴	۱,۰۰۰,۰۲۷	۲۱۵,۴۹۵	-۲/۰	-۱/۹	۲۱/۵	۲
۱۳۶۵	۹۴۸,۰۵۲	۲۲۳,۹۴۸	-۵/۲	۳/۹	۲۳/۶	۱
۱۳۶۶	۲,۳۰۹,۷۸۵	۴۹۴,۷۰۲	۱۴۳/۶	۱۲۰/۹	۲۱/۴	۲
۱۳۶۷	۲,۷۲۵,۲۸۴	۶۵۴,۵۵۳	۱۸/۰	۳۲/۳	۲۴/۰	۱
متوسط سالانه	۱,۱۳۹,۶۶۷	۲۵۳,۸۴۳	۳۱/۳	۳۴/۱	۲۱/۷	۲
۱۳۶۸	۳,۴۲۲,۴۴۲	۷۴۹,۳۵۴	۲۵/۶	۱۴/۵	۲۱/۹	۱
۱۳۶۹	۴,۷۴۲,۵۱۹	۹۷۴,۲۹۱	۳۸/۶	۳۰/۰	۲۰/۵	۲
۱۳۷۰	۴,۴۴۳,۷۵۶	۷۴۳,۰۷۳	-۶/۳	-۲۳/۷	۱۶/۷	۲
۱۳۷۱	۵,۸۳۴,۰۵۵	۷۸۹,۳۷۳	۳۱/۳	۶/۲	۱۳/۵	۳
۱۳۷۲	۷,۳۶۷,۹۹۳	۸۷۵,۸۷۶	۲۶/۳	۱۱/۰	۱۱/۹	۵
۱۳۷۳						
۱۳۷۴						
متوسط سالانه	۵,۱۶۲,۱۵۳	۸۲۶,۳۹۳	۲۳/۱	۷/۶	۱۶/۹	۳

مأخذ: مرکز آمار ایران، آمارگیری از کارگاههای صنعتی.

بهره‌دهی تولید از نسبت ارزش افزوده به ارزش تولید هر فعالیت به دست می‌آید و به این معنی است که از یک واحد تولید چه میزان ارزش افزوده، که انگیزه اصلی و فعالیت اقتصادی است، حاصل می‌شود. در حالتی که این نماگر در عدد ۱۰۰ ضرب شود، درصد ارزش تولیدی که به ارزش افزوده منجر شده را نشان می‌دهد. بالا بودن این درصد به معنی این است که انگیزه‌های لازم برای جذب سرمایه و توسعه و شکوفایی فعالیت فراهم است و در واقع تولید در آن فعالیت، صرف اقتصادی بیشتری به همراه دارد. برای اینکه یک فعالیت از این نظر مطلوب تلقی می‌شود باید طی یک دوره نماگر بهره‌دهی تولید روند با ثبات و مثبتی را تجربه کرده باشد. نوسانات حتی اگر در بعضی از سالها مقدار نماگر بسیار بالا رفته باشد نمی‌تواند بیانگر موقعیت مناسبی برای توسعه و گسترش فعالیت باشد. استفاده از قیمت‌ها ثابت در محاسبه نماگر نتیجه‌گیری از مقادیر نماگر را با اطمینان بیشتری همراه می‌سازد.

در جدول ۴ - ۱۵ بهره‌دهی کارگاه‌های بزرگ صنعتی با استفاده از آمار کتاب حسابهای ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران محاسبه شده است. همان طور که در جدول نشان داده شد محاسبات با استفاده از قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱ صورت گرفته است. در دوره قبل از انقلاب بهره‌دهی تولید صنایع نساجی و چرم تقریباً ثابت مانده و به طور متوسط سالانه $40/2$ درصد است این یعنی از ۱۰۰ واحد ارزش تولید ۴۰ واحد آن به ارزش افزوده منجر می‌شود. در این دوره اگر چه بهره‌دهی تولید در مقایسه با صنعت (۳۵ درصد) بیشتر است ولی رتبه این صنعت در بین صنایع نه‌گانه، رتبه پایین ۵ است. در دوره دوم مورد بررسی تا سال ۱۳۶۱ بهره‌دهی تولید صنایع نساجی افزایش یافته در مقدار $53/7$ درصد رسیده که بیشترین مقدار این نماگر طی دوره ۲۱ ساله مورد بررسی است. این افزایش بی‌سابقه در بهره‌دهی صنایع نساجی سبب شد تا رتبه این صنایع به ۲ ارتقاء یابد. از این سال به بعد روند کاهشی و نزولی بهره‌دهی تولید آغاز می‌شود. به طور کلی متوسط بهره‌دهی تولید صنایع نساجی و چرم در این دوره حدود $49/7$ درصد است که از بهره‌دهی کل صنایع $42/9$ درصد بیشتر است در حالی که در بعضی از سالها رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع نه‌گانه از نظر بهره‌دهی تولید به ۷ تنزل یافته ولی متوسط رتبه این صنعت در این دوره به ۴ ارتقا می‌یابد که نسبت به دوره قبل یک رتبه افزایش یافته است. در دوره سوم یعنی سالهای اجرای برنامه توسعه اول و دوم، روند کاهشی بهره‌دهی تولید صنایع نساجی و چرم همچنان که از سال ۱۳۶۱ آغاز شده ادامه می‌یابد و هر سال از قدرت ایجاد ارزش افزوده این صنعت کاسته می‌شود و انگیزه‌ها و زیرساخت‌های لازم برای توسعه و شکوفایی را از دست داده است. با اینکه بهره‌دهی تولید کل صنایع در این دوره از سال ۱۳۶۸ کاهشی بوده ولی کاهش بهره‌دهی صنایع نساجی به مراتب بدتر بوده است. به طوری که در این دوره برای اولین بار بهره‌دهی تولید صنایع نساجی کمتر از کل صنایع می‌شود و این روند کاهشی آن چنان ادامه می‌یابد که در سال ۱۳۷۴ به $40/2$ درصد می‌رسد که کمترین میزان این نماگر برای صنایع نساجی از سال ۱۳۵۵ تاکنون است. در این دوره متوسط بهره‌دهی تولید صنایع نساجی به $42/7$ درصد محدود شد که از میزان $44/4$ کل صنایع کمتر است. در این دوره رتبه صنایع نساجی با وجود اجرای برنامه‌های سازندگی نه تنها بهبود نیافته بلکه بدتر نیز شده و هیچ پیشرفتی در این زمینه مشاهده نمی‌شود و روز به روز به وضعیت نامطلوب و رکودی این صنعت اضافه می‌شود.

جدول ۴ - ۱۵ بهره‌دهی تولید کارگاههای بزرگ صنعتی

رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع	بهره‌دهی تولید - درصد، به قیمت ثابت ۱۳۶۱		سال
	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	
۶	۳۹/۲	۳۳/۱	۱۳۵۳
۵	۳۹/۴	۳۳/۳	۱۳۵۴
۶	۴۰/۸	۳۷/۰	۱۳۵۵
۵	۴۰/۸	۳۵/۵	۱۳۵۶
۵	۴۰/۸	۳۶/۲	۱۳۵۷
۵	۴۰/۲	۳۵/۰	متوسط سالانه
۳	۴۷/۱	۳۷/۲	۱۳۵۸
۳	۵۰/۳	۴۲/۲	۱۳۵۹
۲	۵۰/۳	۴۲/۵	۱۳۶۰
۲	۵۳/۷	۴۲/۹	۱۳۶۱
۴	۵۲/۵	۴۲/۸	۱۳۶۲
۵	۵۰/۶	۴۳/۲	۱۳۶۳
۶	۴۹/۷	۴۳/۳	۱۳۶۴
۶	۴۹/۸	۴۳/۹	۱۳۶۵
۷	۴۶/۹	۴۴/۶	۱۳۶۶
۵	۴۶/۰	۴۶/۵	۱۳۶۷
۴	۴۹/۷	۴۲/۹	متوسط سالانه
۵	۴۶/۰	۴۶/۸	۱۳۶۸
۵	۴۶/۰	۴۶/۸	۱۳۶۹
۷	۴۴/۷	۴۶/۸	۱۳۷۰
۵	۴۰/۴	۴۲/۸	۱۳۷۱
۵	۴۰/۵	۴۲/۸	۱۳۷۲
۵	۴۰/۷	۴۳/۰	۱۳۷۳
۶	۴۰/۲	۴۲/۱	۱۳۷۴
			۱۳۷۵
۵	۴۲/۷	۴۴/۴	متوسط سالانه

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران، حسابهای ملی ایران.

جدول ۴ - ۱۶ بهره‌دهی تولید کارگاههای دارای بیش از ده نفر کارکن را نشان می‌دهد. محاسبه نماگر در این جدول با استفاده از ارقام جاری صورت گرفته بنابراین اثر کاذب قیمتها را نیز در خود دارد ولی با این وجود محاسبات این جدول نتایج حاصل از جدول قبل را تایید می‌کند. با توجه به اینکه آمار و اطلاعات قبل از سال ۱۳۶۰ قابل دسترسی نبوده بررسی این نماگر در دو دوره یکی از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ و دوره دوم از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ مورد بررسی قرار می‌گیرد. در دوره اول بهره‌دهی تولید صنایع نساجی در سال ۱۳۶۱ به ۵۴ درصد می‌رسد که بیشترین مقدار این نماگر طی سالهای مورد بررسی (۱۳۶۰ تا ۱۳۷۲) است. در این سال رتبه صنایع نساجی در بین صنایع نه

گانه به ۲ ارتقا می‌یابد که هرگز تکرار نمی‌شود. پس از این سال بهره‌دهی تولید صنایع نساجی روندی کاهشی در پیش می‌گیرد و هر سال از مقدار و توان ایجاد ارزش افزوده توسط یک واحد ارزش تولید کاسته می‌شود. متوسط بهره‌دهی تولید در این دوره برای صنایع نساجی و کل صنایع به ترتیب ۵۰/۵ و ۴۸/۳ درصد است و متوسط رتبه صنایع نساجی در بین صنایع نه گانه ۴ است. در دوره دوم که از سال ۱۳۶۸ آغاز می‌شود روند کاهشی بهره‌دهی تولید صنایع نساجی که از سال ۱۳۶۲ آغاز شده ادامه می‌یابد و فقط در سال ۱۳۶۹ اندکی افزایش در این نماگر ملاحظه می‌شود که می‌توان نتیجه استفاده از ظرفیتهای خالی و حمایت‌های اولیه سالهای اول اجرای برنامه اول توسعه دانست که با قطع آنها و به عبارت دیگر شوک اولیه ناشی از اجرای برنامه مجدداً روند کاهشی بهره‌دهی تولید صنایع نساجی ادامه یافته است. به طوری که در سال ۱۳۷۲ این نماگر به ۴۱ درصد می‌رسد که کمترین میزان آن طی دوره مورد بررسی است. این مسئله در مورد کل صنایع نیز اتفاق افتاده و بهره‌دهی تولید کل صنایع در دوره اجرای برنامه کاهش یافته است و در سال ۱۳۷۲ به ۴۳/۶ درصد که کمترین میزان آن در دوره مورد بررسی رسیده است. در هر حال در این دوره متوسط سالانه بهره‌دهی تولید صنایع نساجی و کل صنایع به ترتیب ۴۴/۱ و ۴۴/۶ درصد است و متوسط رتبه صنایع نساجی در بین صنایع نساجی به ۶ تنزل یافته است. بنابراین ملاحظه می‌شود که در مقایسه با دوره قبل توان ایجاد یک واحد ارزش افزوده توسط یک واحد ارزش تولید صنایع نساجی کاهش یافته است. برای جلب سرمایه و اصلاح زیر ساخت‌های توسعه و شکوفایی صنعت این نسبت باید بهبود.

جدول ۴ - ۱۶ بهره‌دهی تولید کارگاههای بزرگ صنعتی

رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع	بهره‌دهی تولید - درصد، به قیمت ثابت ۱۳۶۱		سال
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	
۳	۵۱/۷	۵۰/۶	۱۳۶۰
۲	۴۶/۹	۵۴/۰	۱۳۶۱
۳	۴۶/۹	۵۲/۹	۱۳۶۲
۵	۴۷/۴	۵۱/۱	۱۳۶۳
۴	۴۸/۲	۵۰/۴	۱۳۶۴
۶	۴۸/۴	۵۰/۶	۱۳۶۵
۵	۵۰/۲	۴۸/۹	۱۳۶۶
۴	۴۶/۳	۴۵/۲	۱۳۶۷
۴	۴۸/۳	۵۰/۵	متوسط سالانه
۶	۴۴/۹	۴۲/۷	۱۳۶۸
۳	۴۵/۱	۴۹/۶	۱۳۶۹
۶	۴۵/۰	۴۴/۶	۱۳۷۰
۵	۴۴/۳	۴۲/۶	۱۳۷۱
۸	۴۳/۶	۴۱/۰	۱۳۷۲
			۱۳۷۳
			۱۳۷۴
			۱۳۷۵
۶	۴۴/۶	۴۴/۱	متوسط سالانه

مأخذ: مرکز آمار ایران، آمارگیری از کارگاههای صنعتی.

۵ - وضعیت اشتغال در صنعت نساجی ایران

در این بخش مجموعه شاخصها و نماگرهایی که بیانگر وضعیت کمی و کیفی نیروی کار شاغل در بخش صنعت نساجی است با استفاده از منابع آماری مختلف معرفی می‌شود و با کمک آنها وضعیت و موقعیت صنعت نساجی در بین سایر صنایع و اقتصاد معین می‌شود. با استفاده از مجموعه شاخصها و نماگرها جنبه‌های مختلف اشتغال نظیر تعداد شاغلان، وضعیت رفاه و کیفیت نیروهای شاغل در بخش صنعت نساجی مورد تحلیل قرار می‌گیرد و بدین ترتیب مسایل مختلفی درباره اشتغال صنعت نساجی پاسخ داده می‌شود. تعدادی از این مسایل عبارتند از:

- نحوه و روند تغییرات نیروی کار صنایع نساجی، توان این صنعت در ایجاد فرصتهای شغلی، قدرت جذب نیروهای فعال در کشور و مقایسه آن با سایر صنایع کشور؛

- تعیین قدرت خرید نیروی کار صنایع نساجی و بررسی وضعیت رفاهی آنان و مقایسه با سایر صنایع؛

- بررسی وضعیت کیفی نیروی کار شاغل در صنایع نساجی و بررسی روند تغییرات سطح تحصیلات نیروی کار.

با پاسخگویی به مسایل فوق تا حدودی جایگاه صنعت نساجی از نظر ایجاد اشتغال سازنده در اقتصاد و صنعت

مشخص می‌شود. در این قسمت مجموعه این بررسیها در سه قسمت جداگانه یعنی تعداد شاغلان، وضعیت رفاهی، توان کیفی نیروی کار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵- ۱- تعداد شاغلان

شاغلان صنعتی به کلیه کسانی گفته می‌شود که در کارگاههای صنعتی مشغول به کار هستند خواه حقوق و دستمزد دریافت دارند یا ندارند. به عبارت دیگر تعداد شاغلان کلیه کسانی هستند اعم از کارگر، مالک، شریک و غیره که در اثر فعالیت یک کارگاه صنعتی مشغول به کار می‌شوند. در این گزارش با توجه به آمارهای موجود به بررسی، آمار شاغلان با مزد و حقوق صنایع پرداخته می‌شود. این مسئله با توجه به سهم اندک شاغلان بدون مزد و حقوق و کل تعداد شاغلان تأثیری در روند بررسی ندارد. در این قسمت ابتدا تعداد کارکنان با مزد و حقوق کارگاههای صنعتی دارای بیش از ۵۰ نفر کارکن از طرحهای آمارگیری بانک مرکزی و سپس تعداد مزد و حقوق‌بگیران کارگاههای صنعتی دارای بیش از ۱۰ نفر کارکن از طرحهای آمارگیری مرکز آمار ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد و از این طریق تصویری از وضعیت اشتغال صنعت نساجی و چرم ارائه می‌گردد. پس از این بررسی اشتغال جدید ایجاد شده در نتیجه طرحهای به بهره‌برداری رسیده براساس پروانه‌های بهره‌برداری صادره توسط وزارت صنایع توضیح داده شده و در نهایت سهم صنایع نساجی و چرم در ایجاد اشتغال کل کشور با استفاده از آمار بانک مرکزی محاسبه شده است.

۵- ۱- ۱- تعداد کارکنان کارگاههای صنعتی دارای بیش از ۵ نفر کارکن

جدول ۵- ۱ اطلاعات مربوط به تعداد کارکنان کارگاههای صنعتی دارای بیش از ۵۰ نفر کارکن را نشان می‌دهد که توسط بانک مرکزی آمارگیری می‌شود. کارکنان در طرح آمارگیری بانک مرکزی شامل تمام کارگران و کارمندانی است که در کارگاه کار می‌کنند و در ازای انجام کارمزد و حقوق دریافت می‌دارند. مالکین، شرکاء و کارفرمایان بدون حقوق، کارکنان فامیلی و سایر کارکنان بدون مزد، مشمول این گروه نیستند. در واقع منظور از کارکنان در طرح آمارگیری بانک مرکزی همان شاغلان با مزد و حقوق است. در طرح آمارگیری اول با سال پایه ۱۳۵۳، رشد تعداد کارکنان صنایع نساجی از سال ۱۳۵۴ کاهش یافته و در دو سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ رشد منفی را تجربه نموده سپس تا سال ۱۳۶۱ رشد مثبت و با ثباتی را داشته است. در این دوره رشد تعداد کارکنان صنایع نساجی و چرم از رشد تعداد کارکنان کل صنایع کمتر است به طوری که متوسط رشد سالانه تعداد کارکنان صنایع نساجی ۲/۷ درصد بوده که این رقم برای کل صنایع ۵/۲ درصد است. در طرح دوم آمارگیری با سال پایه ۱۳۶۱، روند رشد مثبت تعداد کارکنان صنایع نساجی و چرم تا سال ۱۳۶۴ ادامه می‌یابد و به عدد ۱۳۳۸۷۶ نفر می‌رسد که بیشترین مقدار در این دوره است. اما این روند از سال ۱۳۶۴ به بعد منفی می‌شود تا سال ۱۳۶۸ در چند سال پیاپی از تعداد کارکنان صنایع نساجی کاسته می‌شود. در این دوره نیز رشد تعداد کارکنان از رشد تعداد کارکنان کل صنایع کمتر است و متوسط رشد سالانه تعداد کارکنان در این دوره برای صنایع نساجی و چرم ۱/۲ درصد و برای کل صنایع ۲ درصد است. در طرح آمارگیری، سال پایه ۱۳۶۹ که تا زمان حاضر را در برمی‌گیرد، رشد تعداد کارکنان، مقادیر مثبت و منفی را تجربه نموده است ولی به

طور کلی نرخ رشد در این دوره بسیار پایین بوده و از دو دوره گذشته نیز پایین تر است. متوسط رشد سالانه تعداد کارکنان صنایع نساجی و چرم تنها ۰/۲ درصد و برای کل صنایع ۱/۵ درصد است. در مجموع می توان گفت که صنایع نساجی و چرم و همچنین کل صنایع در زمینه جذب و ایجاد اشتغال در کشور بسیار ضعیف عمل کرده و روز به روز توان خود را برای بکارگیری افراد بیشتر از دست داده اند و حتی قادر نیستند حداقل انتظاری را که از سرمایه گذارهای انجام شده برای توسعه صنعت و ایجاد اشتغال سازنده می رود برآورده سازند. این مسئله در مورد صنایع نساجی و چرم به شکل شدیدتر است. برای بررسی این مسئله از نماگر سهم صنایع نساجی و چرم در ایجاد اشتغال صنعتی استفاده می شود.

سهم صنایع نساجی و چرم در تعداد کل کارکنان صنایع نشان دهنده جایگاه این صنعت در ایجاد اشتغال صنعتی است. به طور کلی صنایع نساجی و چرم به واسطه ماهیت و ساختار این صنایع، صناعی کاربر بوده و همواره سهم بالایی از اشتغال صنعتی را به خود اختصاص می دهند. در دوره اول مورد بررسی یعنی سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۱، این سهم روندی کاهشی داشته و از ۳۶ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۲۹/۶ درصد در سال ۱۳۶۱ کاهش یافته است. هر چند که با وجود این کاهش به علت بالا بودن سهم صنعت نساجی در ایجاد اشتغال همچنان در طول دوره در بین صنایع نه گانه از رتبه اول برخوردار است. متوسط سهم صنعت نساجی در اشتغال صنعتی در این دوره ۳۰/۹ درصد است و در دوره دوم نیز روند کاهشی این سهم ادامه می یابد و در سال ۱۳۷۱ به ۲۶/۹ درصد می رسد ولی با وجود این کاهش همچنان صنعت نساجی و چرم در بین صنایع در طول دوره از رتبه اول برخوردار است. متوسط سهم صنایع نساجی در تعداد کارکنان کل صنایع در این دوره ۲۸/۳ درصد بوده که کمتر از متوسط دوره قبل است. روند کاهشی سهم صنایع نساجی در ایجاد اشتغال صنعتی همچنان در طرح یا دوره سوم آمارگیری با شتاب بیشتری ادامه می یابد و در سال ۱۳۷۶ به ۲۳/۴ درصد محدود می شود که کمترین میزان این نماگر در طول ۲۵ سال مورد بررسی است. این کاهش به حدی است که برای اولین بار صنایع نساجی و چرم جایگاه و رتبه اول خود را در ایجاد اشتغال صنعتی از دست داده و به رتبه دوم تنزل پیدا می کند.

جدول شماره ۵-۱ تعداد کارکنان کارگاههای صنعتی با پیش لز ۵ نفر کارکن

سال	تعداد کارکنان - نفر		رشد تعداد کارکنان - درصد		سهم صنایع نساجی	رتبه صنایع نساجی
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	و چرم - درصد	و چرم در بین صنایع

۱۳۵۳ = ۱۰۰

۱	۲۳۱،۱۵۳	۸۳،۲۴۳	—	—	۳۶/۰	۱
۱۳۵۴	۲۵۵،۱۴۲	۸۶،۶۰۸	۱۰/۴	۴/۰	۳۳/۹	۱
۱۳۵۵	۲۷۱،۱۵۷	۸۶،۷۱۰	۶/۳	۰/۱	۳۲/۰	۱
۱۳۵۶	۲۷۶،۴۰۷	۸۲،۲۳۰	۱/۹	-۵/۲	۲۹/۷	۱
۱۳۵۷	۲۸۰،۲۰۲	۸۰،۲۹۰	۱/۴	-۲/۴	۲۸/۷	۱
۱۳۵۸	۳۰۶،۸۶۱	۸۹،۸۹۴	۹/۵	۱۲/۰	۲۹/۳	۱
۱۳۵۹	۳۱۶،۳۲۵	۹۳،۳۹۴	۳/۱	۳/۹	۲۹/۵	۱
۱۳۶۰	۳۲۷،۹۴۷	۹۷،۶۴۳	۳/۷	۴/۵	۲۹/۸	۱
۱۳۶۱	۳۴۵،۳۰۲	۱۰۲،۱۳۸	۵/۳	۴/۶	۲۹/۶	۱
متوسط سالانه	۲۹۰،۰۵۵	۸۹،۱۲۸	۵/۲	۲/۷	۳۰/۹	۱

۱۳۶۱ = ۱۰۰

۱	۳۹۹،۷۳۸	۱۱۶،۸۰۷	—	—	۲۹/۲	۱
۱۳۶۲	۴۳۳،۴۸۹	۱۲۳،۲۲۴	۸/۴	۵/۵	۲۸/۴	۱
۱۳۶۳	۴۵۹،۵۲۸	۱۲۹،۱۵۱	۶/۰	۴/۸	۲۸/۱	۱
۱۳۶۴	۴۷۷،۱۲۲	۱۳۳،۸۷۶	۳/۸	۳/۷	۲۸/۱	۱
۱۳۶۵	۴۵۹،۰۷۶	۱۳۲،۰۹۲	-۳/۸	-۱/۳	۲۸/۸	۱
۱۳۶۶	۴۴۵،۷۰۵	۱۳۰،۸۲۰	-۲/۹	-۱/۰	۲۹/۴	۱
۱۳۶۷	۴۴۷،۲۰۹	۱۳۰،۳۴۲	۰/۳	-۰/۴	۲۹/۱	۱
۱۳۶۸	۴۴۷،۶۱۷	۱۲۷،۶۰۱	۰/۱	-۲/۱	۲۸/۵	۱
۱۳۶۹	۴۶۱،۶۹۷	۱۲۸،۱۰۴	۳/۱	۰/۴	۲۷/۷	۱
۱۳۷۰	۴۸۶،۴۳۹	۱۳۱،۹۵۰	۵/۴	۳/۰	۲۷/۱	۱
۱۳۷۱	۴۸۴،۴۹۷	۱۳۰،۵۲۴	-۰/۴	-۱/۱	۲۶/۹	۱
متوسط سالانه	۴۵۴،۷۳۸	۱۲۸،۵۹۰	۲/۰	۱/۲	۲۸/۳	۱

۱۳۶۹ = ۱۰۰

۱	۵۲۵،۸۷۰	۱۳۴،۴۳۱	—	—	۲۵/۶	۱
۱۳۷۰	۵۵۸،۸۷۱	۱۴۰،۰۰۱	۶/۳	۴/۱	۲۵/۱	۱
۱۳۷۱	۵۶۷،۶۷۵	۱۴۰،۳۷۷	۱/۶	۰/۳	۲۴/۷	۱
۱۳۷۲	۵۶۰،۲۳۷	۱۳۶،۶۴۸	-۱/۳	-۲/۷	۲۴/۴	۱
۱۳۷۳	۵۵۲،۳۸۵	۱۳۵،۵۸۰	-۱/۴	-۰/۸	۲۴/۵	۱
۱۳۷۴	۵۵۷،۸۸۴	۱۳۵،۷۴۷	۱/۰	۰/۱	۲۴/۳	۱
۱۳۷۵	۵۷۰،۰۸۵	۱۳۷،۳۸۴	۲/۲	۱/۲	۲۴/۱	۱
۱۳۷۶	۵۸۲،۲۳۶	۱۳۶،۲۰۶	۲/۱	-۰/۹	۲۳/۴	۲
متوسط سالانه	۵۵۹،۴۰۵	۱۳۷،۰۴۷	۱/۵	۰/۲	۲۴/۵	۱

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران، نتایج بررسی کارگاههای صنعتی.

متوسط سهم صنایع نساجی و چرم در ایجاد اشتغال صنعتی در این دوره ۲۴/۵ درصد است که از دو دوره گذشته کمتر است. در واقع کاهش این نماگر و تنزل رتبه صنعت نساجی از نظر اشتغال صنعتی به معنای این است که اگر چه کل صنایع در ایجاد و اشتغال مولد و سازنده مطلوب عمل نکرده‌اند ولی وضعیت در صنایع نساجی در مقایسه با کل صنایع و همچنین سایر صنایع بدتر است.

جدول ۵ - ۲ که شاخص اشتغال کارکنان کارگاههای بزرگ صنعتی را نشان می‌دهد در واقع شکل ساده شده و گویاتری از جدول قبل است. در این جدول آمار خام به صورت شاخص ادامه شده که با یک دید می‌توان وضعیت اشتغال صنعتی را درک کرد. شاخص اشتغال که بر مبنای یک سال پایه تعریف شده، تغییرات و نوسانات تعداد کارکنان را بر مبنای آن سال پایه نشان می‌دهد. به منظور محاسبه این شاخص، متوسط ماهانه تعداد کارکنان هر صنعت در سه ماهه مورد بررسی به میانگین همان صنعت در سال پایه تقسیم و حاصل در ۱۰۰ ضرب می‌شود. در این صورت اگر شاخص اشتغال بیشتر از ۱۰۰ باشد به این معناست که تعداد شاغلان صنعتی نسبت به زمان پایه افزایش یافته است و برعکس هر گاه کمتر از ۱۰۰ باشد به معنای کاهش تعداد شاغلان نسبت به زمان پایه است. بر این اساس در جدول ۵ - ۲ ملاحظه می‌شود که فقط در دو سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ تعداد شاغلان صنعت نساجی و چرم نسبت به سال پایه ۱۳۵۳ کاسته شده است و در بقیه سالها همچنان تعداد شاغلان ولو به اندازه اندک از تعداد شاغلان در سال پایه بیشتر است.^(۱) متوسط شاخص اشتغال صنایع نساجی و چرم در این سه دوره به این معناست که متوسط تعداد کارکنان صنایع نساجی و چرم در دوره اول نسبت به سال پایه ۱۳۵۳ حدود ۷/۱ درصد در دوره دوم نسبت به سال پایه ۱۳۶۱ حدود ۸/۸ درصد و در دوره سوم نسبت به سال پایه ۱۳۶۹ تنها ۲ درصد افزایش یافته است.

۱- ذکر این نکته لازم است که تغییرات سالانه شاخص همان نرخ رشد سالانه است و تغییرات نسبت به سال پایه را نشان نمی‌دهد. به عنوان مثال در سال ۱۳۷۶، نرخ رشد سالانه شاخص ۰/۹- درصد است که به مبنای اینست که شاخص اشتغال نسبت به سال ۱۳۷۵ حدود ۰/۹ درصد کاهش یافته است اما خود شاخص اشتغال در سال ۱۳۷۶ حدود ۱۰/۳ است که به معنای اینست که تعداد کارکنان صنایع نساجی نسبت به سال پایه ۱۳۶۹ حدود ۱/۳ درصد افزایش یافته است.

جدول ۵ - ۲ شاخص اشتغال کارکنان کارگاههای با پیش از ۵۰ نفر کارکن

سال	شاخص اشتغال - نفر		رشد شاخص اشتغال - درصد
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع

۱۳۵۳ = ۱۰۰

۱۳۵۳	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	—	—
۱۳۵۴	۱۱۰/۴	۱۰۴/۰	۱۰/۴	۴/۰
۱۳۵۵	۱۱۷/۳	۱۰۴/۲	۶/۲	۰/۲
۱۳۵۶	۱۱۹/۶	۹۸/۸	۲/۰	-۵/۲
۱۳۵۷	۱۲۱/۲	۹۶/۵	۱/۴	-۲/۴
۱۳۵۸	۱۳۲/۸	۱۰۸/۰	۹/۵	۱۱/۹
۱۳۵۹	۱۳۶/۹	۱۱۲/۲	۳/۱	۳/۹
۱۳۶۰	۱۴۱/۹	۱۱۷/۳	۳/۷	۴/۵
۱۳۶۱	۱۴۹/۴	۱۲۲/۷	۵/۳	۴/۶
متوسط سالانه	۱۲۵/۵	۱۰۷/۱	۵/۲	۲/۷

۱۳۶۱ = ۱۰۰

۱۳۶۱	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	—	—
۱۳۶۲	۱۰۸/۵	۱۰۵/۵	۸/۵	۵/۵
۱۳۶۳	۱۱۵/۰	۱۱۰/۶	۶/۰	۴/۸
۱۳۶۴	۱۱۸/۵	۱۱۲/۹	۳/۱	۲/۱
۱۳۶۵	۱۱۴/۰	۱۱۱/۴	-۳/۸	-۱/۳
۱۳۶۶	۱۱۰/۷	۱۱۰/۳	-۲/۹	-۰/۹
۱۳۶۷	۱۱۱/۱	۱۰۹/۹	-۰/۴	-۰/۴
۱۳۶۸	۱۰۹/۳	۱۰۷/۴	-۱/۶	-۲/۳
۱۳۶۹	۱۱۳/۲	۱۰۸/۰	۳/۶	۰/۵
۱۳۷۰	۱۲۰/۸	۱۱۱/۳	۶/۷	۳/۰
۱۳۷۱	۱۲۰/۸	۱۱۰/۱	۰/۰	-۱/۱
متوسط سالانه	۱۱۲/۹	۱۰۸/۸	۲/۰	۱/۰

۱۳۶۹ = ۱۰۰

۱۳۶۹	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	—	—
۱۳۷۰	۱۰۶/۳	۱۰۴/۱	۶/۳	۴/۱
۱۳۷۱	۱۰۸/۰	۱۰۴/۴	۱/۶	۰/۳
۱۳۷۲	۱۰۶/۵	۱۰۱/۷	-۱/۴	-۲/۶
۱۳۷۳	۱۰۵/۱	۱۰۰/۹	-۱/۳	-۰/۸
۱۳۷۴	۱۰۶/۱	۱۰۱/۰	۱/۰	۰/۱
۱۳۷۵	۱۰۸/۴	۱۰۲/۲	۲/۲	۱/۲
۱۳۷۶	۱۱۰/۷	۱۰۱/۳	۲/۱	-۰/۹
متوسط سالانه	۱۰۶/۴	۱۰۲/۰	۱/۵	۰/۲

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران، نتایج بررسی کارگاههای صنعتی.

جدول ۵ - ۳ اطلاعات تعداد مزد و حقوق‌بگیران^(۱) کارگاههای صنعتی بیش از ۱۰ نفر کارکن مرکز آمار را نشان می‌دهد. در دوره قبل از انقلاب به طور متوسط سالانه ۱۱۷۲۱۷ نفر در کارگاههای بیش از ۱۰ نفر صنایع نساجی و چرم به کار اشتغال داشته‌اند که این تعداد ۳۱ درصد تعداد کل مزد و حقوق‌بگیران صنایع را به خود اختصاص می‌دهد و از این نظر بین صنایع نه گانه رتبه اول داراست. در دوره دوم مورد بررسی ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ نیروی کار جذب شده بر صنایع نساجی و چرم با وجود شرایط جنگ افزوده شده به طوری که متوسط رشد سالانه در این دوره ۱۰/۲ درصد است که حدود ۲ درصد از متوسط رشد سالانه کل صنایع بیشتر است. در این دوره با وجود افزایش رشد متوسط سالانه، سهم صنایع نساجی و چرم در بین صنایع به طور متوسط ۲۵/۵ درصد کاهش یافته ولی با این حال همچنان صنایع نساجی در رتبه اول بین صنایع نه گانه قرار دارد. در دوره سوم مورد بررسی که با شروع برنامه توسعه اول همزمان است، در ابتدا رشد تعداد مزد و حقوق‌بگیران افزایش می‌یابد ولی سپس تا پایان دوره این رشد منفی است. این وضعیت هم در صنایع نساجی و هم در کل صنایع دیده می‌شود اما نرخ کاهش در تعداد مزد و حقوق‌بگیران صنایع نساجی بیشتر است به طوری که متوسط رشد سالانه تعداد مزدبگیران صنایع نساجی ۲/۸- درصد و کل صنایع ۱/۱- درصد است. در این دوره سهم صنایع نساجی در تعداد مزد و حقوق‌بگیران صنعت کاهش یافته است و متوسط دوره‌ای این سهم ۲۴/۸ درصد است که از متوسط دو دوره گذشته کمتر است. با وجود این کاهش، هنوز صنایع نساجی و چرم رتبه اول را در ایجاد اشتغال صنعتی به خود اختصاص داده است. کاهش تعداد مزد و حقوق‌بگیران صنعت نساجی و نیز کل صنایع در دوره سوم و در زمان اجرای برنامه اول توسعه نشان‌دهنده عدم کارایی برنامه‌های ایجاد اشتغال صنعتی در قالب برنامه است و حتی این برنامه در حفظ اشتغال موجود نیز با مشکل مواجه شده است. به طوری که در سال ۱۳۷۲، تعداد ۱۴۵۷۷۴ نفر در صنایع نساجی به کار اشتغال داشته‌اند که از متوسط سالانه دوره قبل (۱۴۹۹۳۹ نفر) کمتر است.

۱- شاغلان صنعتی شامل تعداد مزد و حقوق‌بگیران و کارگران فامیلی، شرکا و مالکین کارگاه‌هاست که دسته اخیر درصد ناچیزی را تشکیل می‌دهد به عنوان مثال در سال ۱۳۷۲، تنها ۷۸۰ نفر از شاغلان صنایع نساجی از کارگران فامیلی، مالکین و شرکا بوده است. بنابراین در اینجا به بررسی تعداد مزد و حقوق‌بگیران پرداخته شده است.

جدول ۵ - ۳ تعداد مزد و حقوق‌بگیران کارگاههای با صنعتی بیش از ۱۰ نفر کارکن

سال	تعداد مزد و حقوق‌بگیران - نفر		رشد تعداد مزد و حقوق‌بگیران - درصد		سهم صنایع نساجی	
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	و چرم - درصد	رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع
۱۳۵۳	۳۷۹,۶۴۰	۱۳۲,۵۴۲	—	—	۳۴/۹	۱
۱۳۵۴	۳۶۰,۸۴۴	۱۰۹,۳۰۱	-۵/۰	-۱۷/۵	۳۰/۳	۱
۱۳۵۵	۳۹۵,۴۸۸	۱۰۹,۸۰۹	۹/۶	۰/۵	۲۷/۸	۱
۱۳۵۶	—	—	—	—	—	—
۱۳۵۷	—	—	—	—	—	—
متوسط سالانه	۳۷۸,۶۵۷	۱۱۷,۲۱۷	۲/۳	-۸/۵	۳۱	۱
۱۳۵۸	۴۱۴,۵۴۶	۹۷,۷۲۰	—	—	۲۳/۶	۱
۱۳۵۹	۴۷۳,۵۴۲	۱۱۴,۷۰۵	۱۴/۲	۱۷	۲۴/۲	۱
۱۳۶۰	۴۸۶,۴۴۱	۱۳۵,۸۹۹	۲/۷	۱۸/۵	۲۷/۹	۱
۱۳۶۱	۵۳۸,۹۰۶	۱۳۸,۱۶۱	۱۰/۸	۱/۷	۲۵/۶	۱
۱۳۶۲	۵۶۷,۰۸۳	۱۴۱,۷۸۳	۵/۲	۲/۶	۲۵/۰	۱
۱۳۶۳	۵۹۳,۳۰۸	۱۴۵,۰۹۴	۴/۶	۲/۳	۲۴/۵	۱
۱۳۶۴	۵۷۷,۹۸۸	۱۴۳,۷۶۷	-۲/۶	-۰/۹	۲۴/۹	۱
۱۳۶۵	۵۵۸,۹۸۵	۱۴۳,۹۱۸	-۳/۳	۰/۱	۲۵/۷	۱
۱۳۶۶	۱,۰۸۸,۷۷۲	۲۶۹,۵۹۰	۸۲/۳	۸۷/۳	۲۶/۴	۱
۱۳۶۷	۶۳۰,۷۴۷	۱۶۸,۷۵۷	-۳۸/۱	-۳۷/۴	۲۶/۸	۱
متوسط سالانه	۵۹۳,۰۳۲	۱۴۹,۹۳۹	۸/۴	۱۰/۲	۲۵/۵	۱
۱۳۶۸	۶۵۸,۷۲۹	۱۷۲,۳۷۷	۴/۴	۲/۱	۲۶/۲	۱
۱۳۶۹	۶۵۸,۸۹۶	۱۵۸,۶۳۱	۰/۰	-۸/۰	۲۴/۱	۱
۱۳۷۰	۶۲۴,۰۸۵	۱۵۳,۷۵۷	-۵/۳	-۳/۱	۲۴/۶	۱
۱۳۷۱	۶۲۳,۸۷۰	۱۵۳,۴۶۳	-۰/۰	-۰/۲	۲۴/۶	۱
۱۳۷۲	۵۹۳,۷۹۰	۱۴۵,۷۷۴	-۴/۸	-۵/۰	۲۴/۵	۱
۱۳۷۳						
۱۳۷۴						
متوسط سالانه	۶۳۱,۸۷۴	۱۵۶,۸۰۰	-۱/۱	-۲/۸	۲۴/۸	۱

مأخذ: مرکز آمار ایران، آمارگیری از کارگاههای صنعتی.

همان طور که اشاره شد پروانه بهره‌برداری مجوزی است که پس از موفقیت کارگاه در تولید آزمایشی از سوی وزارت صنایع اعطا می‌شود و کارگاه رسماً فعالیت خود را آغاز می‌کند. بر این اساس منظور از تعداد کارکنان با اشتغال پروانه بهره‌برداری تعدادی نیروی کاری است که با راه‌اندازی واحد صنعتی مشغول به کار می‌شوند. در واقع این آمار تعداد مشاغل و فرصت‌های شغلی ایجاد شده در نتیجه راه‌اندازی واحدهای جدید صنعتی را نشان می‌دهد. هر چه تعداد شغل‌های ایجاد شده توسط این واحدهای صنعتی بیشتر باشد به معنای سمت‌گیری اشتغال‌زایی موافقت اصولی‌های صادره توسط وزارت صنایع است.

جدول شماره ۵ - ۴ اطلاعات و شاخص‌های مربوط به اشتغال پروانه‌های بهره‌برداری وزارت صنایع را در دوران بعد از انقلاب نشان می‌دهد. تعداد شغل‌های ایجاد شده توسط واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده در صنایع نساجی و چرم در دوره اول مورد بررسی از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۳ دارای روندی نوسانی و سپس تا پایان این دوره (۱۳۶۷) روندی افزایشی داشته است. روند رشد اشتغال پروانه‌های بهره‌برداری کل صنایع نیز شبیه صنایع نساجی است با این تفاوت که نرخ رشد کمتری را تجربه نموده است. به طوری که به طور متوسط نرخ رشد اشتغال ایجاد شده صنایع نساجی و چرم در دوره فوق ۴۵/۸ درصد و برای کل صنایع تنها ۱۸/۲ درصد بوده است. متوسط شغل ایجاد شده در این دوره در کل صنایع ۸۳۴۳ نفر و در صنایع نساجی و چرم ۱۷۴۰ نفر می‌باشد. در دوره دوم مورد بررسی (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶) پس دو سال افزایش تعداد شغل‌های ایجاد شده در صنایع نساجی و چرم نرخ رشد منفی شده و این روند تا آخر دوره ادامه می‌یابد. در مورد کل صنایع نیز تقریباً روند همین گونه است با این تفاوت که از سال ۱۳۷۳ روند ایجاد اشتغال جدید براساس پروانه‌های بهره‌برداری سه سال متوالی منفی است. در این دوره نیز رشد اشتغال پروانه بهره‌برداری صنایع نساجی به طور متوسط حدود ۳۰/۵ درصد است که از متوسط رشد سالانه اشتغال کل صنایع ۲۵/۷ درصد بیشتر است با توجه به طرح‌هایی که در جریان برنامه اول و دوم به اجرا گذاشته شده متوسط تعداد شغل‌های ایجاد شده در صنایع و نیروی صنایع نساجی در این دوره نسبت به دوره قبل به شدت افزایش یافته است به طوری که متوسط اشتغال سالانه صنایع نساجی و چرم به ۱۱۰۷۵ نفر و کل صنایع به ۵۵۱۱۵ نفر می‌رسد که هر دو تقریباً ۶ برابر متوسط دوره قبل است.

نماینده دیگر که وضعیت اشتغال پروانه بهره‌برداری صنایع نساجی و چرم در مقایسه با سایر صنایع نشان می‌دهد، سهم صنایع و چرم در ایجاد اشتغال پروانه بهره‌برداری است. این سهم در جدول شماره ۴ - ۲۴ به همراه رتبه صنایع نساجی نشان داده شده است. با توجه به محاسبات این جدول بیشترین سهم در دوره اول مربوط به سال ۱۳۶۷ با ۳۵/۸ درصد است و رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع مختلف به یک ارتقا یافته است. به طور کلی در این دوره متوسط سهم صنایع نساجی و چرم حدود ۱۹/۶ درصد و بین صنایع مختلف از نظر ایجاد اشتغال جدید صنعتی به طور متوسط از رتبه ۲ برخوردار است. در دو سال اول دوره دوم یعنی سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ مجدداً سهم صنایع نساجی افزایش یافته و در سال ۱۳۶۹ به ۵۳/۳ درصد می‌رسد که بیشترین سهم در کل دوران بعد از انقلاب اسلامی است. در این دو سال نیز همچنان صنایع نساجی و چرم در بین صنایع دارای رتبه اول است. اگر چه در سال‌های پایانی

دوره رتبه صنایع نساجی در بین صنایع دوباره به یک باز می‌گردد ولی هرگز سهم صنایع نساجی در بین صنایع از نظر اشتغال پروانه‌های بهره‌برداری به رقم سالهای اول اجرای برنامه اول توسعه نمی‌رسد. در هر حال در این دوره متوسط سالانه سهم صنایع نساجی و چرم در اشتغال جدید صنعتی بین صنایع مختلف نسبت به متوسط دوره قبل حدوداً ۵ درصد افزایش یافته و به ۲۵/۱ درصد می‌رسد. اما در این دوره نیز همچنان رتبه صنایع نساجی و چرم در حد ۲ باقی می‌ماند. با توجه به ارقام نماگر فوق، نقش اهمیت صنایع نساجی در ایجاد اشتغال جدید در دوره دوم یعنی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ در مقایسه با دوره اول بیشتر شده است. کل اشتغال ایجاد شده براساس پروانه بهره‌برداری صنایع نساجی و چرم در طول دوران بعد از انقلاب ۱۰۱۴۱۱ نفر بوده که تقریباً ۲۰ درصد کل اشتغال صنعتی ایجاد شده در این دوره یعنی ۵۰۴۳۸۲ نفر را تشکیل می‌دهد. و از این نظر صنایع نساجی و چرم در بین صنایع از رتبه دوم برخوردار است.

نماگر دیگری وضعیت اشتغال‌زایی طرحها و واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده را بهتر نشان می‌دهد. متوسط اشتغال پروانه بهره‌برداری است که از تقسیم تعداد کارکنان به تعداد پروانه بهره‌برداری به دست می‌آید. این نماگر نیز در جدول ۵ - ۴ محاسبه شده است. همانطور که در این جدول ملاحظه می‌شود در طول دوره اول مورد بررسی متوسط اشتغال هر پروانه بهره‌برداری در صنایع نساجی و چرم بسیار بیشتر از کل صنایع است. در این دوره متوسط سالانه این نماگر حدود ۲۴ نفر برای صنایع نساجی و ۱۳ نفر برای کل صنایع نساجی می‌باشد که از این نظر صنایع نساجی در بین صنایع مختلف دارای رتبه دوم است. در سالهای اول دوره دوم متوسط اشتغال پروانه‌های بهره‌برداری کل صنایع و صنایع نساجی بسیار افزایش یافته که به معنای افزایش اشتغال‌زایی واحدهای راه‌اندازی شده است. متوسط این نماگر در این دوره برای صنایع نساجی ۵۸ نفر و برای کل صنایع ۲۶ نفر می‌باشد که تقریباً دو برابر متوسط نماگر در دوره قبل است. بنابراین با توجه به نماگر متوسط اشتغال پروانه‌های بهره‌برداری نیز ملاحظه می‌شود که سمت‌گیری اشتغال‌زایی در طرحهای اجرا و به بهره‌برداری رسیده در دوره دوم مورد بررسی به شدت افزایش یافته است. به طور کلی در طول دوران بعد از انقلاب متوسط اشتغال‌زایی واحدهای به بهره‌برداری رسیده در صنایع نساجی و چرم (۳۷ نفر) نسبت به کل صنایع (۲۱ نفر) بیشتر که این امر در واقع از ماهیت کاربر بودن این صنایع نتیجه می‌شود. با توجه به مطالب فوق می‌توان به جرات گفت که اجرای طرحهای صنایع نساجی می‌تواند تا حدود زیادی حل معضل بیکاری مؤثر باشد. با راه‌اندازی هر واحد صنعت نساجی تعداد بیشتری از افراد نسبت به واحدهای صنعتی دیگر به کار گمارده می‌شوند. تنها صنعتی که گاهی با صنایع رقابت می‌کند صنایع کانی غیرفلزی است که این صنعت نیز از اشتغال‌زایی بالایی برخوردار است.^(۱)

۱- با این فرض که طرحهای بزرگ خودروسازی را در نظر نگیریم.

جدول ۵-۴ اشتغال براساس پروانه بهره‌برداری

رتبه صنایع نساجی	متوسط اشتغال پروانه بهره‌برداری - نفر		رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع	سهم صنایع نساجی و چرم	رشد اشتغال براساس پروانه بهره‌برداری - درصد		اشتغال براساس پروانه بهره‌برداری-نفر		سال
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم			کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	
۱	۲۵	۵۶	۲	۲۰/۲	—	—	۷۲۳	۳،۵۸۲	۱۳۵۸
۳	۲۲	۲۳	۱	۲۵/۷	۶۰/۳	۲۶/۰	۱،۱۵۹	۴،۵۱۵	۱۳۵۹
۱	۱۱	۲۰	۵	۸/۲	۵۹/۱	۲۷/۳	۴۷۴	۵،۷۴۶	۱۳۶۰
۱	۱۱	۲۲	۲	۱۷/۷	۲۴۳/۷	۶۰/۰	۱،۶۲۹	۹،۱۹۱	۱۳۶۱
۱	۱۱	۲۷	۲	۱۸/۵	۲/۹	۷/۲	۱،۵۸۲	۸،۵۳۳	۱۳۶۲
۱	۷	۱۷	۴	۱۲/۶	۳۲/۹	۰/۹	۱،۰۶۱	۸،۴۵۲	۱۳۶۳
۴	۷	۹	۳	۱۲/۴	۷/۳	۸/۵	۱،۱۳۸	۹،۱۷۱	۱۳۶۴
۲	۸	۱۵	۲	۱۸/۸	۳۴/۷	۱۱/۳	۱،۵۳۳	۸،۱۳۵	۱۳۶۵
۲	۱۱	۱۸	۱	۲۵/۹	۱۱۴/۰	۵۵/۵	۳،۲۸۰	۱۲،۶۵۰	۱۳۶۶
۱	۱۴	۳۱	۱	۳۵/۸	۴۶/۸	۶/۴	۴،۸۱۶	۱۳،۴۵۷	۱۳۶۷
—	—	—	۲	۲۰/۸	—	—	۱۷،۳۹۵	۸۳،۴۳۲	جمع اشتغال ۱۳۷۶ تا ۱۳۵۸
۲	۱۳	۲۴	۲	۱۹/۶	۴۵/۸	۱۸/۲	۱،۷۴۰	۸،۳۴۳	متوسط سالانه
۲	۳۲	۹۹	۱	۴۷/۹	۱۱۴/۵	۶۰/۱	۱۰،۳۲۹	۲۱،۵۴۴	۱۳۶۸
۱	۲۲	۹۵	۱	۵۳/۳	۳/۳	۷/۱	۱۰،۶۶۵	۲۰،۰۲۲	۱۳۶۹
۳	۱۸	۲۴	۳	۱۳/۱	۷۰/۳	۲۰/۹	۳،۱۶۳	۲۴،۲۰۷	۱۳۷۰
۱	۳۰	۸۷	۱	۲۳/۵	۱۰۳/۰	۱۲/۶	۶،۴۲۰	۲۷،۲۶۳	۱۳۷۱
۲	۳۶	۸۰	۲	۱۸/۳	۵۲/۰	۹۵/۴	۹،۷۶۰	۵۳،۲۷۶	۱۳۷۲
۲	۲۶	۳۰	۴	۸/۳	۱۳/۸	۸۹/۲	۸،۴۱۸	۱۰۰،۸۲۱	۱۳۷۳
۳	۲۴	۳۲	۱	۱۵/۸	۸۶/۵	۱/۸	۱۵،۶۹۹	۹۹،۰۵۲	۱۳۷۴
۱	۲۴	۴۱	۱	۲۶/۷	۴۴/۸	۱۴/۱	۲۲،۷۳۸	۸۵،۱۳۳	۱۳۷۵
۲	۲۱	۳۰	۱	۱۹/۳	۴۵/۱	۲۴/۰	۱۲،۴۷۹	۶۴،۷۲۱	۱۳۷۶
—	—	—	۲	۲۰/۱	—	—	۹۹،۶۷۱	۴۹۶،۰۳۹	جمع اشتغال ۱۳۷۶ تا ۱۳۶۸
۲	۲۶	۵۸	۲	۲۵/۱	۳۰/۵	۲۵/۷	۱۱،۰۷۵	۵۵،۱۱۵	متوسط سالانه
۲	۲۱	۳۷	۲	۲۰/۱	—	—	۱۰۱۴۱۱	۵۰۴۳۸۲	جمع اشتغال ۱۳۷۶ تا ۱۳۵۸

مأخذ: وزارت صنایع، سالنامه آماری صنعتی

نماگر سهم کارگاه در ایجاد اشتغال از نسبت تعداد کارکنان کارگاه به کل تعداد شاغلان کشور به دست می‌آید و نشان‌دهنده موقعیت کارگاه بر فعالیت بین فعالیتهای مختلف از نظر اشتغال‌زایی است. بدیهی است هر چه این نماگر برای فعالیتی بالاتر باشد، اشتغال‌زایی آن فعالیت نسبت به سایر فعالیتهای بالاتر است. اشتغال‌زایی فعالیتهای صنایع نساجی و چرم را نیز به وسیله این نماگر قابل سنجش است. برای اینکه آمار مورد استفاده در محاسبه این نماگر از یک سنخ بوده و نتایج حاصل با ارباب کمتری همراه باشد، از آمار اشتغال بانک مرکزی استفاده شده است. زیرا که تنها بانک مرکزی است که هم آمار تعداد شاغلان کارگاههای صنعتی را منتشر می‌کند و هم آمار اشتغال کل کشور را به صورت سری زمانی تا سال ۱۳۷۲ ارائه نموده است. نتایج این محاسبه در جدول ۵-۵ برای کارگاههای دارای بیش از ۵۰ نفر کارکن کل صنایع و صنایع نساجی و چرم آورده شده است. در طرح آمارگیری سال پایه ۵۳ که تا سال ۱۳۶۱ ادامه یافت، اشتغال‌زایی صنایع نساجی تقریباً ثابت است. ولی در کل صنایع این نماگر با افزایش بیشتری روبرو بوده است. در این دوره متوسط سهم ایجاد اشتغال برای صنایع نساجی و چرم ۰/۹۶ درصد و برای کل صنایع ۳/۱۲ درصد است. در بین صنایع نه گانه رتبه صنایع نساجی و چرم در کل دوره اول است. بنابراین بیشترین اشتغال‌زایی را نسبت به سایر صنایع داراست. در طرح آمارگیری با سال پایه ۱۳۶۱ که تا سال ۱۳۷۱ انجام گرفته، اشتغال‌زایی صنایع نساجی و چرم تا سال ۱۳۶۴ افزایش یافته و به ۱/۲۳ درصد می‌رسد که این مقدار بیشترین مقدار این نماگر در طول دوران مورد بررسی است. پس از این سال اشتغال‌زایی صنایع نساجی و چرم تا سال ۱۳۷۱ کاهش می‌یابد. این روند در مورد کل صنایع نیز مشاهده می‌شود. متوسط سهم ایجاد اشتغال صنایع نساجی و چرم و کل صنایع در این دوره به طور متوسط ۱/۱۲ درصد و ۳/۱۷ درصد است که بیشتر از متوسط دوره قبل است. در این دوره نیز صنایع نساجی و چرم بیشترین اشتغال‌زایی در صنایع را با رتبه یک داراست. بالاخره در دوره سوم مورد بررسی که طرح آمارگیری با سال پایه ۱۳۶۹ است، از سال ۱۳۷۰ به بعد نماگر سهم در ایجاد اشتغال در صنایع نساجی و نیز کل صنایع رو به کاهش می‌گذارد و در سال ۱۳۷۲ (آخرین سالی که آمار مربوط به کل شاغلان کشور توسط بانک مرکزی منتشر شده است) نسبت اشتغال‌زایی صنعت نساجی و چرم به ۰/۹۲ درصد و کل صنایع به ۳/۷۵ درصد محدود می‌شود. در این دوره به جز سال ۱۳۷۱ همچنان صنایع نساجی و چرم بیشترین سهم را در ایجاد اشتغال صنعتی کارگاههای بیش از ۵۰ نفر کارکن در بین صنایع نه گانه است.

جدول ۵-۵ سهم کارگاههای صنعتی با بیش از ۵ نفر کارکن در ایجاد اشتغال

رتبه صنایع نساجی و چرم	سهم در ایجاد اشتغال		سال
	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	

۱۳۵۳=۱۰۰

۱	۰/۹۹	۲/۷۶	۱۳۵۳
۱	۱/۰۱	۲/۹۷	۱۳۵۴
۱	۰/۹۹	۳/۰۸	۱۳۵۵
۱	۰/۹۱	۳/۰۷	۱۳۵۶
۱	۰/۸۷	۳/۰۵	۱۳۵۷
۱	۰/۹۶	۳/۲۶	۱۳۵۸
۱	۰/۹۷	۳/۲۹	۱۳۵۹
۱	۰/۹۸	۳/۲۸	۱۳۶۰
۱	۰/۹۹	۳/۳۵	۱۳۶۱
۱	۰/۹۶	۳/۱۲	متوسط سالانه

۱۳۶۱=۱۰۰

۱	۱/۱۳	۳/۸۸	۱۳۶۱
۱	۱/۱۷	۴/۱۰	۱۳۶۲
۱	۱/۱۹	۴/۲۴	۱۳۶۳
۱	۱/۲۳	۴/۳۷	۱۳۶۴
۱	۱/۲۰	۴/۱۶	۱۳۶۵
۱	۱/۱۶	۳/۹۴	۱۳۶۶
۱	۱/۱۴	۳/۹۱	۱۳۶۷
۱	۱/۰۸	۳/۸۰	۱۳۶۸
۱	۱/۰۵	۳/۷۹	۱۳۶۹
۱	۱/۰۴	۳/۸۵	۱۳۷۰
۱	۰/۹۷	۳/۶۰	۱۳۷۱
۱	۱/۱۲	۳/۹۷	متوسط سالانه

۱۳۶۹=۱۰۰

۱	۱/۱۰	۴/۳۱	۱۳۶۹
۱	۱/۱۱	۴/۴۲	۱۳۷۰
۲	۱/۰۴	۴/۲۲	۱۳۷۱
۱	۰/۹۲	۳/۷۵	۱۳۷۲
			۱۳۷۳
			۱۳۷۴
			۱۳۷۵
			۱۳۷۶
۱	۱/۰۴	۴/۱۸	متوسط سالانه

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران، نتایج بررسی کارگاههای صنعتی

میزان حقوق و دستمزد پرداختی یکی از معیارهای مهم در ارزیابی سطح معیشتی و رفاهی نیروی کار است. اگر چه معیارها و مشخصه‌های دیگری سطح رفاه و رضایتمندی نیروی کار را تعیین می‌کند اما در درجه اول و مهمترین عاملی که سبب می‌شود افراد به کار مشغول شوند کسب درآمد است. کسب درآمد بیشتر، به طور معمول انگیزه افراد را برای فعالیت بیشتر تشویق می‌کند. افزایش حقوق و دستمزد منطقی و متناسب با کارایی افراد سبب می‌شود افراد با اساس مسئولیت بیشتر کار کرده و در ضمن امکان ظهور و بروز خلاقیت در کار را فراهم شود. علاوه بر این اگر میزان حقوق پرداختی در حد تامین نیازهای مادی افراد باشد به گونه‌ای نیروی کار دغدغه‌ای از نظر تامین هزینه‌های زندگی نداشته باشد، در این صورت نیز با جدید و انگیزه کافی به کار خواهد پرداخت. در چنین حالتی است که بهره‌وری نیروی کار افزایش یافته و به دنبال آن افزایش کمی و کیفی تولید اتفاق خواهد افتاد. بنابراین وضعیت معیشتی و رفاهی و به عبارت بهتر قدرت خرید کارکنان از جمله موارد مهم در ارتقا تولید و شکوفایی صنایع به حساب می‌آید. از این رو در این قسمت با نشان دادن نماگرها و شاخصهایی وضعیت نسبی رفاهی نیروی کار شاغل در صنایع نساجی و چرم بررسی می‌شود. برای انجام این بررسی از آمار کارگاههای بیش از ۵۰ نفر کارکن بانک مرکزی و کارگاههای بیش از ۱۰ نفر کارکن مرکز آمار ایران استفاده شده که به طور جداگانه به بررسی آنها پرداخته شده است.

۵-۲-۱ وضعیت رفاهی کارکنان کارگاههای صنعتی دارای بیش از ۵۰ نفر کارکن

بررسی وضعیت رفاه و معیشتی نیروی کار شاغل در صنایع نساجی و چرم را نمی‌توان با میزان مزد و حقوق پرداختی به کارکنان شاغل در این کارگاهها مورد بررسی قرار داد و با سایر صنایع مقایسه نمود. زیرا همان طور که در قسمتهای قبل مشاهده شد نیروی کار شاغل در صنایع نساجی و چرم بالا بوده و همین مسئله میزان حقوق و دستمزد پرداختی کارگاههای صنایع نساجی و چرم را بالا می‌برد. و بنابراین نمی‌توان تغییرات و بالا بودن این آمار را در صنایع نساجی و چرم نشانه افزایش نسبی سطح معیشتی و رفاهی نیروی کار صنایع نساجی و چرم دانست. برای اجتناب از چنین اشتباهی از شاخص مزد و حقوق و مزایای پرداختی به کارکنان که توسط بانک مرکزی محاسبه و منتشر شده استفاده می‌شود. شاخص مزد و حقوق پرداختی به کارکنان برای هر یک از صنایع از تقسیم جمع حقوق و مزایای پرداختی به کارکنان و صنعت در سه ماهه مورد بررسی به متوسط سه ماهه مزد و حقوق و مزایای آن صنعت در سال پایه و ضرب در عدد ۱۰۰ به دست می‌آید. بدین ترتیب شاخص محاسبه شده میزان تغییرات مزد و حقوق پرداختی را نسبت به یک سال پایه نشان می‌دهد اگر میزان شاخص از ۱۰۰ بیشتر باشد به معنای افزایش مزد و حقوق پرداختی نسبت به سال پایه و اگر کمتر از ۱۰۰ باشد به معنای کاهش مزد و حقوق نسبت به سال پایه است.

جدول ۵-۵ اطلاعات شاخص مزد و حقوق پرداختی به کارکنان صنایع نساجی و چرم به همراه کل صنایع در سه طرح آمارگیری با سال پایه‌های ۱۳۵۳، ۱۳۶۱ و ۱۳۶۹ نشان می‌دهد. در طرح آمارگیری اول که از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۱ به اجرا گذاشته شده است شاخص مزد و حقوق پرداختی به کارکنان صنایع نساجی و چرم در تمام سالهای دوره

به جز دو سال ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ کمتر از کل صنایع است. متوسط سالانه این شاخص در دوره فوق برای صنایع نساجی حدود ۳۸۸ درصد و برای کل صنایع حدود ۴۰۰ درصد است.

نرخ تغییرات یا رشد شاخص برای صنایع نساجی و چرم در این دوره تا سال ۱۳۵۷ کمتر از کل صنایع است سپس تا پایان دوره این روند معکوس شده است. متوسط رشد دوره‌ای شاخص مزد و حقوق صنایع نساجی مرور ۳۲ درصد و کل صنایع ۳۰/۱ درصد است. بدین ترتیب میزان افزایش‌ها در میزان مزد و حقوق پرداختی به کارکنان صنایع نساجی در طول دوره کمی بیش از کل صنایع است. با وجود این افزایش‌ها در میزان مزد و حقوق صنایع نساجی و چرم در بین صنایع نه گانه در طول دوره از رتبه پایینی برخوردار است به طوری که متوسط رتبه صنایع نساجی و چرم از لحاظ این شاخص ۶ است که نشان‌دهنده این است که افزایش مزد و حقوق پرداختی به کارکنان در طول این دوران نسبت به سال پایه در بین صنایع نه گانه در مرتبه پایینی قرار دارد.

در دوره دوم سال پایه شاخصها از جمله شاخص مزد و حقوق سال ۱۳۶۱ است. در این دوره میزان افزایش سالانه شاخص مزد و حقوق کندتر از دوره قبل بوده و حتی در سال ۱۳۶۵ مقدار رشد سالانه شاخص منفی است. در این دوره هم میزان شاخص مزد و حقوق و مزایای پرداختی هم میزان رشد و تغییر سالانه شاخص در صنایع نساجی و چرم کمتر از کل صنایع است. متوسط سالانه شاخص فوق در دوره دوم برای صنایع نساجی ۱۹۱ درصد و برای کل صنایع ۲۰۶ درصد بوده و متوسط رشد سالانه شاخص برای صنایع نساجی ۱۵/۷ و برای کل صنایع ۱۷/۶ درصد است. بنابراین ملاحظه می‌شود که میزان مزد و حقوق پرداختی در صنایع نساجی و چرم به اندازه کل صنایع نسبت به سال ۱۳۶۱ افزایش نیافته است. رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع نه گانه تا سال ۱۳۶۷ از نظر این شاخص ۴ بوده که از سال ۱۳۶۸ به ۵ و سپس از سال ۱۳۶۹ به رتبه ۸ یعنی آخرین صنعت تنزل پیدا کرده است.

در دوره سوم که سال پایه شاخص به ۱۳۶۹ تغییر یافته، میزان شاخص مزد و حقوق کارکنان صنایع نساجی همچنان کمتر از کل صنایع بوده و میزان رشد یا تغییر سالانه شاخص نیز دارای همین وضعیت است. در این دوره میزان افزایش سالانه شاخص بیشتر از دوره دوم است. به طوری که متوسط افزایش سالانه شاخص در طول دوره برای صنایع نساجی و چرم حدود ۳۰ درصد و برای کل صنایع حدود ۳۴ درصد است. رتبه صنایع نساجی در بین صنایع نه گانه از لحاظ شاخص مزد و حقوق پرداختی به کارکنان در این دوره ابتدا تنزل نموده و سپس با یک رتبه ارتقا در سال ۱۳۷۶ به رتبه ۷ محدود شده است. متوسط رتبه فوق در دوره سوم نیز ۷ است که نشان‌دهنده این است که صنایع نساجی و چرم در بین ۸ صنعت موجود در طرح آمارگیری وضعیت بدتری از لحاظ شاخص مزد و حقوق پرداختی کارکنان دارد و در رتبه ماقبل آخر جای گرفته است.

جدول ۵-۶ شاخص مزد و حقوق و مزایای پرداختی به کارکنان کارگاههای با پیش از ۵۰ نفر کارکن (درصد)

سال	شاخص مزد و حقوق پرداختی		رشد شاخص مزد و حقوق پرداختی		رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	

۱۳۵۳=۱۰۰

۱۳۵۳	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	—	—	—
۱۳۵۴	۱۴۳/۶	۱۳۵/۰	۴۳/۶	۳۵/۰	۷
۱۳۵۵	۱۹۶/۳	۱۷۰/۴	۳۶/۷	۲۶/۲	۷
۱۳۵۶	۲۵۰/۳	۱۹۹/۲	۲۷/۵	۱۶/۹	۸
۱۳۵۷	۳۱۳/۱	۲۴۴/۸	۲۵/۱	۲۲/۹	۸
۱۳۵۸	۵۲۶/۷	۴۹۴/۹	۶۸/۲	۱۰۲/۲	۶
۱۳۵۹	۶۲۰/۳	۶۱۵/۹	۱۷/۸	۲۴/۴	۵
۱۳۶۰	۶۸۳/۴	۶۹۱/۱	۱۰/۲	۱۲/۲	۵
۱۳۶۱	۷۶۲/۶	۷۸۳/۸	۱۱/۶	۱۳/۴	۵
متوسط سالانه	۳۹۹/۶	۳۸۱/۷	۳۰/۱	۳۱/۷	۶

۱۳۶۱=۱۰۰

۱۳۶۱	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	—	—	—
۱۳۶۲	۱۱۷/۲	۱۱۴/۲	۱۷/۲	۱۴/۲	۴
۱۳۶۳	۱۳۲/۶	۱۲۸/۵	۱۳/۱	۱۲/۵	۵
۱۳۶۴	۱۴۹/۰	۱۴۴/۹	۱۲/۳	۱۲/۸	۴
۱۳۶۵	۱۴۴/۰	۱۴۴/۳	-۳/۳	-۰/۴	۴
۱۳۶۶	۱۵۵/۲	۱۵۸/۰	۷/۸	۹/۵	۴
۱۳۶۷	۱۷۸/۷	۱۷۷/۹	۱۵/۱	۱۲/۶	۴
۱۳۶۸	۱۹۹/۷	۱۹۱/۵	۱۱/۸	۷/۶	۵
۱۳۶۹	۲۴۴/۸	۲۱۵/۷	۲۲/۶	۱۲/۶	۸
۱۳۷۰	۳۶۵/۳	۳۱۹/۹	۴۹/۲	۴۸/۳	۸
۱۳۷۱	۴۷۵/۰	۴۰۷/۹	۳۰/۰	۲۷/۵	۸
متوسط سالانه	۲۰۶	۱۹۱	۱۷/۶	۱۵/۷	۵

۱۳۶۹=۱۰۰

۱۳۶۹	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	—	—	—
۱۳۷۰	۱۴۶/۱	۱۴۶/۳	۴۶/۱	۴۶/۳	۵
۱۳۷۱	۱۹۳/۶	۱۸۹/۴	۳۲/۵	۲۹/۵	۶
۱۳۷۲	۲۴۶/۶	۲۲۸/۲	۲۷/۴	۲۰/۵	۸
۱۳۷۳	۳۱۰/۳	۲۸۱/۴	۲۵/۸	۲۳/۳	۸
۱۳۷۴	۴۲۸/۱	۳۷۳/۶	۳۸/۰	۳۲/۸	۸
۱۳۷۵	۵۸۶/۰	۴۸۶/۹	۳۶/۹	۳۰/۳	۷
۱۳۷۶	۷۶۲/۶	۶۱۶/۸	۳۰/۱	۲۶/۷	۷
متوسط سالانه	۳۴۶/۷	۳۰۲/۸	۳۳/۸	۲۹/۹	۷

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران، نتایج بررسی کارگاههای صنعتی

نماگر دیگری که وضعیت رفاه یا معیشتی کارکنان صنایع نساجی را در بین صنایع مختلف توضیح می‌دهد، مزد و حقوق و مزایای سرانه کارکنان است که از تقسیم مزد و حقوق پرداختی کارکنان به تعداد کارکنان به دست می‌آید. این نماگر به ارزشهای جاری و ثابت محاسبه می‌شود. در جدول ۵-۷ اطلاعات مزد و حقوق سرانه با قیمت ثابت آورده شده است که به آن مزد و حقوق سرانه کارکنان بعد از تعدیل نیز گفته می‌شود. از آنجا که اطلاعات مربوط به طرح اول آمارگیری کارگاههای بزرگ صنعتی با سال پایه ۱۳۵۳ در دسترس نبوده فقط به بررسی اطلاعات مربوط به دو طرح دیگر آمارگیری پرداخته می‌شود.

در سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۱ که طرح آمارگیری با سال پایه ۱۳۶۹ به اجرا گذاشته شده همواره مزد و حقوق سرانه کارکنان هم برای صنایع نساجی و چرم و هم برای گل صنایع روندی کاهشی داشته به طوری که مزد و حقوق سرانه کارکنان صنایع نساجی از ۶۸۱ هزار ریال به نفر در سال ۱۳۶۱ به مرور کاهش یافته و به ۳۷۵ هزار ریال به نفر در سال ۱۳۶۸ و سپس مجدداً رو به افزایش گذارده به ۵۲۹ هزار ریال به نفر در سال ۱۳۷۱ رسیده است. این وضعیت برای کل صنایع نیز مشاهده می‌شود. با این تفاوت که میزان کاهش‌ها کمتر است. متوسط رشد مزد و حقوق سرانه کارکنان بعد از تعدیل در این دوره برای کل صنایع ۰/۲- درصد و برای صنایع نساجی و چرم حدود ۱/۸- درصد است. صنایع نساجی و چرم در بین هشت صنعت موجود در طرح آمارگیری تا سال ۱۳۶۸ دارای رتبه ۷ و از سال ۱۳۶۸ به بعد به آخرین صنعت از نظر مزد و حقوق سرانه تنزل یافته است. در دوره سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۶ که طرح آمارگیری با سال پایه ۱۳۶۹ به اجرا گذاشته است نیز میزان مزد و حقوق سرانه کارکنان صنایع نساجی کمتر از کل صنایع است. متوسط مزد و حقوق سرانه کارکنان در صنایع نساجی و چرم ۱۷۶۸ هزار ریال در ازای هر نفر و در کل صنایع ۲۲۰۶ هزار ریال در ازای هر نفر است. در این دوره میزان مزد و حقوق سرانه به جز دو سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ افزایش یافته است به طوری که متوسط رشد سالانه مزد و حقوق سرانه برای کل صنایع ۳/۹ درصد برای صنایع نساجی و چرم ۲/۲ درصد بوده است. در این دوره نیز صنایع نساجی و چرم در بین صنایع نه گانه آخرین مرتبه از نظر مزد و حقوق سرانه کارکنان را داراست.

به طور خلاصه باید گفت که مزد و حقوق سرانه پرداختی به عنوان معیاری از سطح معیشت و رفاه نیروی کار در صنایع نساجی و چرم در طول سالهای مورد بررسی به ویژه سالهای پایانی دوره کاهش یافته و در مقام مقایسه این صنایع نسبت به سایر صنایع در پایین‌ترین رتبه قرار دارد. بنابراین در واقع در طول زمان از قدرت خرید کارکنان صنایع نساجی کاسته شده است. علت پایین بودن سطح حقوق و دستمزد در صنایع نساجی را عواملی چون کاربر بودن این صنایع، قدیمی بودن شیوه تولید در اکثر کارگاههای نساجی و غیرماهر بودن قسمت عمده کارگران این صنایع برمی‌شمارند. که به نظر می‌رسد به واسطه پایین بودن حقوق و دستمزد سرانه این کارگاهها، علت اصلی به غیر ماهر بودن کارگران کارگاهها و پایین بودن نرخ دستمزدها در این صنایع برگردد. در هر صورت وضعیت رفاهی کارکنان صنایع نساجی نسبت به سایر صنایع بدتر است.

جدول ۷-۵ مزد و حقوق و مزایای پرداختی سرانه کارکنان بعد از تعدیل کارگاههای با بیش از ۵۰ نفر کارکن (درصد)

سال	شاخص مزد و حقوق پرداختی		رشد شاخص مزد و حقوق پرداختی		رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	

۱۳۶۱=۱۰۰

۱۳۶۱	۷۶۱	۶۸۱	—	—	۷
۱۳۶۲	۷۰۰	۶۲۶	-۸/۲	-۸/۱	۷
۱۳۶۳	۶۷۶	۶۰۸	-۳/۴	-۲/۸	۷
۱۳۶۴	۷۰۸	۶۴۶	۴/۷	۶/۱	۷
۱۳۶۵	۵۸۹	۵۴۰	-۱۶/۸	-۱۶/۳	۷
۱۳۶۶	۵۰۸	۴۶۴	-۱۳/۷	-۱۴/۱	۷
۱۳۶۷	۴۴۵	۴۰۰	-۱۲/۴	-۱۳/۷	۷
۱۳۶۸	۴۲۳	۳۷۵	-۴/۹	-۶/۴	۷
۱۳۶۹	۴۹۴	۴۰۵	۱۶/۹	۸/۰	۸
۱۳۷۰	۵۹۱	۴۹۴	۱۹/۶	۲۱/۹	۸
۱۳۷۱	۶۸۷	۵۲۹	۱۶/۱	۷/۲	۸
متوسط سالانه	۵۹۸	۵۲۴	-۰/۲	-۱/۸	۷

۱۳۶۹=۱۰۰

۱۳۶۹	۱،۸۹۵	۱،۵۹۴	—	—	۷
۱۳۷۰	۲،۱۵۷	۱،۸۵۵	۱۳/۸	۱۶/۴	۸
۱۳۷۱	۲،۲۶۴	۱،۹۲۶	۵/۰	۳/۸	۸
۱۳۷۲	۲،۳۷۹	۱،۹۴۱	۵/۱	۰/۸	۸
۱۳۷۳	۲،۲۴۵	۱،۷۸۵	-۵/۶	-۸/۰	۸
۱۳۷۴	۲،۰۵۳	۱،۵۸۷	-۸/۶	-۱۱/۱	۸
۱۳۷۵	۲،۲۳۲	۱،۶۵۶	۸/۷	۴/۳	۸
۱۳۷۶	۲،۴۲۵	۱،۸۰۳	۸/۶	۸/۹	۸
متوسط سالانه	۲،۲۰۶	۱،۷۶۸	۳/۹	۲/۲	۸

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران، نتایج بررسی کارگاههای صنعتی

۲-۲-۵ وضعیت رفاهی کارکنان کارگاههای دارای بیش از ۱۰ نفر کارکن

مزد و حقوق پرداختی به نیروی کار شاغل در کارگاههای دارای بیش از ۱۰ نفر کارکن در جداول آماری مرکز آمار تحت عنوان جبران خدمات مزد و حقوق بگیران آورده شده است. علت به کار بردن این اصطلاح برای این است که عده‌ای از شاغلان در کارگاههای صنعتی تحت عنوان کارگران فامیلی، مالکین و شرکاء مزد و حقوق دریافت نمی‌دارند. در ضمن مرکز آمار ایران ارقام این آمار را با قیمتها یا ارزشهای جاری ارائه می‌نماید. در جدول ۵-۸ مجموعه اطلاعات مربوط به جبران خدمات مزد و حقوق بگیران صنایع و صنایع نساجی و چرم طی سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۴ آورده شده است. در سه سال قبل از انقلاب یعنی سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ (سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ طرح آمارگیری اجرا نشده است)، جبران خدمات مزد و حقوق بگیران در صنایع نساجی و چرم و در کل صنایع به یک اندازه

افزایش یافته و تقریباً در طول این سه سال به طور متوسط سالانه ۲۴ درصد افزایش یافته است. متوسط سهم صنایع نساجی و چرم از میزان جبران خدمات حدود ۲۲/۸ درصد است که از این نظر در بین صنایع نه گانه رتبه اول را داراست. این امر به واسطه کاربر بودن این صنایع و تعداد زیادتر مزد و حقوق‌بگیران آن نسبت به سایر صنایع طبیعی به نظر می‌رسد. در دوره دوم که سالهای پس از انقلاب تا پایان جنگ تحمیلی یعنی سال ۱۳۶۷ را شامل می‌شود با وجود اینکه رشد سالانه جبران خدمات مزدبگیران صنایع در تمام سالهای دوره بیشتر از کل صنایع نیست اما متوسط رشد سالانه آن در این دوره برای صنایع نساجی ۱۷/۴ درصد و برای کل صنایع ۱۴/۴ درصد است. در سال ۱۳۶۰، صنایع نساجی و چرم بیشترین سهم در جبران خدمات مزد و حقوق‌بگیران کل صنایع با ۲۶/۳ درصد داراست. پس از سال ۱۳۶۰ به واسطه عدم رشد جبران خدمات مزدبگیران به اندازه سایر صنایع این سهم کاهش یافته است. متوسط سهم صنایع نساجی و چرم در جبران خدمات مزدبگیران کارگاههای صنعتی بیش از ۱۰ نفر کارکن حدود ۲۴ درصد است و از این نظر با وجود نوسانهایی صنایع نساجی و چرم در بین صنایع نه گانه همچنان دارای بیشترین سهم بوده و دارای رتبه اول بین صنایع نه گانه است. در دوره سوم یعنی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲، رشد جبران خدمات در صنایع نساجی و چرم در تمام سالها کمتر از کل صنایع است. متوسط سالانه رشد جبران خدمات در این دوره برای صنایع نساجی حدود ۲۵ درصد و برای کل صنایع حدود ۳۰ درصد است. بنابراین وضعیت معیشتی نیروی کار صنایع نساجی و چرم در این دوره نسبت به کل صنایع افزایش پیدا نکرده است. همین مسئله سبب شده تا در این دوره سهم صنایع نساجی و چرم در جبران خدمات مزدبگیران روندی کاهشی باشد و از ۲۴/۲ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۱۹/۸ درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش یابد. این مقدار کمترین میزان این نماگر در طول دوران مورد بررسی است. متوسط سالانه این نماگر نیز در این دوره حدود ۲۱/۶ درصد است که از متوسط دو دوره قبل کمتر است. صنایع نساجی و چرم که تا دوره قبل رتبه اول از لحاظ پرداخت مزد و حقوق و مزایای مزدبگیران را داشته در دوره اخیر جایگاه خود را از دست داده و به رتبه دوم تنزل پیدا می‌کند. در مجموع از این نماگرها استنباط می‌شود که در سالهای اخیر وضعیت معیشتی و درآمدی کارکنان صنایع نساجی به واسطه رکود حاکم بر این صنایع نسبت به سایر صنایع بدتر شده است.

جدول ۵-۸ جبران خدمات مزد و حقوق‌گیران کارگاههای صنعتی دارای بیش از ۱۰ نفر کارکن

سال	جبران خدمات مزدگیران - میلیون ریال		رشد جبران خدمات مزدگیران - درصد		سهم صنایع نساجی	
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	و چرم - درصد	رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع
۱۳۵۳	۵۷,۹۰۲	۱۳,۰۷۱	—	—	۲۲/۶	۱
۱۳۵۴	۶۴,۱۱۱	۱۴,۹۹۶	۱۰/۷	۱۴/۷	۲۳/۴	۱
۱۳۵۵	۸۸,۷۸۷	۱۹,۹۸۶	۳۸/۵	۳۳/۳	۲۲/۵	۱
۱۳۵۶	—	—	—	—	—	—
۱۳۵۷	—	—	—	—	—	—
متوسط سالانه	۷۰,۲۶۷	۱۶,۰۱۸	۲۴/۶	۲۴/۰	۲۲/۸	۱
۱۳۵۸	۲۴۹,۳۴۰	۴۹,۹۱۴	—	—	۲۰/۰	۲
۱۳۵۹	۳۲۵,۱۵۵	۷۴,۷۳۶	۳۰/۴	۴۹/۷	۲۳/۰	۱
۱۳۶۰	۳۵۲,۸۹۱	۹۲,۸۴۳	۸/۵	۲۴/۲	۲۶/۳	۱
۱۳۶۱	۴۱۶,۴۳۴	۱۰۳,۴۵۶	۱۸/۰	۱۱/۴	۲۴/۸	۱
۱۳۶۲	۴۹۷,۳۵۷	۱۱۷,۸۶۴	۱۹/۴	۱۳/۹	۲۳/۷	۲
۱۳۶۳	۵۶۱,۳۳۲	۱۳۱,۸۹۳	۱۲/۹	۱۱/۹	۲۳/۵	۲
۱۳۶۴	۵۹۳,۰۵۵	۱۴۰,۲۰۶	۵/۷	۶/۳	۲۳/۶	۲
۱۳۶۵	۵۷۸,۷۰۹	۱۴۰,۰۹۱	-۲/۴	-۰/۱	۲۴/۲	۱
۱۳۶۶	۸۸۸,۷۷۹	۲۱۳,۷۳۵	۵۳/۶	۵۲/۶	۲۴/۰	۱
۱۳۶۷	۷۴۵,۸۰۸	۱۸۴,۳۴۷	-۱۶/۱	-۱۳/۷	۲۴/۷	۱
متوسط سالانه	۵۲۰,۸۸۶	۱۲۴,۹۰۸	۱۴/۴	۱۷/۴	۲۳/۸	۱
۱۳۶۸	۸۹۷,۶۶۲	۲۱۷,۱۸۸	۲۰/۴	۱۷/۸	۲۴/۲	۱
۱۳۶۹	۱,۰۷۱,۴۳۵	۲۳۴,۰۳۰	۱۹/۴	۷/۸	۲۱/۸	۲
۱۳۷۰	۱,۵۷۱,۲۴۶	۳۳۹,۹۳۸	۴۶/۶	۴۵/۳	۲۱/۶	۲
۱۳۷۱	۲,۱۷۲,۳۱۳	۴۵۱,۴۹۵	۳۸/۳	۳۲/۸	۲۰/۸	۲
۱۳۷۲	۲,۷۵۱,۴۲۶	۵۴۴,۲۴۱	۲۶/۷	۲۰/۵	۱۹/۸	۲
۱۳۷۳						
۱۳۷۴						
متوسط سالانه	۱,۶۹۲,۸۱۶	۳۵۷,۳۷۸	۳۰/۳	۲۴/۸	۲۱/۶	۲

مأخذ: مرکز آمار ایران، آمارگیری از کارگاههای صنعتی

نماگر دیگری که با استفاده از اطلاعات مرکز آمار برای بررسی دقیق تر وضعیت درآمد نسبی کارکنان صنایع نساجی و چرم قابل محاسبه است. نماگر جبران خدمات سرانه مزد و حقوق بگيران است. این نماگر برای صنایع و کل صنایع کشور از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۲ محاسبه شده و در جدول ۵-۹ در سه دوره زمانی طبقه بندی شده است. همان طور که در این جدول مشاهده می شود دوره اول یعنی سالهای قبل از انقلاب جبران خدمات سرانه به طور متوسط سالانه ۱۳۹ هزار ریال به نفر برای صنایع نساجی و چرم و ۱۸۵ هزار ریال به نفر برای کل صنایع است که از این نظر صنایع نساجی در بین صنایع نه گانه رتبه هفتم را داراست. در این دوره رشد جبران خدمات سرانه این صنایع بیشتر از کل صنایع است که باعث شده موقعیت صنایع نساجی در بین صنایع نه گانه از رتبه ۸ در سال ۱۳۵۳ به ۷ در سال ۱۳۵۵ ارتقا یابد. در دوره دوم مورد بررسی (۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷)، روند صعودی جبران خدمات سرانه مزدبگیران حفظ شده به طوری که متوسط رشد جبران خدمات سرانه صنایع نساجی و چرم حدود ۱۰ درصد و کل صنایع حدود ۸/۵ درصد است. رتبه و موقعیت صنایع نساجی و چرم تا سال ۱۳۶۴ از نظر جبران خدمات سرانه اندکی بهبود یافته ولی دوباره این رتبه کاهش یافته و در سال ۱۳۶۷ (سال پایانی دوره) در حد رتبه هفتم بین صنایع نه گانه باقی مانده است. متوسط رتبه صنایع نساجی در بین صنایع نه گانه در این دوره با یک رتبه ارتقا نسبت به دوره قبل به ۶ می رسد. در دوره سوم میزان رشد جبران خدمات سرانه مزدبگیران بیشتر از دوره قبل است به طوری که متوسط رشد سالانه این نماگر برای کل صنایع حدود ۳۲/۲ درصد و برای صنایع نساجی کمی کمتر یعنی حدود ۲۸/۵ درصد است. متوسط مقدار جبران خدمات سرانه کل صنایع حدود ۲۷۲۴ هزار ریال به نفر و صنایع نساجی ۲۳۲۴/۳ هزار ریال به نفر برای صنایع نساجی یعنی حدود سه برابر متوسط دوره قبل است. علت عمده این افزایش، افزایش نرخ تورم طی این سالهاست (نماگر با قیمتهای جاری محاسبه شده است). با وجود این افزایشها، وضعیت صنایع نساجی و چرم در بین صنایع نه گانه بدتر شده به طوری که رتبه این صنایع در ابتدای دوره ۵ بوده که در سال ۱۳۶۹ به ۷ و سپس در سال ۱۳۷۰ به هشتمین صنعت و دوباره در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ به هفتمین صنعت در بین صنایع نه گانه تبدیل شده است. به طور متوسط رتبه صنایع نساجی و چرم در این دوره با یک رتبه تنزل نسبت به متوسط دوره قبل به رتبه ۷ تنزل پیدا کرده است.

به طور خلاصه با توجه به نماگرهای محاسبه شده هم در کارگاههای بیش از ۵۰ نفر کارکن و هم در کارگاههای بیش از ۱۰ نفر کارکن نیروی کار صنایع نساجی و چرم درآمد و حقوق کمتری نسبت به سایر صنایع دریافت می دارد. بنابراین وضعیت رفاهی کارکنان آن در مقایسه با سایر صنایع از درجه پایین تری برخوردار است. و این وضعیت در سالهای اخیر شدت بیشتری پیدا کرده است.

جدول ۵-۹ جبران خدمات سرانه مزد و حقوق بگیران کارگاههای پیش از ۱۰ نفر کارکن

سال	جبران خدمات سرانه مزدگیران - هزار ریال به نفر		رشد جبران خدمات سرانه مزدگیران - درصد		رتبه صنایع نساجی و چرم
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	
۱۳۵۳	۱۵۲/۵	۹۸/۶	—	—	۸
۱۳۵۴	۱۷۷/۷	۱۳۷/۲	۱۶/۵	۳۹/۱	۷
۱۳۵۵	۲۲۴/۵	۱۸۲/۰	۲۶/۴	۳۲/۷	۷
۱۳۵۶	—	—	—	—	—
۱۳۵۷	—	—	—	—	—
متوسط سالانه	۱۸۵	۱۳۹	۲۱/۴	۳۵/۹	۷
۱۳۵۸	۶۰۱/۵	۵۱۰/۸	—	—	۶
۱۳۵۹	۶۸۶/۶	۶۵۱/۵	۱۴/۲	۲۷/۶	۵
۱۳۶۰	۷۲۵/۵	۶۸۳/۲	۵/۷	۴/۹	۵
۱۳۶۱	۷۷۲/۷	۷۴۸/۸	۶/۵	۹/۶	۶
۱۳۶۲	۸۷۷/۰	۸۳۱/۳	۱۳/۵	۱۱/۰	۶
۱۳۶۳	۹۴۶/۱	۹۰۹/۰	۷/۹	۹/۳	۵
۱۳۶۴	۱،۰۲۶/۱	۹۷۵/۲	۸/۵	۷/۳	۶
۱۳۶۵	۱،۰۳۵/۳	۹۷۳/۴	۰/۹	-۰/۲	۷
۱۳۶۶	۸۷۲/۰	۷۹۲/۸	-۱۵/۸	-۱۸/۶	۷
۱۳۶۷	۱،۱۸۲/۴	۱،۰۹۲/۴	۳۵/۶	۳۷/۸	۷
متوسط سالانه	۸۷۳	۸۱۷	۸/۵	۹/۹	۶
۱۳۶۸	۱،۳۶۲/۷	۱،۲۶۰/۰	۱۵/۲	۱۵/۳	۵
۱۳۶۹	۱،۶۲۶/۱	۱،۴۷۵/۳	۱۹/۳	۱۷/۱	۷
۱۳۷۰	۲،۵۱۷/۷	۲،۲۱۰/۹	۵۴/۸	۴۹/۹	۸
۱۳۷۱	۳،۴۸۲/۰	۲،۹۴۲/۰	۳۸/۳	۳۳/۱	۷
۱۳۷۲	۴،۶۳۳/۷	۳،۷۳۳/۵	۳۳/۱	۲۶/۹	۷
۱۳۷۳					
۱۳۷۴					
متوسط سالانه	۲،۷۲۴/۴	۲،۳۲۴/۳	۳۲/۲	۲۸/۵	۷

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران، نتایج بررسی کارگاههای صنعتی

۵-۲-۳ بازدهی تولید کارگاههای صنعتی دارای بیش از ۱۰ نفر کارکن

بازدهی تولید عبارت از نسبت ارزش مزد و حقوق پرداختی به کارکنان به ارزش افزوده است. این نماگر به این معنی است که چه مقدار از ارزش افزوده فعالیت بین نیروی کار توزیع شده است. در واقع این نماگر یکی از معیارهای سنجش رفاه نیروی کار است. و بالا بودن آن بیانگر این است که درصد قابل توجهی از ارزش افزوده میان نیروی کار توزیع می شود و از مقدار معینی تولید درصد بیشتری از افراد جامعه از آن برخوردار می شوند. افزایش بازدهی تولید ممکن است موجبات کند شدن روند تشکیل سرمایه ثابت برای گسترش فعالیتهای صنعتی نساجی شده و انگیزه

سرمایه‌گذاران را برای سرمایه‌گذاری و مشارکت در این صنعت کاهش دهد ولی در مجموع رفاه عمومی جامعه و میزان برخورداری عمومی از تولید افزایش یافته و گامی در جهت توزیع ثروت در جامعه است.

در جدول ۵-۱۰ نماگر بازدهی تولید با استفاده از ارقام ارزش افزوده و ارزش مزد و حقوق هم قیمت جاری کارگاههای صنعتی بیش از ۱۰ نفر کارکن طرحهای آمارگیری مرکز آمار ایران محاسبه شده است. در دوره اول مورد بررسی بازدهی تولید در صنایع نساجی و چرم بیشتر از کل صنایع بوده و رتبه آن در بین صنایع، رتبه اول است. متوسط بازدهی تولید در این دوره برای صنایع نساجی $41/6$ درصد و برای کل صنایع $30/6$ درصد است. در دوره دوم مورد بررسی (۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷) بازدهی تولید صنایع نساجی و چرم روندی کاهشی داشته و از $78/5$ درصد در سال ۱۳۵۸ به $28/2$ درصد در سال ۱۳۶۷ کاهش یافته است. این کاهش سبب شده تا صنایع در بین صنایع نه گانه رتبه و جایگاه اول خود را از دست بدهد و حتی در سال ۱۳۶۷ به رتبه ۵ تنزل یابد. این دوره با وجود کاهش در بازدهی صنایع نساجی و چرم، متوسط بازدهی تولید صنایع نساجی حدود $57/6$ درصد است که از مقدار کل صنایع ($52/2$ درصد) بیشتر است. متوسط رتبه این صنعت در بین صنایع نه گانه رتبه ۳ است. در دوره سوم که از سال ۱۳۶۸ آغاز می‌شود بازدهی تولید صنایع نساجی و کل صنایع در سال ۱۳۶۹ کاهش یافته و سپس از سال ۱۳۷۰ به بعد این نماگر روندی صعودی را تجربه نموده است. میزان افزایش بازدهی تولید در صنایع نساجی و چرم بیشتر از کل صنایع است. این مسئله سبب شده تا دوباره رتبه این صنایع در بین صنایع نه گانه افزایش و به رتبه اول ارتقا یابد. متوسط بازدهی تولید در این دوره برای صنایع نساجی $43/6$ درصد و برای کل صنایع $31/8$ درصد بوده و رتبه صنایع نساجی نیز به طور متوسط در بین صنایع نه گانه ۲ است.

به طور خلاصه باید گفت که بالا بودن بازدهی تولید در صنایع نساجی به معنای این است که سهم بیشتری از ارزش افزوده در بین نیروی کار به عنوان مزد و حقوق توزیع می‌شود. به طوری که در سال ۱۳۷۲ حدود ۶۲ درصد ارزش افزوده ایجاد شده در صنعت نساجی به کارکنان این صنعت تعلق گرفته است. بنابراین می‌توان صنعت نساجی را به عنوان صنعتی تلقی کرد که به واسطه کاربر بودن آن اثرات توزیعی بالا در ثروتهای جامعه دارد.

جدول ۵-۱۰ بازدهی تولید کارگاههای صنعتی بیش از ۵۰ نفر کارکن

سال	بازدهی تولید - درصد، به قیمت جاری		رتبه صنایع نساجی و چرم
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	
۱۳۵۳	۳۰/۸	۳۸/۶	۱
۱۳۵۴	۳۱/۴	۴۲/۹	۱
۱۳۵۵	۲۹/۷	۴۳/۲	۱
۱۳۵۶	—	—	—
۱۳۵۷	—	—	—
متوسط سالانه	۳۰/۶	۴۱/۶	۱
۱۳۵۸	۷۰/۴	۷۸/۵	۲
۱۳۵۹	۵۶/۸	۶۸/۶	۲
۱۳۶۰	۴۵/۳	۶۰/۸	۲
۱۳۶۱	۵۴/۰	۵۳/۶	۴
۱۳۶۲	۵۴/۳	۵۵/۶	۴
۱۳۶۳	۵۵/۰	۶۰/۰	۳
۱۳۶۴	۵۹/۳	۶۵/۱	۲
۱۳۶۵	۶۱/۰	۶۲/۶	۴
۱۳۶۶	۳۸/۵	۴۳/۲	۲
۱۳۶۷	۲۷/۴	۲۸/۲	۵
متوسط سالانه	۵۲/۲	۵۷/۶	۳
۱۳۶۸	۲۶/۲	۲۹/۰	۴
۱۳۶۹	۲۲/۶	۲۴/۰	۳
۱۳۷۰	۳۵/۴	۴۵/۷	۲
۱۳۷۱	۳۷/۲	۵۷/۲	۱
۱۳۷۲	۳۷/۳	۶۲/۱	۱
۱۳۷۳			
۱۳۷۴			
متوسط سالانه	۳۱/۸	۴۳/۶	۲

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران، نتایج بررسی کارگاههای صنعتی

۵-۳ وضعیت تحصیلی کارکنان

میزان آموزش و تحصیلات یکی از معیارها در سنجش کیفیت و کارایی نیروی کار است و هر چه میزان تحصیلات نیروی کار بیشتر باشد قابلیت‌های فرد برای دریافت آموزش و انجام صحیح‌تر کارها بیشتر است. علاوه بر این سطح کیفی تحصیلات نیروی کار نیز در ارتقا قابلیت‌ها و کارایی نیروی کار تاثیر مستقیم دارد. بنابراین با بررسی نماگرهای وضعیت تحصیلی نیروی کار تصویر کلی از سطح کیفی و قابلیت‌های نیروی کار به دست می‌آید. به منظور بررسی سطح کیفی کارکنان صنایع نساجی و چرم و مقایسه آن با سایر صنایع در جدول ۵-۱۱ نماگرهای مربوط به

وضعیت تحصیلی نیروی کار برای سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ محاسبه شده است. (این نماگرها بر مبنای تنها اطلاعات موجود و منتشره در زمینه وضعیت تحصیلی نیروی کارگاههای صنعتی بیش از ۱۰ نفر کارکن است).

نماگر درصد شاغلان دایمی با سواد کارگاههای صنعتی دارای بیش از ۱۰ نفر کارکن صنایع نساجی و چرم در سال ۱۳۶۸ حدود ۷۷ درصد بوده که ۸۳/۶ درصد در سال ۱۳۷۰ افزایش یافته است. مقدار و روند این نماگر برای کل صنایع نیز تقریباً مشابه صنایع نساجی و چرم است. بنابراین کارگاههای صنعت نساجی و چرم از لحاظ برخورداری از شاغلان با سواد با کل صنایع تقریباً برابر بوده و از این نظر ساختاری مشابه کل صنایع دارد.

نماگر دیگری که سطح کیفی تحصیلات نیروی کار را با توجه به مدرک تحصیلی مشخص می‌کند، نماگر سطح تحصیلات است. برای محاسبه نماگر سطح تحصیلات، از فرمول زیر استفاده می‌شود:

$$\text{نماگر سطح تحصیلات} = n_1 \times 1 + n_2 \times 2 + n_3 \times 3 + n_4 \times 4 + n_5 \times 5 + n_6 \times 6$$

که در آن :

n_1 درصد کارکنان با تحصیلات ابتدایی،

n_2 درصد کارکنان با تحصیلات پایان دوره ابتدایی،

n_3 درصد کارکنان با تحصیلات راهنمایی و متوسطه،

n_4 درصد کارکنان با تحصیلات پایان دوره متوسطه،

n_5 درصد کارکنان با تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس و

n_6 درصد کارکنان با تحصیلات فوق لیسانس و دکتری است و اعداد ۱ تا ۶ به ترتیب وزنهایی است که برای هر یک از مدارک و مدارج تحصیلی در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب هر چه این نماگر به عدد ۶ نزدیکتر باشد، سطح تحصیلات بالاتر و هر چه به یک نزدیکتر باشد سطح تحصیلات پایینتر است. این نماگر با روشی که گفته شد در جدول ۵-۱۰ محاسبه شده است. همان طور که در این جدول مشاهده می‌شود این نماگر برای صنایع نساجی و چرم در سال ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ حدود ۱/۹۳ و در سال ۱۳۷۰ حدود ۱/۹۶ است که نشان دهنده پایین بودن سطح تحصیلی نیروی باسواد شاغل در صنایع نساجی است. این وضعیت در مورد کل صنایع نیز دیده می‌شود و فقط اندازه نماگر برای کل صنایع اندکی بالاتر است. با توجه به این نماگر سطح تحصیلات نیروی کار صنایع نساجی در مقایسه با صنایع نه گانه در رتبه هشتم قرار دارد و نشان دهنده این است که با اینکه سطح تحصیلی صنایع پایین است این سطح در بین نیروی کار صنایع نساجی پایینتر است. بنابراین می‌توان گفت که با اینکه درصد قابل توجهی از نیروی کار صنایع نساجی با سواد است ولی سطح کیفی میزان تحصیلات پایین بوده و قسمت اعظم آن را نیروی کار ساده تشکیل داده است و به احتمال زیاد یکی از دلایل عمده پایین بودن سطح دستمزد در این دسته نسبت به رشته‌های دیگر صنعتی همین زیاد بودن درصد نیروی کار ساده با سطح تحصیلات پایین نسبت به سیر صنایع است. علاوه بر این ماهیت کار صنایع نساجی به گونه‌ای است که به این نوع کارگر بیشتر نیاز دارد.

جدول ۵-۱۱ وضعیت تحصيلات کارکنان کارگاههای با بیش از ۱۰ نفر کارکن

رتبه صنایع نساجی و چرم	نماگر سطح تحصيلات		درصد شاغلان دایمی باسواد		سال
	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	
۸	۱/۹۳	۲/۱۳	۷۷/۰	۷۷/۶	۱۳۶۸
۸	۱/۹۳	۲/۱۴	۷۹/۵	۸۱/۶	۱۳۶۹
۸	۱/۹۶	۲/۱۹	۸۳/۶	۸۳/۵	۱۳۷۰

مأخذ: مرکز آمار ایران، آمارگیری از کارگاههای صنعتی

۵-۴ عملکرد نیروی کار

کارایی و بهره‌وری نیروی کار و نیز بازدهی مبالغ پرداختی بابت هزینه نیروی کار از جمله مهمترین عوامل موفقیت در هر فعالیتی است. در صنعت هر چه کارایی نیروی کار بیشتر باشد به معنای فراهم بودن شرایط لازم برای شکوفایی صنعت و افزایش بازدهی تولید صنعتی است. این قسمت با محاسبه نماگرهایی سعی در بررسی وضعیت کارایی و عملکرد نیروی کار صنایع نساجی و چرم و مقایسه آن با صنایع دارد. برای این منظور ابتدا با محاسبه بهره‌وری نیروی کار، میزان کارایی عامل نیروی کار در تولید مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس با محاسبه نماگر بازدهی تولید میزان بازدهی یک واحد هزینه نیروی کار در صنایع نساجی نشان داده می‌شود.

۵-۴-۱ بهره‌وری نیروی کار کارگاههای بزرگ صنعتی

نماگر بهره‌وری نیروی کار میزان ارزش افزوده‌ای که توسط یک نفر نیروی کار ایجاد شده نشان می‌دهد و با تقسیم ارزش افزوده به مقدار نیروی کار به دست می‌آید. داده‌ها و آمار لازم برای محاسبه این نماگر از دو گزارش جداگانه بانک مرکزی استخراج شده است. یکی از این آمارها ارزش افزوده صنایع بزرگ به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ است که از گزارش حسابهای ملی ایران گرفته شده و دیگری تعداد کارکنان صنایع است که از گزارش نتایج بررسی کارگاههای صنعتی استخراج شده است.^(۱)

جدول ۵-۱۲ نتایج محاسبه نماگر بهره‌وری نیروی کار کارگاههای بزرگ صنایع نساجی و چرم و نیز کل صنایع نشان می‌دهد. با توجه به ارقام این جدول بهره‌وری نیروی کار با قیمت ثابت سال ۱۳۶۹ صنایع نساجی و چرم در طول دوره اول (سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۱) تا سال ۱۳۶۰ روندی افزایشی داشته و از ۱۴۱۶ هزار ریال به نفر در سال ۱۳۵۳ به ۲۱۰۸ ریال در سال ۱۳۶۰ افزایش یافته که در واقع بیشترین میزان بهره‌وری نیروی کار صنایع نساجی در طول دوران ۲۱ ساله مورد بررسی است. بهره‌وری نیروی کار صنایع نساجی در مقام مقایسه با صنایع نه گانه در دوره اول مورد بررسی تا سال ۱۳۵۸، هشتمین رتبه را بین صنایع نه گانه دارا بوده و تنها در سال ۱۳۶۰ به رتبه ۶ ارتقاء یافته

۱- بانک مرکزی در گزارش حسابهای ملی ارزش افزوده صنایع بزرگ را با استفاده از نتایج بررسی کارگاههای بیش از ۵۰ نفر کارکن برآورد می‌نماید. اگر چه این برآورد ارزش افزوده نسبت به ارزش افزوده صنایع بیش از ۵۰ نفر کارکن دارای اریب است ولی چون اریب برای تمام جامعه و صنایع تسری داده می‌شود در نتیجه مشکلی برای مقایسه بهره‌وری نیروی کار صنایع مختلف به وجود نمی‌آورد.

است. به طور کلی متوسط سالانه بهره‌وری نیروی کار در دوره فوق برای صنایع نساجی و چرم ۱۶۵۰ هزار ریال به نفر بوده که بسیار کمتر از مقدار ۲۳۲۸ هزار ریال به نفر بهره‌وری کل صنایع است. متوسط رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع نه گانه در این دوره هشت است که نشان‌دهنده پایین بودن بهره‌وری نیروی کار این صنایع در مقایسه با سایر صنایع است. در دوره دوم مورد بررسی که از سال ۱۳۶۱ آغاز تا سال ۱۳۷۱ ادامه یافت، بهره‌وری نیروی کار صنایع نساجی و چرم تا سال ۱۳۶۷ رو به کاهش گذاشته و از ۱۶۷۴ هزار ریال به نفر در سال ۱۳۶۲ به ۱۲۰۴ هزار ریال به نفر در سال ۱۳۶۷ کاهش می‌یابد و سپس از این سال تا پایان دوره یعنی سال ۱۳۷۱ مقدار آن به آرامی شروع به افزایش می‌کند و در سال ۱۳۷۱ به ۱۶۱۷ هزار ریال به نفر می‌رسد که کمتر از میزان بهره‌وری صنایع نساجی و چرم در سال ۱۳۶۱ یعنی سال شروع دوره دوم بررسی است. این مسئله سبب شده تا رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع نه گانه که به رتبه ۶ در سال ۱۳۶۲ ارتقا یافته بود دوباره به ۸ تنزل یافته و این رتبه تا پایان دوره همچنان حفظ شود. در این دوره نیز بهره‌وری نیروی کار صنایع نساجی و چرم نسبت به کل صنایع پایین است به طوری که متوسط بهره‌وری نیروی کار صنایع نساجی ۱۴۸۴ هزار ریال به نفر و کل صنایع ۲۱۹۷ هزار ریال به نفر است. در ضمن در این دوره نسبت به دوره قبل بهره‌وری هم در صنایع نساجی و چرم و هم در کل صنایع نسبت به دوره قبل پایین‌تر آمده است.

در دوره سوم مورد بررسی که از سال ۱۳۶۹ آغاز و تا سال ۱۳۷۴ ادامه یافته بهره‌وری نیروی کار صنایع نساجی در مقایسه با دوره‌ها و سالهای قبل کمتر است. اگر چه روند کاهشی آن در این دوره متوقف شده (فقط در سال ۱۳۷۱ بهره‌وری نیروی کار نسبت به سال ۱۳۷۰ اندکی کاهش یافت) ولی میزان افزایشها اندک است. به طوری که اختلاف بین بهره‌وری صنایع نساجی و چرم و کل صنایع افزایش یافته است. متوسط بهره‌وری نیروی کار در صنایع نساجی ۱۵۲۳ هزار ریال به نفر و در کل صنایع به ۲۵۰۳ هزار ریال به نفر می‌رسد. این ارقام به این معنی است که در صنایع نساجی و چرم هر کارگر ۱۵۲۳ هزار ریال و در کل صنایع هر کارگر ۲۵۰۳ هزار ریال ارزش افزوده به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ ایجاد می‌کند. در این دوره همچنان صنایع نساجی در رتبه هشتم از نظر بهره‌وری نیروی کار قرار دارد که علت پایین بودن بهره‌وری نیروی کار در صنایع نساجی را کاربر بودن این صنایع دانسته‌اند. با وجود این مسئله کاهش شدید ارزش افزوده صنایع نساجی در سالهای اخیر (جدول ۴-۱۳) سبب شده تا بهره‌وری نیروی کار به شدت پایین بیاید. باید به این نکته نیز اشاره شود که قسمت عمده کارگاههای صنعت نساجی و چرم در کشور از تکنولوژی چندان پیشرفته‌ای برخوردار نبوده و همین مسئله سبب شده کارایی عوامل تولید نظیر سرمایه نیروی کار پایین آمده و ارزش افزوده کمتری حاصل شود.

۵-۴-۲ بهره‌وری نیروی کار کارگاههای صنعتی بیش از ۱۰ نفر کارکن

با استفاده از اطلاعات طرحهای آمارگیری کارگاههای صنعتی مرکز آمار ایران، نماگر بهره‌وری نیروی کار طی سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۲ در جدول ۵-۱۳ محاسبه شده است. رقم ارزش افزوده استفاده شده در محاسبه این نماگر به قیمت جاری بوده بنابراین تغییرات نماگر متأثر از افزایش و نوسان شاخص قیمت‌هاست. همانطور که در جدول فوق

آورده شده در دوره اول مورد بررسی بهره‌وری نیروی کار در صنایع نساجی بسیار کمتر از کل صنایع است به طوری که متوسط بهره‌وری نیروی کار در صنایع نساجی و چرم تقریباً نصف کل صنایع بوده و از این نظر صنایع نساجی و چرم رتبه هشتم بین صنایع نه گانه را داراست. در دوره دوم (۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷)، بهره‌وری نیروی کار صنایع نساجی در بعضی سالها افزایش خوبی نسبت به سایر صنایع برخوردار است (به عنوان نمونه در سال ۱۳۶۵، میزان بهره‌وری نیروی کار صنایع نساجی و کل به هم نزدیک شده و از نظر رتبه صنایع نساجی در بین صنایع نه گانه به رتبه پنجم ارتقا یافته است) و اختلاف آن با بهره‌وری نیروی کار کل صنایع کاهش یافته است. به طور کلی متوسط ارزش افزوده ایجاد شده در این دوره توسط یک نفر نیروی کار در صنایع نساجی و چرم حدود ۱۵۹۰ هزار ریال و در کل صنایع ۱۸۴۵ هزار ریال است. در دوره سوم یعنی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲، بهره‌وری نیروی کار صنایع نساجی با افزایش روبرو بوده و فقط در سال ۱۳۷۰ ناگهان ۲۱ درصد کاهش یافته است. اما افزایش این نماگر برای صنایع نساجی در مقایسه با سایر صنایع بسیار کمتر بوده است به طوری که اختلاف بین بهره‌وری نیروی کار صنایع نساجی و کل صنایع افزایش یافته و در دو سال آخر دوره صنایع نساجی و چرم پایین‌ترین رتبه بین صنایع نه گانه را از نظر ارزش افزوده ایجاد شده توسط یک نفر نیروی کار داراست. به طور متوسط میزان بهره‌وری نیروی کار در دوره سوم برای صنایع نساجی حدود ۵،۲۹۴/۸ هزار ریال به نفر و برای کل صنایع ۸،۲۵۴/۷ هزار ریال به نفر است و متوسط رتبه صنایع نساجی در بین صنایع نه گانه هشت است.

به طور خلاصه نماگر بهره‌وری نیروی کار که از دو منبع آماری جداگانه محاسبه شده تقریباً نتایج یکسانی را می‌رساند و آن این است که بهره‌وری نیروی کار در صنایع نساجی بسیار پایین بوده است. برای اینکه این نسبت بتواند رشد پیدا کند و روند کاهشی این نماگر را که در سالهای اخیر شدت نیز پیدا کرده متوقف شود باید تغییرات اساسی در شیوه تولید، تکنولوژی و مدیریت تولید داده شود و سعی در ارتقا فرهنگ بهره‌وری در نیروی کار این صنایع که از سطح تحصیلی کمتری نسبت به سایر صنایع برخوردار هستند (جدول ۵-۱۱) صورت پذیرد. در غیر این صورت سیر قهقراپی این نسبت همچنان ادامه خواهد یافت.

جدول ۵-۱۲ بهره‌وری نیروی کارگاههای بزرگ صنعتی

رتبه صنایع نساجی و چرم	بهره‌وری نیروی کار		سال
	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	

واحد: هزار ریال به نفر، قیمت ثابت ۱۳۶۱، طرح آمارگیری سال پایه ۱۳۵۳

۸	۱,۴۱۶	۲,۲۸۴	۱۳۵۳
۸	۱,۳۲۱	۲,۰۶۵	۱۳۵۴
۸	۱,۵۳۴	۲,۶۷۴	۱۳۵۵
۸	۱,۷۲۷	۲,۷۸۹	۱۳۵۶
۸	۱,۶۶۸	۲,۴۱۴	۱۳۵۷
۸	۱,۳۸۱	۱,۸۵۴	۱۳۵۸
۷	۱,۸۱۸	۲,۱۷۷	۱۳۵۹
۶	۲,۱۰۸	۲,۴۶۸	۱۳۶۰
۷	۱,۸۷۹	۲,۲۲۲	۱۳۶۱
۸	۱,۶۵۰	۲,۳۲۸	متوسط سالانه

واحد: هزار ریال به نفر، قیمت ثابت ۱۳۶۱، طرح آمارگیری سال پایه ۱۳۶۱

۷	۱,۶۴۳	۱,۹۱۹	۱۳۶۱
۶	۱,۶۷۴	۲,۰۵۳	۱۳۶۲
۷	۱,۶۵۷	۲,۱۶۱	۱۳۶۳
۷	۱,۵۵۷	۲,۰۱۷	۱۳۶۴
۷	۱,۴۴۱	۱,۷۹۸	۱۳۶۵
۸	۱,۲۲۰	۱,۸۷۶	۱۳۶۶
۸	۱,۲۰۴	۱,۹۳۷	۱۳۶۷
۸	۱,۲۱۶	۲,۱۱۲	۱۳۶۸
۸	۱,۴۷۶	۲,۵۲۱	۱۳۶۹
۸	۱,۶۲۰	۲,۸۷۳	۱۳۷۰
۸	۱,۶۱۷	۲,۸۹۸	۱۳۷۱
۷	۱,۴۸۴	۲,۱۹۷	متوسط سالانه

واحد: هزار ریال به نفر، قیمت ثابت ۱۳۶۱، طرح آمارگیری سال پایه ۱۳۶۹

۸	۱,۴۰۷	۲,۲۱۳	۱۳۶۹
۸	۱,۵۲۶	۲,۵۰۰	۱۳۷۰
۸	۱,۵۰۴	۲,۴۷۳	۱۳۷۱
۸	۱,۵۱۳	۲,۴۶۷	۱۳۷۲
۸	۱,۵۸۰	۲,۶۲۲	۱۳۷۳
۸	۱,۶۰۵	۲,۷۴۴	۱۳۷۴
			۱۳۷۵
			۱۳۷۶
۸	۱,۵۲۳	۲,۵۰۳	متوسط سالانه

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران، نتایج بررسی کارگاههای صنعتی و حسابهای ملی ایران

جدول ۵-۱۳ بهره‌وری نیروی کارگاههای صنعتی بیش از ۱۰ نفر کارکن

رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع	بازدهی تولید - درصد، به قیمت جاری		سال
	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	
۹	۲۵۵/۵	۴۹۴/۵	۱۳۵۳
۸	۳۱۹/۴	۵۶۶/۲	۱۳۵۴
۸	۴۲۱/۱	۷۵۵/۸	۱۳۵۵
—	—	—	۱۳۵۶
—	—	—	۱۳۵۷
۸	۳۳۲/۰	۶۰۵/۵	متوسط سالانه
۸	۶۵۰/۸	۸۵۴/۳	۱۳۵۸
۷	۹۴۹/۸	۱۰۲۰۹/۱	۱۳۵۹
۷	۱۰۱۲۲/۹	۱۶۰۱/۸	۱۳۶۰
۵	۱۰۳۹۵/۸	۱۰۴۳۰/۵	۱۳۶۱
۶	۱۰۴۹۵/۴	۱۶۱۶/۴	۱۳۶۲
۶	۱۰۵۱۴/۴	۱۰۷۱۹/۴	۱۳۶۳
۸	۱۰۴۹۸/۹	۱۰۷۳۰/۲	۱۳۶۴
۸	۱۰۵۵۶/۱	۱۶۹۶/۰	۱۳۶۵
۹	۱۰۸۳۵/۰	۲۰۲۶۶/۲	۱۳۶۶
۶	۳۰۸۷۸/۷	۴۰۳۲۰/۷	۱۳۶۷
۷	۱۰۵۸۹/۸	۱۰۸۴۴/۵	متوسط سالانه
۷	۴۰۳۴۷/۲	۵۰۱۹۵/۵	۱۳۶۸
۸	۶۰۱۴۱/۹	۷۰۱۹۷/۷	۱۳۶۹
۸	۴۰۸۳۲/۸	۷۰۱۲۰/۴	۱۳۷۰
۹	۵۰۱۴۳/۷	۹۰۳۵۱/۴	۱۳۷۱
۹	۶۰۰۸/۵	۱۲۰۴۰۸/۴	۱۳۷۲
			۱۳۷۳
			۱۳۷۴
۸	۵۲۹۴/۸	۸۲۵۴/۷	متوسط سالانه

مأخذ: مرکز آمار ایران، آمارگیری از کارگاههای صنعتی

۶- وضعیت سرمایه‌گذاری در صنعت نساجی ایران

سرمایه‌گذاری یکی از مهمترین عوامل پیشرفت و توسعه صنعت به شمار می‌رود در این قسمت ضمن بررسی روند سرمایه‌گذاری صنایع نساجی پرسشهای زیر بررسی شده و سعی می‌شود به آنها پاسخ داده شود:

- آیا سرمایه‌گذاری در راستای ایجاد توان تولید صنعتی به ویژه صنایع نساجی بالا رفته است؟
- دولت چه نقشی در ایجاد ظرفیتهای تولید صنعتی داشته است؟
- توجه دولت به صنعت نساجی و چرم در مقایسه با سایر صنایع چگونه بوده است؟
- بهره‌وری عامل سرمایه در صنایع نساجی و چرم در مقام مقایسه با سایر صنایع چگونه است؟
- سرمایه‌گذاریهای صورت گرفته تا چه حد استهلاك سرمایه در صنایع به ویژه صنایع نساجی را جبران نموده است؟

برای پاسخگویی به پرسشهای بالا و بررسی دقیق‌تر سرمایه‌گذاری صنعتی به ویژه صنایع نساجی و چرم با توجه به آمار و اطلاعات موجود نماگرهایی تعریف و محاسبه شده است که در ادامه به بررسی تحولات و روند هر یک از این نماگرها در قسمتهای جداگانه پرداخته می‌شود:

۶-۱ ارزش سرمایه‌گذاری

۴-۱-۱ کارگاههای صنعتی

آمار مربوط به ارزش سرمایه‌گذاری از طرحهای آمارگیری کارگاههای صنعتی مرکز آمار ایران استخراج شده است در این طرحها ارزش سرمایه‌گذاری عبارت است از

با توجه به این تعریف افزایش سرمایه‌گذاری، به معنای افزایش دارایی‌های سرمایه‌ای و زیربنایی کارگاه برای تولید کالاهاست. مجموعه اطلاعات و نماگرهایی که با استفاده از آمار ارزش سرمایه‌گذاری قابل تعریف بوده و در بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری صنایع نساجی و چرم و مقایسه آن با سایر صنایع مفید می‌باشد در جدول شماره ۴ - ۳۴ آورده شده است. در دوره اول یعنی سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵، ارزش سرمایه‌گذاری به طور متوسط سالانه برای صنایع نساجی ۱۰،۲۸۲ میلیون ریال و برای کل صنایع ۵۶،۵۴۳ میلیون ریال است که به طور متوسط صنایع نساجی حدود ۱۸ درصد ارزش سرمایه‌گذاری در صنایع را به خود اختصاص داده و از این نظر در بین صنایع نه گانه در رتبه دوم قرار دارد. بنابراین در این دوره سرمایه‌گذاری انجام شده در صنایع نساجی و چرم نسبت به سایر صنایع و کل صنایع بالا بوده و از جایگاه نسبی خوبی برخوردار بوده است. در دوره دوم یعنی سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷، در سالهای ابتدای دوره ارزش سرمایه‌گذاری در صنایع نساجی و چرم نسبت به سالهای قبل از انقلاب به شدت کاسته شده است در حالی که مقدار این کاهش برای کل صنایع کمتر است. همین مسئله سبب شده سهم صنایع نساجی در سال ۱۳۵۸ به ۱۱ درصد کاهش یافته و در بین صنایع از رتبه به رتبه چهارم تنزل یابد. پس از این سال تا سال ۱۳۶۲ با توجه به اینکه نرخ رشد سالانه ارزش سرمایه‌گذاری صنایع نساجی بیشتر از کل صنایع بوده، سهم صنایع نساجی افزایش یافته

است. از سال ۱۳۶۲ تا پایان دوره ۱۳۶۷ دوباره سهم صنایع نساجی کاهش یافته و به ۱۱/۸ درصد در سال ۱۳۶۷ محدود شده است. به طور متوسط میزان سرمایه‌گذاری در این دوره سالانه ۱۰۸،۲۵۲ میلیون ریال برای کل صنایع و ۱۶،۰۳۴ میلیون ریال برای صنایع نساجی و چرم است که به ترتیب هر یک ۱۸ و ۲۱/۳ درصد به طور متوسط در طول دوره رشد نموده‌اند. متوسط سهم صنایع نساجی در این دوره ۱۵ درصد بوده که نسبت به دوره قبل ۳ درصد کاهش یافته است و رتبه صنایع نساجی نیز در بین صنایع نه گانه از نظر ارزش سرمایه‌گذاری به ۳ تنزل پیدا کرده است.

از دوره سوم که دوره سازندگی و اجرای برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی است، میزان سرمایه‌گذاری در صنایع افزایش یافته است. ذکر این نکته لازم است که ارقام در روش سرمایه‌گذاری این جدول به قیمت جاری بوده و لذا مقداری از این افزایش نتیجه افزایش قیمت‌ها و تورم است. ارزش سرمایه‌گذاری در صنایع نساجی در این دوره تا سال ۱۳۷۱ به شدت افزایش یافته و به جز سال ۱۳۷۰ در بقیه سالهای رشد آن بیشتر از کل صنایع است. اما این روند در سال ۱۳۷۳ ادامه نیافته و در این سال ارزش سرمایه‌گذاری در صنایع نساجی به میزان ۷- درصد نسبت به سال ۱۳۷۰ کاهش یافته است. سهم صنایع نساجی نیز در سال ۱۳۶۹ به ۲۰/۲ درصد افزایش یافت که در سالهای پس از انقلاب بی‌سابقه است. اما به مرور این سهم کاسته شده و به حدود ۱۳ درصد در سال ۱۳۷۲ محدود شد. این کاهش سهم سبب شده که صنایع نساجی و چرم در بین صنایع نه گانه به رتبه ۴ تنزل پیدا کند. متوسط سالانه ارزش سرمایه‌گذاری در این دوره برای صنایع نساجی و چرم حدود ۱۰۲،۰۸۵ میلیون ریال و برای کل صنایع ۶۷۷،۹۲۲ میلیون ریال بوده که تقریباً هر یک ۶ برابر دوره قبل است. در این دوره متوسط سهم صنایع نساجی و چرم حدود ۱۶ درصد است که تنها یک درصد نسبت به متوسط دوره قبل افزایش نشان می‌دهد. در مجموع باید گفت اگر چه ارزش سرمایه‌گذاری در صنایع نساجی و چرم در سالهای اخیر افزایش یافته ولی این افزایش در راستا و هم اندازه افزایش در سایر صنایع نبوده به طوری که رتبه صنایع نساجی و چرم را از نظر سرمایه‌گذاری کاهش داده است. نکته دیگری باید در اینجا باز به آن تاکید شود این است که اگر تاثیر افزایش شدید قیمت‌ها از ارزش جاری سرمایه‌گذاریها خارج شود چه بسا ملاحظه شود که میزان سرمایه‌گذاری انجام گرفته نسبت به دوره‌های قبل نه تنها افزایش نیافته بلکه به شدت کاهش یافته است.

در جدول ۶- ۱ نماگر دیگری با عنوان ارزش سرمایه‌گذاری سرانه محاسبه شده که از نسبت ارزش سرمایه‌گذاری جدید در نیروی کار به دست می‌آید. این نماگر نشان دهنده این است که به ازای هر نفر کار چه مقدار سرمایه‌گذاری جدید صورت پذیرفته است. این نسبت درصد سرمایه به بودن صنایع را نشان می‌دهد. در دوره اول مورد بررسی به طور متوسط سالانه به ازای هر نفر کارگر حدود ۰/۰۹ میلیون ریال سرمایه در صنایع نساجی و حدود ۰/۱۵ میلیون ریال در کل صنایع سرمایه‌گذاری شده و از این نظر صنایع نساجی رتبه ۵ را دارا بوده است. در دوره دوم میزان سرمایه‌گذاری به ازای هر نفر کارگر در صنایع نساجی از ۰/۰۷ میلیون ریال در سال ۱۳۵۸ با نوساناتی به ۰/۱۳ میلیون ریال در سال ۱۳۶۷ (سال پایانی دوره) افزایش یافته است که این مقدار (در هر دو سال) کمتر از نصف میزان سرمایه‌گذاری سرانه کل صنایع است. در این دوره متوسط سرمایه‌گذاری انجام شده سالانه در ازای هر نفر کارگر برای

صنایع نساجی حدود ۰/۱ میلیون و برای کل صنایع ۰/۱۸ میلیون ریال بوده و رتبه صنایع نساجی از این نظر هشتمین صنعت در بین صنایع نه گانه است. در دوره سوم ارزش سرمایه‌گذاری سرانه هم برای صنایع نساجی و چرم و هم برای کل صنایع به شدت افزایش یافته است به طوری که در سال ۱۳۷۲ مقدار آن برای کل صنایع به ۱/۹۱ میلیون ریال برای هر نفر و برای صنایع نساجی به ۱ میلیون ریال برای هر نفر رسیده که بیشترین مقدار این نماگر در طول دوران ۲۰ ساله مورد بررسی است. در این دوره (دوره دوم) متوسط سرمایه‌گذاری سالانه انجام شده برای هر نفر کارگر برای صنایع نساجی و چرم حدود ۰/۰۶۷ میلیون ریال و برای کل صنایع حدود ۱/۱۰ میلیون ریال است. در این دوره نیز ملاحظه می‌شود که ارزش سرمایه‌گذاری سرانه صنایع نساجی تقریباً نصف کل صنایع می‌باشد و رتبه آن در بین صنایع نه گانه همچون دوره گذشته به طور متوسط هشت است. با توجه به نتایج این نماگر در طول دوره مورد بررسی سرمایه به کار رفته در صنایع نساجی در ازای هر نفر نیروی کار نسبت به سایر صنایع پایین‌تر بوده و به عبارت دیگر با صرف سرمایه‌ای کمتر نسبت به سایر صنایع اشتغال بیشتری ایجاد شده است. علت این مسأله به ماهیت صنعت نساجی یعنی کاربر بودن نوع فعالیت آن برمی‌گردد.

جدول ۶- ۱ ارزش سرمایه‌گذاری کارگاه‌های با بیش از ۱۰ نفر کارکن

سال	ارزش سرمایه‌گذاری - میلیون ریال		رشد ارزش سرمایه‌گذاری - درصد		سهم صنایع نساجی و چرم	رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم		
۱۳۵۳	۵۴,۵۷۱	۹,۱۹۰	—	—	۱۶/۸	۲
۱۳۵۴	۵۲,۹۸۶	۸,۱۶۸	-۲/۹	-۱۱/۱	۱۵/۴	۲
۱۳۵۵	۶۲,۰۷۱	۱۳,۴۸۷	۱۷/۱	۶۵/۱	۲۱/۷	۲
۱۳۵۶	—	—	—	—	—	—
۱۳۵۷	—	—	—	—	—	—
متوسط سالانه	۵۶,۵۴۳	۱۰,۲۸۲	۷/۱	۲۷/۰	۱۸/۰	۲
۱۳۵۸	۵۸,۹۸۹	۶,۴۵۱	—	—	۱۰/۹	۴
۱۳۵۹	۴۹,۱۳۶	۵,۸۸۱	-۱۶/۷	-۸/۸	۱۲/۰	۴
۱۳۶۰	۶۶,۴۹۹	۱۱,۸۵۵	۳۵/۳	۱۰۱/۶	۱۷/۸	۲
۱۳۶۱	۸۰,۳۰۱	۱۴,۸۷۳	۲۰/۸	۲۵/۵	۱۸/۵	۲
۱۳۶۲	۱۰۱,۷۰۰	۱۹,۷۵۷	۲۶/۶	۳۲/۸	۱۹/۴	۳
۱۳۶۳	۱۰۶,۵۶۵	۱۶,۱۳۸	۴/۸	-۱۸/۳	۱۵/۱	۴
۱۳۶۴	۱۱۴,۱۸۵	۱۵,۰۳۲	۷/۲	-۶/۹	۱۳/۲	۴
۱۳۶۵	۱۰۴,۲۶۰	۱۷,۲۶۱	-۸/۷	۱۴/۸	۱۶/۶	۴
۱۳۶۶	۲۱۶,۰۴۲	۳۱,۳۰۹	۱۰۷/۲	۸۱/۴	۱۴/۵	۳
۱۳۶۷	۱۸۴,۸۳۸	۲۱,۸۸۴	-۱۴/۴	-۳۰/۱	۱۱/۸	۲
متوسط سالانه	۱۰۸,۲۵۲	۱۶,۰۴۴	۱۸/۰	۲۱/۳	۱۵/۰	۳
۱۳۶۸	۲۴۴,۴۲۸	۳۷,۵۶۲	۳۲/۲	۷۱/۶	۱۵/۴	۴
۱۳۶۹	۳۲۰,۱۹۶	۶۴,۵۶۰	۳۱/۰	۷۱/۹	۲۰/۲	۳
۱۳۷۰	۶۶۵,۰۶۶	۱۰۶,۰۷۷	۱۰۷/۷	۶۴/۳	۱۵/۹	۳
۱۳۷۱	۱,۰۲۶,۱۱۲	۱۵۶,۳۴۹	۵۴/۳	۴۷/۴	۱۵/۲	۳
۱۳۷۲	۱,۱۳۳,۸۰۸	۱۴۵,۸۷۵	۱۰/۵	-۶/۷	۱۲/۹	۴
۱۳۷۳						
۱۳۷۴						
متوسط سالانه	۶۷۷,۹۲۲	۱۰۲,۰۸۵	۴۷/۱	۴۹/۷	۱۵/۹	۳

رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع	ارزش سرمایه‌گذاری - میلیون ریال	
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم
۳	۰/۱۴	۰/۰۷
۷	۰/۱۵	۰/۰۷
۴	۰/۱۶	۰/۱۲
	—	—
	—	—
۵	۰/۱۵	۰/۰۹
۸	۰/۱۴	۰/۰۷
۷	۰/۱۰	۰/۰۵
۷	۰/۱۴	۰/۰۹
۸	۰/۱۵	۰/۱۱
۸	۰/۱۸	۰/۱۴
۸	۰/۱۸	۰/۱۱
۹	۰/۲۰	۰/۱۰
۷	۰/۱۹	۰/۱۲
۹	۰/۲۱	۰/۱۲
۹	۰/۲۹	۰/۱۳
۸	۰/۱۸	۰/۱۰
۷	۰/۳۷	۰/۲۲
۷	۰/۴۹	۰/۴۱
۹	۱/۰۷	۰/۶۹
۸	۱/۶۴	۱/۰۲
۹	۱/۹۱	۱/۰۰
۸	۱/۱۰	۰/۶۷

مأخذ: مرکز آمار ایران، آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی.

میزان سرمایه موجود در کارگاه هنگامی که واحد صنعتی به طور رسمی شروع به فعالیت می‌کند، سرمایه براساس پروانه بهره‌برداری را تشکیل می‌دهد. در واقع برای ایجاد و راه‌اندازی یک واحد صنعتی مبالغی سرمایه‌گذاری انجام گرفته که در هنگام دریافت پروانه بهره‌برداری و شروع رسمی فعالیت کارگاه این سرمایه‌ها به نتیجه رسیده و در جریان تولید قرار می‌گیرد. هر چه این مقدار بالاتر باشد نشان دهنده افزایش سرمایه صنعتی و ایجاد سرمایه‌های صنعتی جدید است که این امر خود به معنای افزایش قابلیت‌ها و ظرفیتهای تولید کالاهای صنعتی است.

در جدول ۶-۲ میزان سرمایه براساس پروانه بهره‌برداری صنایع نساجی و چرم و کل صنایع به همراه چند نماگر دیگر برای دوران پس از انقلاب ارائه شده است. در دوره اول یعنی سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷، سرمایه پروانه بهره‌برداری صنایع نساجی و چرم تا سال ۱۳۶۳ رشدهای منفی تجربه نموده و از این سال تا پایان این دوره (۱۳۶۷) افزایش چشمگیری نسبت به سالهای قبل داشته است به طوری که میزان سرمایه از ۲۸۱۸ میلیون ریال در سال ۱۳۶۳ به ۱۸،۸۹۲ میلیون ریال در سال ۱۳۶۷ افزایش یافته است. این افزایش سبب شده تا سهم صنایع نساجی و چرم از ۱۱/۹ درصد در سال ۱۳۶۳ به ۲۸ درصد در سال ۱۳۶۷ افزایش یابد و از نظر رتبه بین صنایع نیز از رتبه ۵ (در سال ۱۳۶۳) به رتبه اول (در سال ۱۳۶۷) ارتقا پیدا کند. در این دوره متوسط سالانه رشد سرمایه پروانه بهره‌برداری برای صنایع نساجی و چرم حدود ۴۷/۴ درصد و برای کل صنایع ۲۸/۹ درصد است. و متوسط سهم صنایع نساجی سالانه حدود ۱۶ درصد و در بین صنایع دارای رتبه سوم است. بنابراین می‌توان گفت در این دوره میزان سرمایه‌های وارد شده به تولید صنایع نساجی نسبت به سایر صنایع از وضعیت خوبی برخوردار است. در دوره دوم با توجه به ادغام وزارت صنایع سبک و سنگین در سال ۱۳۷۲ و تشکیل وزارت صنایع واحد، از سال ۱۳۶۹ به بعد آمار سه صنعت سنگین (خودرو و نیرو محرکه، ریخته‌گری و ماشین‌سازی و ساخت) اضافه شده است. در این دوره روند افزایشی تشکیل سرمایه در صنایع نساجی با شدت بیشتری ادامه یافت و فقط در دو سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۶ این روند منفی شده است. متوسط رشد سالانه سرمایه پروانه بهره‌برداری در این دوره حدود ۶۸ درصد است که از متوسط دوره قبل بیشتر است. با توجه به اینکه میزان افزایش سرمایه پروانه بهره‌برداری در کل صنایع بیشتر بوده و متوسط رشد سالانه آن در این دوره ۸۸/۴ درصد است، سهم صنایع نساجی از ۳۴/۵ درصد در سال ۱۳۶۸ (بیشترین مقدار این نسبت در دوران مورد بررسی) رو به کاهش و با نوساناتی به ۱۳/۳ درصد در سال ۱۳۷۶ کاهش پیدا کرده است. مقدار متوسط سالانه این نماگر در این مقطع زمانی حدود ۱۵/۸ درصد بوده و متوسط رتبه این صنایع در بین ۱۰ نوع صنعت وزارت صنایع، رتبه سوم را داراست. در مجموع ملاحظه می‌شود که عمده سرمایه‌گذاری صنایع نساجی و نیز کل صنایع در دوره بعد از جنگ (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶) صورت پذیرفته است به طوری که جمع سرمایه پروانه بهره‌برداری صنایع نساجی در دوره ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ حدود ۵۴۶۰۹ میلیون ریال و جمع سرمایه ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ حدود ۳،۳۵۶،۸۲۳ میلیون ریال بوده است که اگر نسبت به شاخص قیمت‌ها نیز تعدیل شود باز این رقم در دوره بازسازی نسبت به دهه اول بسیار بالا است. سهم صنایع نساجی و چرم در جمع سرمایه ایجاد شده در کل صنایع حدود ۱۳/۲ درصد است که از این نظر در بین صنایع مختلف رتبه چهارم را دارا بوده و از جایگاه و موقعیت خوبی برخوردار است.

نماگر دیگری در جدول ۶-۲ محاسبه شده متوسط سرمایه هر پروانه بهره‌برداری است که نشان‌دهنده این است که در یک سال حجم نسبی طرحهای به بهره‌برداری رسیده از نظر ایجاد سرمایه صنعتی چگونه است؟ همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، در دوره اول (۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷) متوسط سرمایه بهره‌برداری صنایع نساجی از کل صنایع (به جز سال ۱۳۵۹) بیشتر است و متوسط سالانه آن برای صنایع نساجی ۶۳ میلیون ریال و برای کل صنایع ۴۵ میلیون ریال است. رتبه صنایع نساجی در بین صنایع مختلف با تغییراتی روبرو بوده ولی به طور متوسط در طول این دوره در بین صنایع از مرتبه بالا یعنی رتبه ۲ برخوردار است. این نماگر نشان می‌دهد که میزان سرمایه ایجاد شده توسط هر واحد جدید صنعت نساجی بیشتر از کل صنایع بوده و از این نظر در بین صنایع مختلف نیز جایگاه مناسبی دارد. در دوره دوم بیشترین تغییر متوسط سرمایه پروانه بهره‌برداری صنایع نساجی مربوط به سال ۱۳۷۱ است که به یکباره از ۲۲۸ میلیون ریال در سال ۱۳۷۰ به ۱۱۰۷ میلیون ریال در سال ۱۳۷۱ افزایش یافته است در این سال ضمن کاهش پروانه بهره‌برداری صادره میزان سرمایه افزایش یافته است. در هر حال متوسط سالانه این نماگر برای صنایع نساجی ۱۰۷۹ میلیون ریال که از مقدار ۹۵۸ میلیون ریال کل صنایع بیشتر است. متوسط رتبه این صنایع در بین صنایع مختلف با اینکه نسبت به دوره قبل یک رتبه تنزل نمود و به ۳ رسیده ولی همچنان این صنایع در مقایسه با سایر صنایع نقش بالایی در ایجاد و سرمایه صنعتی داشته است.

جدول ۶-۲ سرمایه براساس پروانه بهره‌برداری

سال	سرمایه براساس پروانه بهره‌برداری میلیون ریال		رشد سرمایه براساس پروانه بهره‌برداری - درصد		سهم صنایع نساجی و چرم	رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم		
۱۳۵۸	۱۰،۸۴۸	۱،۵۱۲	—	—	۱۳/۹	۳
۱۳۵۹	۲۱،۲۲۶	۲،۵۳۶	۹۵/۷	۶۷/۷	۱۱/۹	۳
۱۳۶۰	۱۲،۴۷۷	۱،۲۶۵	-۴۱/۲	-۵۰/۱	۱۰/۱	۴
۱۳۶۱	۱۹،۸۱۰	۳،۳۹۳	۵۸/۸	۱۶۸/۲	۱۷/۱	۴
۱۳۶۲	۲۱،۱۴۱	۲،۹۶۱	۶/۷	-۱۲/۷	۱۴/۰	۴
۱۳۶۳	۲۳،۶۰۵	۲،۸۱۸	۱۱/۷	-۴/۸	۱۱/۹	۵
۱۳۶۴	۲۷،۰۹۰	۳،۲۵۰	۱۴/۸	۱۵/۳	۱۲/۰	۴
۱۳۶۵	۳۱،۷۱۵	۵،۸۴۸	۱۷/۱	۷۹/۹	۱۸/۴	۳
۱۳۶۶	۵۵،۶۸۷	۱۲،۱۳۴	۷۵/۶	۱۰۷/۵	۲۱/۸	۲
۱۳۶۷	۶۷،۳۹۲	۱۸،۸۹۲	۲۱/۰	۵۵/۷	۲۸/۰	۱
جمع سرمایه ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۱	۲۹۰،۹۹۱	۵۴،۶۰۹	—	—	۱۸/۸	۲
متوسط سالانه	۲۹،۰۹۹	۵،۴۶۱	۲۸/۹	۴۷/۴	۱۵/۹	۳
۱۳۶۸	۹۳،۱۸۱	۳۲،۱۷۴	۳۸/۳	۷۰/۳	۳۴/۵	۱
۱۳۶۹	۲۳۶،۵۹۸	۴۰،۰۰۵	۱۵۳/۹	۲۴/۳	۱۶/۹	۲
۱۳۷۰	۲۳۸،۳۵۹	۳۰،۵۷۵	۰/۷	-۲۳/۶	۱۲/۸	۳
۱۳۷۱	۴۷۲،۱۴۳	۸۱،۹۰۹	۹۸/۱	۱۶۷/۹	۱۷/۳	۲
۱۳۷۲	۲،۱۰۴،۴۸۵	۱۳۲،۴۹۵	۳۴۵/۷	۶۱/۸	۶/۳	۳
۱۳۷۳	۳،۶۰۲،۵۶۹	۲۷۶،۰۵۱	۷۱/۲	۱۰۸/۳	۷/۷	۴
۱۳۷۴	۷،۴۳۸،۰۰۰	۷۹۲،۴۳۵	۱۰۶/۵	۱۸۷/۱	۱۰/۷	۵
۱۳۷۵	۵،۳۶۴،۱۰۰	۱،۱۹۶،۱۷۹	-۲۷/۹	۵۰/۹	۲۲/۳	۱
۱۳۷۶	۵،۸۲۴،۰۰۰	۷۷۵،۰۰۰	۸/۶	-۳۵/۲	۱۳/۳	۳
جمع سرمایه ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۶	۲۵،۳۷۳،۴۴۲	۳،۳۵۶،۸۲۳	—	—	۱۳/۲	۴
متوسط سالانه	۲،۸۱۹،۲۷۱	۳۷۲،۹۸۰	۸۸/۳	۶۸/۰	۱۵/۸	۳
جمع سرمایه ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۶	۲۵،۴۰۲،۵۴۱	۳،۳۶۲،۲۸۴	—	—	۱۳/۲	۴

مأخذ: وزارت صنایع، سالنامه آماری صنعتی.

دولت در بودجه کل کشور هر سال مبالغی از محل بودجه عمرانی به سرمایه‌گذاری در بخش صنعت اختصاص می‌دهد و از این مبلغ درصدی به صنایع نساجی تعلق می‌گیرد. بررسی تغییرات این نسبت وضعیت توجه دولت به ساخت زیربناها و تشکیل سرمایه در صنعت نساجی را نشان می‌دهد، جدول ۶-۳، اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذاری را در صنایع و صنایع نساجی از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۴ نشان می‌دهد. در دوره اول طی سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ مبلغ سرمایه‌گذاری در صنایع نساجی توسط دولت به شدت افزایش یافته به طوری که از ۲۴۶ میلیون ریال در سال ۱۳۵۳ به ۳۷۰۷ میلیون ریال در سال ۱۳۵۵ افزایش یافته و سپس در دو سال بعد مقداری از این مبلغ کاسته شده و در سال ۱۳۵۷ به ۱۹۰۹ میلیون ریال کاهش یافته است. متوسط نرخ رشد سالانه برای صنایع نساجی و چرم رقم ۳۱۰/۸ درصد و برای کل صنایع ۵۸/۱ درصد است. سهم صنایع نساجی و چرم در سرمایه‌گذاری دولتی صنعتی در این دوره از ۰/۷ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۵/۳ درصد در سال ۱۳۵۵ و سپس کاهش یافته و در نهایت در سال ۱۳۵۷ به ۲/۱ درصد محدود می‌شود. در این دوره به طور متوسط حدود ۲/۴ درصد از کل سرمایه مرکزی دولتی در صنایع نساجی اختصاص داده شده است. در دوره دوم، روند ارزش سرمایه‌گذاری دولتی در صنایع نساجی ثابت نبوده و نوسانهای مثبت و منفی را تجربه نموده است. بیشترین افزایش در این دوره مربوط به سال ۱۳۶۵ است که از ۳۱۱۳ میلیون ریال در سال ۱۳۶۶ به ۲۰،۱۴۰ میلیون ریال افزایش یافته است. متوسط سرمایه‌گذاری ثابت دولتی در صنایع نساجی و چرم حدود ۴۵۸۶ میلیون ریال و در کل صنایع ۱۰۲،۴۵۴ میلیون ریال است که در طول دوره صنایع نساجی و چرم حدود ۷۲/۲ درصد و کل صنایع تنها ۵/۷ درصد به طور متوسط سالانه رشد نموده‌اند. متوسط سهم صنایع نساجی از سرمایه‌گذاری دولتی در این دوره حدود ۴/۲ درصد است که تقریباً دو برابر متوسط دوره قبل است. بالاخره در دوره سوم میزان سرمایه‌گذاری دولتی در صنایع نساجی به واسطه اجرای برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی و بازسازی تا سال ۱۳۷۰ به شدت افزایش یافت. سپس تا سال ۱۳۷۳ مقدار آن کاهش پیدا کرد و دوباره در سال ۱۳۷۴ یعنی سال اول اجرای برنامه دوم توسعه ارزش سرمایه‌گذاری افزایش یافت. در مجموع به طور متوسط سالانه ۷/۴ درصد سرمایه‌گذاری دولت در بخش صنعت افزایش یافت اما میزان افزایش در صنایع نساجی به اندازه کل صنایع نبود، و حتی در این دوره مقدار سرمایه‌گذاری به شدت کاهش یافته است. به طوری که متوسط سرمایه‌گذاری صنعتی نساجی به ۱۵۸۳ میلیون ریال محدود شده که از متوسط دو دوره گذشته کمتر است و متوسط سهم این صنایع در ارزش سرمایه‌گذاری صنعتی به ۰/۹ درصد کاهش یافته است. اگر نرخ تورم و افزایش قیمتها را در نظر بگیریم در واقع میزان سرمایه‌گذاری دولتی در صنایع نساجی بسیار ناچیز است. البته باید توجه داشت که صنایع نساجی و چرم از ابتدای تاسیس ماهیتی خصوصی داشته است و بیشتر سرمایه‌گذاری انجام گرفته توسط بخش خصوصی صورت می‌گیرد و نمی‌توان انتظار سرمایه‌گذاری بالا توسط دولت در این صنایع را داشت. اما با وجود این مسئله به علت وقوع جنگ و خرابی‌های ناشی از آن و همچنین گرفتاریها و رکودی که این صنعت اشتغال‌زا و مؤثر در توزیع ثروت در جامعه با آن دست به گریبان بوده کمترین انتظار این است که در دوران بازسازی و اجرای برنامه‌های توسعه اگر توجهی بیشتر از گذشته به این صنعت نشده کمتر نشود. در این دوره نه تنها میزان سرمایه‌گذاریهای دولتی در صنایع

نساجی نسبت به سالهای قبل ثابت باقی نمانده بلکه کمتر شده و حمایت‌های دولت برای رفع مشکلات این صنعت و فراهم نمودن شرایط لازم برای توسعه و شکوفایی آن انجام نشده است و حتی نقش دولت در سرمایه‌گذاری‌های صنایع نساجی در سالهای اخیر به شدت کاهش پیدا کرده است.

جدول ۶-۳ سرمایه‌گذاری ثابت دولت از محل اعتبارات عمرانی ملی

سال	سرمایه‌گذاری ثابت دولت - میلیون ریال		رشد سرمایه‌گذاری ثابت دولت - درصد		سهم صنایع نساجی و چرم در صد
	کل صنایع	نساجی، دستی، روستایی و چرم	کل صنایع	نساجی، دستی، روستایی و چرم	
۱۳۵۳	۳۵،۰۳۱	۲۴۶	۱۰۵/۹	۷۲۰/۰	۰/۷
۱۳۵۴	۶۴،۰۴۲	۱،۰۰۶	۸۲/۸	۳۰۸/۹	۱/۶
۱۳۵۵	۶۹،۳۷۴	۳،۷۰۷	۸/۳	۲۶۸/۵	۵/۳
۱۳۵۶	۱۰۲،۴۸۴	۲،۲۱۴	۴۷/۷	-۴۰/۳	۲/۲
۱۳۵۷	۸۹،۵۸۶	۱،۹۰۹	-۱۲/۶	-۱۳/۸	۲/۱
متوسط سالانه	۷۲،۱۰۳	۱،۸۱۶	۵۸/۱	۳۱۰/۸	۲/۴
۱۳۵۸	۶۹،۹۳۲	۹۷۸	-۲۱/۹	-۴۸/۸	۱/۴
۱۳۵۹	۷۰،۵۶۶	۹۷۶	۰/۹	-۰/۲	۱/۴
۱۳۶۰	۷۷،۲۰۵	۸۹۲	۹/۴	-۸/۶	۱/۲
۱۳۶۱	۱۱۸،۵۵۵	۲،۷۸۶	۵۳/۶	۲۱۲/۳	۲/۳
۱۳۶۲	۱۵۹،۷۱۸	۳،۴۶۴	۳۴/۷	۲۴/۳	۲/۲
۱۳۶۳	۱۰۶،۱۰۲	۵۰،۶۸	-۳۳/۶	۴۶/۳	۴/۸
۱۳۶۴	۸۹،۶۶۰	۵،۱۱۶	-۱۵/۵	۰/۹	۵/۷
۱۳۶۵	۹۴،۶۶۹	۳،۳۳۱	۵/۶	-۳۴/۹	۳/۵
۱۳۶۶	۱۲۱،۶۸۲	۳،۱۱۳	۲۸/۵	-۶/۵	۲/۶
۱۳۶۷	۱۱۶،۴۴۷	۲۰،۱۴۰	-۴/۳	۵۴۷/۰	۱۷/۳
متوسط سالانه	۱۰۲،۴۵۴	۴،۵۸۶	۵/۷	۷۳/۲	۴/۲
۱۳۶۸	۱۳۷،۰۲۹	۱،۸۹۶	۱۷/۷	-۹۰/۶	۱/۴
۱۳۶۹	۲۱۲،۶۰۱	۲،۷۲۴	۵۵/۲	۴۳/۷	۱/۳
۱۳۷۰	۲۱۳،۴۰۲	۶۳۰	۰/۴	-۷۶/۹	۰/۳
۱۳۷۱	۲۰۲،۴۴۹	۱،۱۳۵	-۵/۱	۸۰/۲	۰/۶
۱۳۷۲	۱۷۶،۹۶۳	۱،۳۷۴	-۱۲/۶	۲۱/۱	۰/۸
۱۳۷۳	۱۳۷،۷۷۳	۲۰،۳۹	-۲۲/۱	۴۸/۴	۱/۵
۱۳۷۴	۱۶۲،۹۹۴	۱،۲۸۲	۱۸/۳	-۳۷/۱	۰/۸
۱۳۷۵					
متوسط سالانه	۱۷۷،۶۰۲	۱،۵۸۳	۷/۴	-۱/۶	۰/۹

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه.

ضریب جبران استهلاک سرمایه از نسبت ارزش سرمایه‌گذاری جدید به ارزش ستانده‌ها به دست می‌آید و نشان دهنده این است که به ازای یک واحد ارزش ستانده چه میزان سرمایه‌گذاری جدید صورت پذیرفته است. افزایش این نسبت بیانگر جبران بیشتر استهلاک سرمایه در جریان تولید یک واحد ارزش ستانده است. در واقع این نماگر تناسب بین ارزش تولید یا ستانده فعالیت صنعتی را با سرمایه‌گذاری جدید انجام شده برای جبران استهلاک سرمایه در فرآیند تولید نشان می‌دهد. جدول ۶ - ۴ مقدار این نماگر را که با استفاده از آمار طرحهای آمارگیری کارگاههای صنعتی دارای بیش از ۱۰ نفر کارکن مرکز آمار ایران محاسبه شده نشان می‌دهد. در دوره اول مورد بررسی یعنی سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷، ضریب جبران استهلاک سرمایه صنایع نساجی و چرم تا سال ۱۳۶۹ افزایش و به ۴/۹ درصد می‌رسد سپس روندی کاهش یافته و در سال ۱۳۶۷ این نماگر تنها ۱/۵ درصد بود که کمترین مقدار در دوران مورد بررسی است. در این دوره ضریب جبران استهلاک سرمایه برای صنایع نساجی کمتر از کل صنایع بوده و از نظر رتبه بین صنایع نه گانه در رتبه پایینی قرار دارد به طوری که متوسط سالانه این نماگر برای صنایع نساجی و چرم حدود ۳/۶ درصد و برای کل صنایع ۴/۸ درصد و از نظر رتبه بین صنایع رتبه هفتم است.

در دوره دوم یعنی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲، ضریب جبران استهلاک سرمایه صنایع نساجی روندی افزایشی پیدا کرده و تا سال ۱۳۷۱ به ۸/۴ درصد رسیده که بیشترین مقدار این ضریب در دوران مورد بررسی است. ضریب فوق برای صنایع نساجی و چرم در دوره دوم نسبت به سایر صنایع نیز بهبود یافته و به طور متوسط به رتبه ۵ ارتقا یافته است و مقدار متوسط آن برای صنایع نساجی و چرم و کل صنایع به هم نزدیک شده و تقریباً ۵/۵ درصد است. این رقم به این معنی است که در طول دوران بازسازی و اجرای برنامه اول توسعه به ازای ۱۰۰ واحد ارزش ستانده تنها ۵/۵ واحد ارزش سرمایه‌گذاری جدید صنعتی انجام شده که رقم پایینی است. مقدار جبران استهلاک سرمایه در صنایع نساجی و چرم به علت کهنگی و فرسودگی ماشین‌آلات این صنعت نسبت به سایر صنایع وضعیت نامطلوبی داشته و باید مقدار آن بسیار بیشتر از این باشد.

جدول ۶-۴ ضریب چیران استهلاک سرمایه کارگاههای پیش از ۱۰ نفر کارکن

رتبه صنایع نساجی و چرم	ضریب چیران استهلاک سرمایه - درصد		سال
	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	
۵	۳/۹	۴/۴	۱۳۶۰
۶	۴/۲	۴/۹	۱۳۶۱
۵	۴/۹	۵/۲	۱۳۶۲
۸	۳/۸	۵/۰	۱۳۶۳
۸	۳/۵	۵/۵	۱۳۶۴
۷	۳/۹	۵/۳	۱۳۶۵
۸	۳/۱	۴/۷	۱۳۶۶
۸	۱/۵	۳/۱	۱۳۶۷
۷	۳/۶	۴/۸	متوسط سالانه
۵	۲/۱	۳/۲	۱۳۶۸
۴	۳/۳	۳/۰	۱۳۶۹
۷	۶/۴	۶/۷	۱۳۷۰
۲	۸/۴	۷/۸	۱۳۷۱
۷	۶/۸	۶/۷	۱۳۷۲
			۱۳۷۳
			۱۳۷۴
۵	۵/۴	۵/۵	متوسط سالانه

مأخذ: مرکز آمار ایران، آمارگیری از کارگاههای صنعتی.

۶-۳ بهره‌وری سرمایه‌گذاری

کارایی و بازدهی عامل سرمایه در فرایند تولید به وسیله بهره‌وری قابل اندازه‌گیری است که رابطه‌ها و فرمولهای مختلفی تاکنون برای محاسبه آن ارائه شده است. در این گزارش بهره‌وری سرمایه‌گذاری از نسبت ارزش افزوده به ارزش سرمایه‌گذاری به دست می‌آید و به این معنی است که در ازای یک واحد ارزش سرمایه‌گذاری انجام گرفته چه میزان ارزش افزوده حاصل شده است. نتایج این محاسبه، که با استفاده از آمار طرحهای، آمارگیری کارگاههای صنعتی مرکز آمار ایران صورت گرفته، در جدول ۶-۵ ملاحظه می‌شود.

در دوره اول مورد بررسی بهره‌وری سرمایه‌گذاری صنایع نساجی و چرم به طور متوسط سالانه حدود ۲۶/۶ درصد است که از کل صنایع بیشتر است. جایگاه و موقعیت این صنعت در بین صنایع نه گانه در این دوره سومین صنعت است. در دوره دوم این روند ادامه نیافته و بهره‌وری سرمایه‌گذاری صنایع نساجی و چرم روندی کاهشی یافته و همواره کمتر از کل صنایع بوده است. میزان این نماگر در سال ۱۳۵۸ برای صنایع نساجی ۱۰/۱ درصد بوده که با نوساناتی به ۳/۳ درصد در سال ۱۳۶۷ کاهش یافته که کمترین میزان بهره‌وری سرمایه‌گذاری این صنایع در طول ۲۰

سال مورد بررسی است. با اینکه بهره‌وری سرمایه‌گذاری در کل صنایع نیز در این دوره کاهش یافته و در سال ۱۳۶۷ به ۶/۸ درصد کمترین میزان آن طی دوران مورد بررسی رسیده است اما کاهش بهره‌وری سرمایه‌گذاری در صنایع نساجی بیشتر است. متوسط سالانه این نماگر برای صنایع نساجی و چرم حدود ۷/۲ درصد و برای کل صنایع ۱۰/۴ درصد بوده که بسیار کمتر از دوره قبل است. در این دوره همچنین موقعیت صنایع نساجی و چرم در بین صنایع نه گانه بدتر شده و به رتبه هفت تنزل یافته است. در دوره سوم مورد بررسی، بهره‌وری سرمایه‌گذاری در صنایع نساجی و کل صنایع به ترتیب از ۷/۱ و ۵ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۱۷/۶ و ۱۹/۸ درصد افزایش یافته و سپس در سال ۱۳۷۲ مقداری از آن کاسته شده است. در این دوره متوسط سالانه میزان بهره‌وری سرمایه‌گذاری در صنایع نساجی و چرم به اندازه کل صنایع است. به طوری که متوسط سالانه این نماگر برای صنایع نساجی حدود ۱۲/۵ درصد و برای کل صنایع نیز حدود ۱۲/۴ درصد است. متوسط رتبه صنایع نساجی بین صنایع نه گانه در این دوره به ۵ ارتقا یافته که از متوسط دوره قبل بیشتر است.

به طور کلی نماگرهای محاسبه شده نشان دهنده این است که وضعیت بهره‌وری سرمایه‌گذاری در صنایع نساجی در دوره سوم نسبت به دوره قبل بهبود پیدا کرده است. اما هنوز مقدار آن بسیار پایین بوده و حتی به نصف دوره قبل از انقلاب نیز نرسیده است. برای اینکه سرمایه بیشتری جذب این صنعت شده و زمینه‌های توسعه و شکوفایی این صنعت فراهم شود باید مقدار نماگر بهره‌وری سرمایه‌گذاری به اندازه کافی افزایش یابد یا به عبارت دیگر به ازای هر واحد سرمایه مقدار بیشتری ارزش افزوده حاصل شود چیزی که تاکنون در صنعت نساجی اتفاق نیافتاده است.

جدول ۶- ۵ بهره‌وری سرمایه‌گذاری کارگاه‌های با بیش از ۱۰ نفر کارکن

رتبه صنایع نساجی و چرم	بهره‌وری سرمایه‌گذاری - درصد		سال
	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	
۴	۲۷/۱	۲۹/۱	۱۳۵۳
۴	۲۳/۴	۲۵/۹	۱۳۵۴
۲	۲۹/۲	۲۰/۸	۱۳۵۵
—	—	—	۱۳۵۶
—	—	—	۱۳۵۷
۳	۲۶/۶	۲۵/۳	متوسط سالانه
۶	۱۰/۱	۱۶/۷	۱۳۵۸
۶	۵/۴	۸/۶	۱۳۵۹
۶	۷/۸	۸/۵	۱۳۶۰
۶	۷/۷	۱۰/۴	۱۳۶۱
۸	۹/۳	۱۱/۱	۱۳۶۲
۸	۷/۳	۱۰/۴	۱۳۶۳
۸	۷/۰	۱۱/۴	۱۳۶۴
۷	۷/۷	۱۱/۰	۱۳۶۵
۹	۶/۳	۹/۴	۱۳۶۶
۷	۳/۳	۶/۸	۱۳۶۷
۷	۷/۲	۱۰/۴	متوسط سالانه
۵	۵/۰	۷/۱	۱۳۶۸
۴	۶/۶	۶/۸	۱۳۶۹
۷	۱۴/۳	۱۵/۰	۱۳۷۰
۳	۱۹/۸	۱۷/۶	۱۳۷۱
۶	۱۶/۷	۱۵/۴	۱۳۷۲
			۱۳۷۳
			۱۳۷۴
۵	۱۲/۵	۱۲/۴	متوسط سالانه

مأخذ: مرکز آمار ایران، آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی.

۶- ۴ موجودی انبار

تغییر ارزش موجودی انبار از تفاوت موجودی انبار در ابتدا و انتهای یک دوره مالی به دست می‌آید. مرکز آمار ایران در طرح‌های آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی موجودی انبار را شامل کالاهای ساخته شده، کالاهای در جریان ساخت، کالاهایی که بدون تغییر شکل به فروش می‌رسند معرفی می‌کند. که از این میان تغییر موجودی انبار کالاهای ساخته شده برآوردی از وضعیت تولید فروش رفته می‌دهد هر چند این اطلاعات به طور دقیق وضعیت فروش محصول را در بازار نشان نمی‌دهد ولی تصویری از وضعیت رونق یا رکود بازار این محصولات را ارائه می‌دهد.

ذکر این نکته لازم است در آمارگیریهای صنعتی انجام گرفته تنها آمار رسمی که دارای جامعیت باشد، آمار مرکز آمار درباره ارزش موجودی انبار است که در جدول ۶ - ۶ ارزش تغییرات موجودی انبار کالاهای ساخته شده آن برای صنایع نساجی و چرم و کل صنایع ارائه شده است.

همان طور که در این جدول ملاحظه می شود ارزش تغییر موجودی انبار کالای ساخته شده از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ افزایش یافته است و این یعنی اینکه در طی این سالها میزان کالاهایی ساخته شد فروش نرفته و در انبار مانده صنایع نساجی و چرم افزایش یافته است. این افزایش برای کل صنایع نیز دیده می شود و حتی میزان افزایش آن بیشتر از صنایع نساجی است. صنایع نساجی در بین صنایع نه گانه در دو سال ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ بیشترین حجم کالای ساخته شده موجود در انبار را در بین صنایع نه گانه دارا بوده اند که در سال ۱۳۶۹ به سومین صنعت ارتقا پیدا کرده است. در سال ۱۳۷۰ ارزش موجودی انبار کالای ساخته شده صنایع نساجی به شدت کاهش یافته و منفی شده است به این معنی که ارزش موجودی انبار در پایان سال کمتر از اول سال بوده است و از این نظر در بین صنایع کمترین میزان بین صنایع نه گانه است. در سال ۱۳۷۱ موجودی انبار کالاهای ساخته شده صنایع نساجی و چرم حدود ۷۹،۰۰۹ میلیون ریال بوده که از این نظر بین صنایع نه گانه چهارمین صنعت است. بالاخره در سال ۱۳۷۲ کالاهای ساخته شده صنعت نساجی و چرم موجود در انبار کاهش یافته است و به ۱۱،۵۶۲ میلیون ریال رسیده که نسبت به مقدار مشابه آن در کل صنایع حدود ۲۹۶،۵۳۲ میلیون ریال در سال ۱۳۷۲ بسیار کمتر است. در این سال صنعت نساجی وضعیت خوبی بین صنایع نه گانه برخوردار است و از این نظر ششمین صنعت به شمار می رود.

جدول ۶ - ۶ ارزش تغییر موجودی انبار کالای ساخته شده کارگاههای صنعتی

سال	تغییر موجودی انبار کالای ساخته شده - میلیون ریال		رشد تغییر موجودی انبار کالای ساخته شده - درصد		رتبه صنایع نساجی و چرم در بین صنایع
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	
۱۳۶۷	۱۵۳،۷۵۰	۶۴،۸۳۶	—	—	۱
۱۳۶۸	۲۲۹،۷۸۴	۷۱،۸۸۲	۴۹/۵	۱۰/۹	۱
۱۳۶۹	۶۳۶،۹۶۴	۱۲۷،۰۸۳	۱۷۷/۲	۷۶/۸	۳
۱۳۷۰	۲۵۸،۲۳۲	-۴۰،۷۶۰۰	-۵۹/۵	-۴۲۰/۷	۹
۱۳۷۱	۳۶۳،۳۱۷	۷۹،۰۰۸	۴۰/۷	-۱۱۹/۴	۴
۱۳۷۲	۲۹۶،۵۳۲	۱۱،۵۶۲	-۱۸/۴	-۸۵/۴	۶

مأخذ: مرکز آمار ایران، آمارگیری از کارگاههای صنعتی.

۷ - وضعیت بازرگانی خارجی در صنعت نساجی ایران

بررسی روند صادرات و واردات کالاهای نساجی و مقایسه موقعیت آن در بین سایر کالاها و بررسی ارزیابی صنایع نساجی از مسایلی است که در این قسمت با استفاده از آمارهای موجود به آنها پرداخته می شود. سعی بر این است که تصویری از وضعیت گذشته و موجود صنایع نساجی از جنبه تجارت خارجی داده شده و تحولات آن طی زمان مورد تحلیل قرار گیرد. برای این منظور در دو قسمت ابتدا به بررسی صادرات صنایع نساجی و در قسمت دوم به

۷-۱ ارزش صادرات

جدول ۷-۱ ارزش صادرات کالاهای صنعتی را که از گزارش اقتصادی بانک مرکزی استخراج شده به همراه چند نماگر نشان می‌دهد.^(۱) در این جدول نیز مشابه جداول گذشته دوره مورد بررسی به ۳ دوره مجزا یعنی دوره قبل از انقلاب (دوره اول)، دوره بعد از انقلاب تا پایان جنگ (دوره دوم) و دوره بعد از جنگ یا دوران بازسازی (دوره سوم) تقسیم شده است. در دوره اول، ارزش صادرات کالاهای نساجی شامل ملبوس آماده، ترکیه و انواع پارچه همواره رشد منفی داشته و از ۴۴/۲ میلیون دلار در سال ۱۳۵۳ به ۲۰/۱ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ کاهش یافته است و متوسط رشد دوره‌ای آن ۱۷/۱- درصد است. روند صادرات کالاهای صنعتی با نوسان همراه بوده ولی در مجموع به طور متوسط سالانه حدود ۰/۸ درصد رشد داشته است. کالاهای نساجی در ارزش صادرات کالاهای صنعتی سهم بالایی داشته و در بین سایر کالاها دارای رتبه اول است. اما این سهم طی دوره از ۲۷/۷ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۱۲/۹ درصد کاهش یافته است. در دوره دوم ارزش صادرات کالاهای نساجی و کل کالاهای صنعتی تا سال ۱۳۶۰ با رشد منفی روبرو بوده و مقدار آن به شدت کاسته شده به طوری که مقدار صادرات کالاهای صنعتی از ۱۵۵/۳ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ به ۱۲/۶ میلیون دلار در سال ۱۳۶۰ محدود شده که کمترین میزان صادرات کالاهای صنعتی در دوره مورد بررسی است. پس از سال ۱۳۶۰ رشد صادرات کالاهای صنعتی تا پایان دوره مثبت است اما رشد صادرات کالاهای نساجی مجدداً در سالهای ۱۳۶۴، ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ منفی شده است. با توجه به این کاهش‌ها متوسط سالانه ارزش صادرات در این دوره برای کالاهای صنعتی ۷۱ میلیون دلار و برای کالاهای نساجی حدود ۹/۸ میلیون دلار است که نسبت به متوسط دوره قبل از انقلاب بسیار پایین بوده است. سهم کالاهای نساجی به ارزش صادرات کالاهای نساجی تا سال ۱۳۶۳، سهم بسیار بالایی است به طوری که از این نظر دارای بالاترین سطح و در رتبه اول قرار دارد. از سال ۱۳۶۴ این سهم کاهش می‌یابد و رتبه کالاهای نساجی نیز از ۱ به ۲ و سپس به ۴ تنزل پیدا می‌کند. با وجود کاهش صادرات کالاهای نساجی در سالهای آخر دوره دوم اما متوسط سالانه سهم کالاهای نساجی در ارزش صادرات در این دوره به ۳ درصد بالغ می‌شود که از این نظر در بین کالاهای صنعتی به طور متوسط دارای رتبه دوم است. در دوره سوم و در ابتدای آن یعنی سال ۱۳۶۸ رشد منفی صادرات کالاهای نساجی ادامه می‌یابد و به میزان ۲۱/۷- درصد از صادرات آن کاسته می‌شود. در این سال همچنین صادرات کالاهای صنعتی با ۴۷/۳- درصد کاهش روبرو می‌شود. پس از این سال صادرات کالاهای صنعتی تا سال ۱۳۷۳ به روند افزایشی خود ادامه داده و به ۱۵۱۰ میلیون دلار می‌رسد که بیشترین مقدار صادرات در دوران مورد بررسی است. در مورد کالاهای نساجی نیز این وضعیت دیده می‌شود و با این تفاوت که در سال ۱۳۷۲ صادرات این کالاها با رشد منفی ۳۴/۴- درصد روبروست و در بقیه سالها رشد مثبت و بالایی را تجربه نموده است به طوری که مقدار صادرات کالاهای نساجی در سال ۱۳۷۴ به ۱۱۲/۵ میلیون دلار می‌رسد که بیشترین مقدار صادرات این کالاها در دوران مورد بررسی است. در این دوره متوسط

۱- بانک مرکزی نیز این آمار را از وزارت بازرگانی، اداره گمرک جمهوری اسلامی اخذ نموده است.

سالانه ارزش صادرات کالاهای صنعتی به ۸۲۳/۱ میلیون دلار و کالاهای نساجی به ۴۸/۸ میلیون دلار رسیده که نسبت به دوره قبل بسیار بیشتر است. سهم کالاهای نساجی در ارزش صادرات کالاهای صنعتی از ۴/۴ درصد در سال ۱۳۶۸ با نوسانهایی به ۱۰/۶ درصد در سال ۱۳۷۴ افزایش یافته و متوسط آن در طول دوره سالانه ۵/۵ درصد است. از نظر رتبه بین کالاها مختلف کالاهای خارجی در طول دوره با تغییراتی همراه بوده ولی از سال ۱۳۶۸ رتبه آن از ۵ تا سال ۱۳۷۴ به رتبه ۳ ارتقا یافته و متوسط رتبه آن در بین کالاهای صنعتی در این دوره ۴ بوده که نسبت به دو دوره قبل تنزل داشته است.

نماینگر دیگری که وضعیت صادرات کالاهای نساجی را نشان می‌دهد، سهم صادرات این کالاها در صادرات غیرنفتی است که در جدول ۷ - ۱ محاسبه شده است. در دوره اول سهم کالاهای نساجی از ۷/۶ درصد در سال ۱۳۵۳ کاهش و به ۳/۷ درصد یافته است و متوسط آن در دوره اول ۵ درصد می‌باشد. در دوره دوم مورد بررسی ابتدا تا سال ۱۳۶۳ سهم کالاهای نساجی در صادرات غیرنفتی افزایش یافته یعنی از ۱/۴ درصد در سال ۱۳۵۸ به ۴ درصد در سال ۱۳۶۲ رسیده است. سپس دوباره کاهش و در نهایت در سال ۱۳۶۷ به ۰/۷ درصد می‌رسد. متوسط این سهم در این دوره تقریباً ۱/۹ درصد است که نسبت به دوره قبل کمتر از نصف است. در دوره سوم، با افزایش صادرات کالاهای نساجی سهم این کالاها در صادرات غیرنفتی به مرور افزایش یافته به طوری که از ۰/۵ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۳/۵ درصد در سال ۱۳۷۴ می‌رسد و متوسط سالانه آن در این دوره تنها ۱/۵ درصد است که از دو دوره گذشته کمتر است. علت این کاهش با توجه به افزایش صادرات کالاهای نساجی در دوره سوم نسبت به دوره‌های دیگر این است که نرخ افزایش در صادرات غیرنفتی بیشتر از کالاهای نساجی بوده بنابراین اهمیت و سهم این کالاها در صادرات غیرنفتی کاهش یافته و در موقعیت نازل‌تری نسبت به سایر کالاها قرار گرفته است.

جدول ۷-۱ ارزش صادرات کارگاههای صنعتی

سال	ارزش صادرات - میلیارد دلار		رشد ارزش صادرات - درصد		رتبه کالاهای نساجی	سهم صادرات کالاهای نساجی در صادرات غیر نفتی
	کل صنایع	ملبوس آماده، تریکو و انواع پارچه	کل صنایع	ملبوس آماده، تریکو و انواع پارچه		
۱۳۵۳	۱۵۹/۷	۴۴/۲	—	—	۱	۷/۶
۱۳۵۴	۱۴۰/۷	۲۸/۷	-۱۱/۹	-۳۵/۱	۱	۴/۸
۱۳۵۵	۱۴۱/۳	۲۶/۷	۰/۴	-۷/۰	۱	۴/۹
۱۳۵۶	۱۱۸/۷	۲۴/۳	-۱۶/۰	-۹/۰	۱	۳/۹
۱۳۵۷	۱۵۵/۳	۲۰/۱	۳۰/۸	-۱۷/۳	۲	۳/۷
متوسط سالانه	۱۴۳/۱	۲۸/۸	۰/۸	-۱۷/۱	۱	۵/۰
۱۳۵۸	۶۳/۹	۱۱/۷	-۵۸/۹	-۴۱/۸	۱	۱/۴
۱۳۵۹	۲۱/۳	۱۰/۵	-۶۶/۷	-۱۰/۳	۱	۱/۶
۱۳۶۰	۱۲/۶	۸/۹	-۴۰/۸	-۱۵/۲	۱	۲/۶
۱۳۶۱	۲۱/۳	۹/۶	۶۹/۰	۷/۹	۱	۳/۴
۱۳۶۲	۲۴/۷	۱۰/۰	۱۶/۰	۴/۲	۱	۲/۸
۱۳۶۳	۲۷	۱۴/۳	۹/۳	۴۳/۰	۱	۴/۰
۱۳۶۴	۶۴/۸	۰/۸	۱۴۰/۰	-۹۴/۴	۲	۰/۲
۱۳۶۵	۱۰۹/۹	۱۵/۴	۶۹/۶	۱۸۲۵/۰	۲	۱/۷
۱۳۶۶	۱۳۱/۸	۹/۹	۱۹/۹	-۳۵/۷	۴	۰/۹
۱۳۶۷	۲۳۲/۷	۶/۹	۷۶/۶	-۳۰/۳	۴	۰/۷
متوسط سالانه	۷۱/۰	۹/۸	۲۳/۴	۱۶۵/۲	۲	۱/۹
۱۳۶۸	۱۲۲/۶	۵/۴	-۴۷/۳	-۲۱/۷	۵	۰/۵
۱۳۶۹	۲۴۱/۵	۱۱/۷	۹۷/۰	۱۱۶/۷	۴	۰/۹
۱۳۷۰	۶۶۰	۲۳/۵	۱۷۳/۳	۱۰۰/۹	۵	۰/۹
۱۳۷۱	۹۷۰/۹	۵۵/۶	۴۷/۱	۱۳۶/۶	۳	۱/۹
۱۳۷۲	۱۰۱۹۱/۷	۳۶/۵	۲۲/۷	-۳۴/۴	۵	۱/۰
۱۳۷۳	۱۵۱۰/۰	۹۶/۱	۲۶/۷	۱۶۳/۳	۴	۲/۰
۱۳۷۴	۱۰۰۶۵/۷	۱۱۲/۵	-۲۹/۴	۱۷/۱	۳	۳/۵
۱۳۷۵						
متوسط سالانه	۸۲۳/۲	۴۸/۸	۴۱/۴	۶۸/۳	۴	۱/۵

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه.

آمار دیگری که در رابطه با صادرات صنایع مختلف می‌توان به آن استناد نمود آمار صادرات وزارت صنایع است که تصویری از وضعیت صادرات صنایع نساجی ارائه می‌کند. این آمار و اطلاعات در سالهایی که منتشر شده در جدول ۷-۲ ملاحظه می‌شود. با توجه به آمار این جدول ارزش صادرات کل صنایع تحت پوشش وزارت صنایع در سال ۱۳۶۸ حدود ۷۶ میلیون دلار و ارزش صادرات صنایع نساجی ۲۱/۳ میلیون دلار بوده که حدود ۲۸ درصد ارزش صادرات کل صنایع را تشکیل می‌دهد. در سال پایان برنامه اول یعنی سال ۱۳۷۲ مقدار صادرات کل صنایع به ۵۳۵ درصد رشد به ۴۸۲ میلیون دلار می‌رسد ولی صادرات صنایع نساجی تنها به اندازه ۲۴۵ درصد رشد نموده و به ۷۳/۶ میلیون دلار بالغ می‌شود که بدین ترتیب سهم صنایع نساجی به ۱۵/۳ درصد کاهش می‌یابد. از این سال به بعد رشد صادرات صنایع نساجی به مراتب بیشتر از کل صنایع می‌باشد به طوری که در سال ۱۳۷۵ میزان صادرات کل صنایع به ۱۱،۳۳۰ میلیون دلار بالغ می‌شود که از این میزان ۳۶۹ میلیون دلار یعنی ۳۲/۶ درصد آن به صنایع نساجی اختصاص دارد. بنابراین با اینکه در دوران برنامه اول نقش و اهمیت صنایع نساجی در صادرات کل صنایع کاسته شده ولی این کاهش در سالهای بعد جبران شده و این صنعت از لحاظ ارزآوری صنایع مختلف تحت پوشش این وزارت از اهمیت و نقش بالایی برخوردار شده است.

جدول ۷-۲ ارزش صادرات وزارت صنایع

سال	ارزش صادرات وزارت صنایع - میلیون دلار		رشد ارزش صادرات وزارت صنایع - درصد		سهم صنایع نساجی و چرم درصد
	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	کل صنایع	صنایع نساجی و چرم	
۱۳۶۸	۷۶/۰	۲۱/۳	—	—	۲۸/۰
۱۳۶۹					
۱۳۷۰					
۱۳۷۱					
۱۳۷۲	۴۸۲/۴	۷۳/۶	—	—	۱۵/۳
۱۳۷۳	۸۹۰/۵	۱۸۴/۴	۸۴/۶	۱۵۰/۵	۲۰/۷
۱۳۷۴	۷۸۳/۰	۱۶۴/۰	-۱۲/۱	-۱۱/۰	۲۰/۹
۱۳۷۵	۱،۱۳۳/۰	۳۶۹/۰	۴۴/۷	۱۲۵/۰	۳۲/۶
۱۳۷۶					

مأخذ: وزارت صنایع، سالنامه آمارهای صنعتی.

۷-۲ ارزش واردات

ارزش واردات گمرکی کشور با توجه به آمار دریافتی از اداره گمرک بر مبنای تعرفه‌های وارداتی طبقه‌بندی شده است که در جدول ۷-۳ آورده شده و وضعیت واردات مواد نساجی انواع نخهای الیاف نساجی و محصولات وابسته به آن را در کل واردات کشور نشان می‌دهد. در دوره اول مورد بررسی تا سال ۱۳۵۶ واردات کل کشور و مواد نساجی افزایش یافته و در سال ۱۳۵۷ کاهش یافته است در این دوره متوسط میزان افزایش واردات کل کشور بیش از دو برابر واردات مواد نساجی است. این امر سبب شده که سهم این مواد در واردات کل کشور از ۷/۴ درصد در سال ۱۳۵۳ به

۴/۴ درصد در سال ۱۳۵۷ کاهش یابد. متوسط سالانه این سهم در دوره اول مورد بررسی ۵/۴ درصد است. در دوره دوم واردات با نوسان زیادی روبرو بوده است. بیشترین واردات مربوط به سال ۱۳۶۲ است که واردات کل کشور به ۱۸۱۰۳ میلیون دلار و واردات مواد نساجی به ۱۸۸۶ میلیون دلار (این مقدار بیشترین میزان واردات مواد نساجی در طول دوران مورد بررسی است) بوده و کمترین میزان واردات کل کشور در سال ۱۳۶۷ با ۸۱۷۷ میلیون دلار و برای صنایع نساجی در سال ۱۳۶۶ با ۲۷۷ میلیون دلار بوده است. در این دوره میزان افزایش واردات مواد نساجی بیشتر از کل واردات کشور است به همین دلیل سهم این مواد در واردات افزایش یافته است. بیشترین مقدار این سهم در طول دوران مورد بررسی مربوط به سال ۱۳۶۴ با ۱۲/۸ درصد است و متوسط سالانه آن برای دوره دوم حدود ۷/۴ درصد است که از متوسط دوره قبل بیشتر است.

در دوره سوم با اجرای برنامه اول توسعه و اجرای طرحهای مختلف عمرانی میزان واردات کل کشور به شدت افزایش یافت در سال ۱۳۷۱ به ۲۹،۸۷۰ میلیون دلار بالغ شد که بیشترین مقدار واردات کشور در طول دوران مورد بررسی است. پس از این سال واردات کشور کاهش یافته و در سال ۱۳۷۴ به ۱۲۲۰۸ میلیون دلار رسید. واردات مواد نساجی نیز تا سال ۱۳۷۰ به ۱۰۳۰ میلیون دلار بالغ شد که پس از این سال نرخهای رشد منفی بالا را تجربه نموده و در سال ۱۳۷۴ به ۴۳۱ میلیون دلار کاهش یافت. در این دوره سهم مواد نساجی از ۴/۴ درصد در سال ۱۳۶۸ کاهش و به ۲/۷ درصد در سال ۱۳۷۲ رسیده سپس دوباره افزایش و به ۳/۵ درصد رسیده است. به طور متوسط سالانه مقدار این سهم حدود ۳/۴ درصد است که کمتر از دو دوره قبل است. بنابراین می توان گفت که ارزیابی این صنایع در این دوره کاهش یافته و میزان وابستگی آن به خارج نسبت به سایر صنایع کمتر شده است.

جدول ۷-۳ ارزش واردات گمرکی

سال	ارزش واردات گمرکی - میلیون دلار		رشد ارزش واردات گمرکی - درصد		سهم درصد
	کل	انواع نخها و الیاف نساجی و محصولات وابسته به آن	کل	انواع نخها و الیاف نساجی و محصولات وابسته به آن	
۱۳۵۳	۶۶۱۴	۴۸۷	۷۷/۰	۵۱/۷	۷/۴
۱۳۵۴	۱۱۶۹۶	۵۰۱	۷۶/۸	۲/۹	۴/۳
۱۳۵۵	۱۲,۷۶۶	۶۸۵	۹/۱	۳۶/۷	۵/۴
۱۳۵۶	۱۴,۶۲۶	۸۲۸	۱۴/۶	۲۰/۹	۵/۷
۱۳۵۷	۱۰,۳۷۲	۴۵۲	-۲۹/۱	-۴۵/۴	۴/۴
متوسط سالانه	۱۱,۲۱۵	۵۹۱	۲۹/۷	۱۳/۴	۵/۴
۱۳۵۸	۹,۶۹۵	۵۶۲	-۶/۵	۲۴/۳	۵/۸
۱۳۵۹	۱۰,۸۴۴	۸۳۷	۱۱/۹	۴۸/۹	۷/۷
۱۳۶۰	۱۳,۵۱۵	۱,۲۲۲	۲۴/۶	۴۶/۰	۹/۰
۱۳۶۱	۱۱,۸۴۵	۹۳۸	-۱۲/۴	-۲۳/۲	۷/۹
۱۳۶۲	۱۸,۱۰۳	۱,۸۸۶	۵۲/۸	۱۰۱/۱	۱۰/۴
۱۳۶۳	۱۴,۴۹۴	۱,۱۹۷	-۱۹/۹	-۳۶/۵	۸/۳
۱۳۶۴	۱۱,۴۰۸	۱,۴۵۵	-۲۱/۳	۲۱/۶	۱۲/۸
۱۳۶۵	۹,۳۵۵	۵۳۰	-۱۸/۰	-۶۳/۶	۵/۷
۱۳۶۶	۹,۳۶۹	۲۷۷	۰/۱	-۴۷/۷	۳/۰
۱۳۶۷	۸,۱۷۷	۲۸۲	-۱۲/۷	۱/۸	۳/۴
متوسط سالانه	۱۱,۶۸۱	۹۱۹	-۰/۱	۷/۳	۷/۴
۱۳۶۸	۱۲,۸۰۷	۵۶۰	۵۶/۶	۹۸/۶	۴/۴
۱۳۶۹	۱۸,۷۲۲	۶۴۰	۴۶/۲	۱۴/۳	۳/۴
۱۳۷۰	۲۹,۶۷۷	۱,۰۳۰	۵۸/۵	۶۰/۹	۳/۵
۱۳۷۱	۲۹,۸۷۰	۸۵۰	۰/۷	-۱۷/۵	۲/۸
۱۳۷۲	۲۰,۰۳۷	۵۴۳	-۳۲/۹	-۳۶/۱	۲/۷
۱۳۷۳	۱۱,۷۹۵	۴۳۱	-۴۱/۱	-۲۰/۶	۳/۷
۱۳۷۴	۱۲,۲۰۸	۴۳۱	۳/۵	۰/۰	۳/۵
۱۳۷۵					
متوسط سالانه	۱۹,۳۰۲	۷۴۱	۱۳/۱	۱۴/۲	۳/۴

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه.

جدول ۷-۴ اطلاعات مربوط به واردات مواد اولیه و واسطه‌ای صنعت نساجی و صنعت و معدن را نشان می‌دهد. در دوره اول واردات مواد اولیه و واسطه‌ای صنعت نساجی در سال ۱۳۵۴ با ۵۷/۶ رشد به ۱۴۰،۱۱۴ هزار دلار بالغ شده که بیشترین میزان واردات در دوران ۲۰ ساله مورد بررسی است. در این سال سهم این صنعت در کل واردات صنعت و معدن نیز به بیشترین میزان خود در دوران مورد بررسی یعنی ۴۸/۷ درصد می‌رسد که در این صنایع مختلف^(۱) بیشترین مقدار است. در این دوره متوسط سالانه واردات مواد اولیه و واسطه‌ای صنعت و معدن حدود ۲۷۹،۲۲۱ هزار دلار و صنعت نساجی حدود ۱۱۲،۸۲۸ هزار دلار بوده و متوسط سالانه سهم صنعت نساجی ۴۰/۵ درصد و از نظر رتبه در بین صنایع مختلف رتبه اول را داراست که نشان دهنده وابستگی شدید صنعت نساجی به مواد اولیه و واسطه‌ای خارجی نسبت به سایر صنایع کشور دارد. در دوره دوم روند نزولی واردات مواد اولیه و واسطه‌ای ادامه یافت و تا سال ۱۳۶۱ از میزان آن کاسته می‌شود به طوری که واردات صنعت و معدن به ۹۶،۰۲۵ میلیون دلار می‌رسد که از این میزان تنها ۲ درصد آن یعنی ۱،۹۳۵ هزار دلار آن به صنعت نساجی تعلق داشته است.^(۲) پس از سال ۱۳۶۱ واردات صنعت و معدن روند صعودی گرفته و تا پایان سال به ۳۷۲،۱۸۴ میلیون دلار بالغ می‌شود. اما واردات صنعت نساجی تا سال ۱۳۶۵ افزایش و سپس کاهش یافته است. متوسط سالانه ارزش واردات مواد اولیه و واسطه‌ای در این دوره برای صنعت و معدن ۱۸۵،۹۸۹ هزار دلار و برای صنعت نساجی ۱۷،۱۵۹ هزار دلار بوده که واردات صنعت نساجی در این دوره نسبت به دوره قبل به شدت کاهش نشان می‌دهد. با توجه به این کاهش سهم این صنعت در واردات صنعت و معدن از ۳۶/۹ درصد در سال ۱۳۵۸ (ابتدای دوره) به ۲/۳ درصد در سال ۱۳۶۷ (انتهای دوره) کاهش یافته است و از این نظر در بین صنایع مختلف در طول دوره به جز سال ۱۳۵۸ دارای رتبه چهارم است. در دوره سوم واردات مواد اولیه روندی افزایشی پیدا کرده و این افزایش در مورد صنعت و معدن بیشتر از صنعت نساجی به طوری که واردات صنعت و معدن از ۲۹۳،۴۸۹ هزار دلار به ۱،۰۳۷،۹۳۵ هزار دلار یعنی حدوداً سه برابر شده در حالی که واردات صنعت نساجی از ۱۱،۲۸۲ هزار دلار به ۱۹،۶۳۶ هزار دلار یعنی کمتر از ۲ برابر افزایش یافته است. این امر سبب شده تا سهم واردات مواد اولیه صنعت نساجی در کل واردات مواد اولیه صنعت و معدن از ۳/۸ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۱/۹ درصد کاهش یابد و رتبه آن از ۵ به ۶ یعنی آخرین صنعت تبدیل شده که به معنای کاهش وابستگی این صنعت به مواد اولیه و واسطه‌ای خارجی نسبت به سایر صنایع است. آنچه از آمار و نماگرهای محاسبه شده آمار این جدول (۷-۴) برمی‌آید، صنعت نساجی از جمله صنایعی بوده است که در دوران بعد از انقلاب به شدت از بند وابستگی به مواد اولیه خارجی و واسطه‌ای خارجی رهایی یافته و قسمت اعظم احتیاجات واسطه‌ای

۱- صنایع مختلف شامل صنعت نساجی، صنعت شیمیایی، صنعت شیمیایی و چرم، صنایع ذوب فلزات، صنایع غذایی و سایر صنایع است.

۲- این کاهش ناگهانی در واردات مواد اولیه و واسطه‌ای صنعت نساجی را نمی‌توان ناشی از بهبود و تغییر شیوه تولید این صنعت دانست یا به مسئله‌ای چون ایجاد صنایع پایین‌دستی به گونه‌ای که ناگهان در عرض یکسال قسمت عمده مواد اولیه و واسطه‌ای این صنعت را تولید نماید مرتبط کرد. بلکه علت این مسئله در کاهش تولید، ممنوعیت شدید واردات این مواد برای سوق دادن صاحبان صنایع به استفاده از مواد داخلی و در حالت دیگر می‌توان به تغییر در نحوه جمع‌آوری و برآورد آمارها اشاره نمود. در هر حال از آنجا که تنها آمار موجود در این زمینه همین آمار است بنابراین به آن اعتماد کرده و براساس آن بررسی تحولات واردات مواد اولیه و واسطه‌ای صنایع مختلف پرداخته شود.

این صنعت با توجه به سطح تولید موجود در کشور از داخل تامین می‌شود. (در حقیقت واردات ۱۹ میلیون دلاری صنعت نساجی در مقابل واردات یک میلیارد دلاری صنعت و معدن در سال ۱۳۷۲ بسیار ناچیز می‌نماید.)

جدول ۷ - ۴ واردات مواد اولیه و واسطه‌ای صنعت و معدن

سال	ارزش واردات مواد اولیه - هزار دلار		رشد ارزش واردات مواد اولیه - درصد		سهم صنعت نساجی - درصد	رتبه صنایع نساجی در بین صنایع
	صنعت و معدن	صنعت نساجی	صنعت و معدن	صنعت نساجی		
۱۳۵۳	۲۸۸،۱۸۰	۸۸،۹۲۲	—	—	۳۰/۹	۱
۱۳۵۴	۲۸۷،۵۷۹	۱۴۰،۱۱۴	-۰/۲	۵۷/۶	۴۸/۷	۱
۱۳۵۵	۲۷۳،۳۵۲	۱۲۵،۷۱۶	-۴/۹	-۱۰/۳	۴۶/۰	۱
۱۳۵۶	۲۵۹،۴۹۵	۱۰۵،۷۷۹	-۵/۱	-۱۵/۹	۴۰/۸	۱
۱۳۵۷	۲۸۷،۴۹۸	۱۰۳،۶۰۷	۱۰/۸	-۲/۱	۳۶/۰	۱
متوسط سالانه	۲۷۹،۲۲۱	۱۱۲،۸۲۸	۰/۱	۷/۳	۴۰/۵	۱
۱۳۵۸	۲۰۷،۹۸۴	۷۶،۸۰۳	-۲۷/۷	-۲۵/۹	۳۶/۹	۱
۱۳۵۹	۱۱۹،۳۷۱	۶۶،۰۰۰	-۴۲/۶	-۹۱/۴	۵/۵	۵
۱۳۶۰	۱۰۷،۷۲۸	۳،۱۳۱	-۹/۸	-۵۲/۶	۲/۹	۵
۱۳۶۱	۹۶،۰۲۵	۱،۹۳۵	-۱۰/۹	-۳۸/۲	۲/۰	۵
۱۳۶۲	۷۹،۴۳۸	۵،۸۴۶	-۱۷/۳	۲۰،۲/۱	۷/۴	۵
۱۳۶۳	۱۴۱،۹۴۵	۸،۳۵۸	۷۸/۷	۴۳/۰	۵/۹	۵
۱۳۶۴	۱۹۰،۶۴۷	۱۸،۶۵۱	۳۴/۳	۱۲۳/۲	۹/۸	۵
۱۳۶۵	۲۳۲،۷۶۱	۲۱،۵۴۹	۲۲/۱	۱۵/۵	۹/۳	۵
۱۳۶۶	۳۱۱،۸۰۲	۲۰،۱۰۱	۳۴/۰	-۶/۷	۶/۴	۵
۱۳۶۷	۳۷۲،۱۸۴	۸،۶۲۰	۱۹/۴	-۵۷/۱	۲/۳	۵
متوسط سالانه	۱۸۵،۹۸۹	۱۷،۱۵۹	۸/۰	۱۱/۲	۸/۸	۴
۱۳۶۸	۲۹۳،۴۸۹	۱۱،۲۸۲	-۲۱/۱	۳۰/۹	۳/۸	۵
۱۳۶۹	۲۹۴،۳۷۵	۲،۵۶۷	۰/۳	-۷۷/۲	۰/۹	۶
۱۳۷۰	۴۸۹،۲۲۹	۱۶،۲۷۰	۶۶/۲	۵۳۳/۸	۳/۳	۶
۱۳۷۱	۶۲۴،۸۰۱	۱۸،۰۴۳	۲۷/۷	۱۰/۹	۲/۹	۶
۱۳۷۲	۱،۰۳۷،۹۳۵	۱۹،۶۳۶	۶۶/۱	۸/۸	۱/۹	۶
۱۳۷۳						
۱۳۷۴						
۱۳۷۵						
متوسط سالانه	۵۴۷،۹۶۶	۱۳،۵۶۰	۲۷/۸	۱۰،۱/۴	۲/۶	۵

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه.

میزان تغییرات مقدار عرضه و تقاضای محصولات صنعتی در بازار و قیمت آن از جمله مباحثی است که در قسمت مبادلات می‌توان به آن پرداخت و از این طریق حجم بازار محصولات تولید شده و اهمیت آنها را در اقتصاد بازار را شناخت و بر مبنای آن به سیاست‌گذاری برای رشد و شکوفایی صنعت مورد نظر اقدام نمود. با توجه به آمار و اطلاعات منتشر شده و دسترس در این قسمت به بررسی نوسان قیمت‌ها و جایگاه آن در شاخص کل قیمت و ارزش تغییرات کالاهای ساخته شده در صنایع نساجی و چرم پرداخته می‌شود. هدف از انجام این بررسی دستیابی بر تصویری از وضعیت کالاهای نساجی در بازار محصولات است. برای تحقق این هدف، در ادامه ابتدا شاخص قیمت و سپس ارزش تغییر موجودی محصولات نساجی مورد بررسی قرار گیرد.

شاخص قیمت از مهمترین و معمول‌ترین شاخصهای اقتصادی است که برای مطالعه در اوضاع اقتصادی به کار می‌رود. از اهداف مهم محاسبه این شاخصها، اندازه‌گیری قدرت خرید پول در جریان، اندازه‌گیری تغییرات هزینه زندگی مردم، تشخیص فشارهای تورمی و ضدتورمی، تشخیص شرایط مبادله بخشهای مختلف تولیدی و دنیای خارج محاسبه درآمد ملی کشور به قیمت ثابت و بررسی اوضاع عمومی اقتصاد است. به علت تعدد و تفاوت اهداف مذکور لازم است محاسبه شاخصهای قیمت در بخشهای مختلف اقتصادی به صورت جداگانه صورت می‌پذیرد تا بتوان با استفاده از مجموعه‌ای از شاخصهای متفاوت قیمت به تصویر روشن و واضحی از وضعیت اقتصادی حاکم بر کشور دست یافت. مجموعه این شاخصها در دو گروه یعنی خرده‌فروشی و عمده‌فروشی توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی از بدو تاسیس محاسبه و منتشر شده است. این بانک در سالهای اخیر اقدام به همانندسازی سال پایه شاخصها نموده و سال پایه تمام شاخصها را به سال ۱۳۶۹ تغییر داده است.

شاخص قیمت کالاهای نساجی و مقایسه آن با شاخص کل در دو گروه خرده‌فروشی و عمده‌فروشی وضعیت و موقعیت کالاهای تولید شده صنایع نساجی را در بازار کالاها از نظر ارزش نشان می‌دهد که در دو قسمت جداگانه یعنی شاخص قیمت خرده‌فروشی و شاخص قیمت عمده‌فروشی به بررسی آن پرداخته شده است.

۸-۱ شاخص قیمت خرده‌فروشی

شاخص قیمت خرده‌فروشی یا شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران نشان‌دهنده تغییرات قیمت کالاها در سطح مصرف‌کننده و عرضه‌کننده دوم است. تغییرات سالانه شاخص کل قیمت میزان تورم را نشان می‌دهد. شاخص قیمت خرده‌فروشی برای طیف وسیعی از کالاها محاسبه می‌شود که شاخص قیمت هر یک از کالاها دارای ضریب اهمیتی است که میزان تاثیرگذاری نوسانهای آنها را در شاخص قیمت کل کالاها نشان می‌دهد. در مورد بخش نساجی، کالاهای زیادی از پوشاک تا مدت دوخت و دوز را شامل می‌شود که به لحاظ نوع بررسی این گزارش به بررسی شاخص قیمت خرده‌فروشی محصول عمده صنایع یعنی انواع پارچه پرداخته می‌شود. در جدول ۸-۱ مجموعه شاخص قیمت کل و انواع پارچه و در جدول ۸-۲ تغییرات سالانه این شاخصها آورده شده است. قبل از بررسی ارقام این جداول ذکر این نکته لازم است که تا سال ۱۳۶۱ شاخص قیمت انواع پارچه

در جداول بانک مرکزی موجود نبوده و تنها به تفکیک نوع پارچه شاخصها موجود است.

در دوره اول مورد بررسی (۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷) شاخص قیمت کلیه پارچه‌ها به جز پارچه پیراهن زنانه از شاخص قیمت کل کالاها کمتر است. و متوسط سالانه شاخص کل در این دوره نسبت به شاخص قیمت پارچه‌های مختلف به جز پارچه پیراهن زنانه بسیار بیشتر است که نشان‌دهنده پایین بودن شاخص قیمت کالاهای نساجی در این دوره است. در این دوره میزان افزایش شاخص قیمت نیز در کلیه پارچه‌ها نسبت به افزایش شاخص قیمت کل کالاها یا میزان تورم کمتر است به طوری که متوسط افزایش شاخص کل یا تورم کشور در این دوره ۱۵/۱ درصد است که تنها میزان متوسط افزایش قیمت در پارچه چیت حدود ۱۵ درصد است. در دوره دوم (۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷)، شاخص قیمت پارچه‌های مختلف در تمام سالها از شاخص قیمت کل خرده‌فروشی کمتر است. (فقط مقدار شاخص قیمت پارچه چادری نخ در سال ۱۳۶۷ اندکی بیشتر از شاخص کل قیمت است). متوسط سالانه شاخص قیمت خرده‌فروشی در این دوره برای کل کالاها ۳۸ درصد و برای انواع پارچه‌ها حدود ۲۲/۷ درصد است. بیشترین مقدار متوسط شاخص قیمت در بین پارچه‌های مختلف با ۳۴/۵ درصد به پارچه پیراهن زنانه و سپس به پارچه‌ها چادری نخ با ۳۲/۲ درصد تعلق دارد. رشد سالانه شاخص قیمت خرده‌فروشی و انواع پارچه در طول دوره سوم تا سال ۱۳۶۵ همواره کمتر از نرخ رشد تورم کشور بوده و حتی در بعضی از سالها (نظیر سال ۱۳۶۴) با رشد منفی روبرو بوده است. اما این روند در سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ معکوس شده و میزان رشد شاخص قیمت در پارچه‌های مختلف و انواع پارچه بیش از دو برابر نرخ تورم در کشور افزایش یافته است. متوسط رشد شاخص قیمت انواع پارچه در این دوره حدود ۲۶/۷ درصد و نرخ تورم حدود ۱۹ درصد است. بنابراین می‌توان گفت که با وجود اینکه شاخص قیمت پارچه کمتر از شاخص کل قیمت است اما میزان افزایش قیمت انواع پارچه بیشتر از نرخ تورم است.

در دوره سوم (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶) شاخص قیمت بعضی از پارچه‌ها از شاخص کل کالاها بیشتر است و اما شاخص قیمت انواع پارچه، که مقدار ترکیبی پارچه‌های مختلف را تشکیل می‌دهد، در طول دوره بسیار کمتر از شاخص کل کالاهاست. متوسط سالانه شاخص در این دوره ۱۸۶/۲ درصد برای انواع پارچه و ۲۵۱/۷ درصد برای کل کالاها است. در بین پارچه‌ها مختلف بیشترین مقدار متوسط سالانه شاخص با ۲۶۷/۱ درصد (که بیشتر از مقدار شاخص کل کالاهاست) به پارچه چادری نخ و سپس به پارچه چیت با ۲۳۶/۷ درصد تعلق دارد. رشد سالانه شاخص قیمت پارچه‌های مختلف تا سال ۱۳۷۲، به نسبت پایین است به ویژه در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ مقدار رشد در بعضی از پارچه‌ها منفی شده که به معنای کاهش قیمت این کالاهاست. اما از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ رشد سالانه شاخص قیمت پارچه‌های مختلف به شدت افزایش یافته و دوباره در سال ۱۳۷۶ این شاخص به شدت کاهش یافته و حتی در دو نوع پارچه منفی شده است. کمترین رشد شاخص قیمت انواع پارچه مربوط به سال ۱۳۷۱ با ۱/۳ درصد (در مقابل میزان تورم ۲۴/۴ درصد) و بیشترین آن مربوط به سال ۱۳۷۲ با ۷۵/۴ درصد (در مقابل نرخ تورم ۴۹/۴ درصد) است. به طور کلی متوسط رشد سالانه انواع پارچه در دوره سوم حدود ۲۲/۵ درصد بوده که از متوسط نرخ تورم در این دوره ۲۴/۴ درصد کمتر است.

با توجه به مطالب فوق باید گفت که میزان افزایش قیمت انواع پارچه در دوره سوم با اینکه در بعضی از سالها

بیشتر از نرخ تورم است و متوسط افزایش سالانه پارچه‌هایی نظیر چیت، پارچه لباسی مردانه تابستانی، پارچه لباسی مردانه پشمی، پارچه آستری، پارچه چادری نخی از متوسط نرخ تورم بیشتر است ولی با این حال متوسط افزایش سالانه قیمت انواع پارچه (ترکیبی از پارچه‌های مختلف با ضریب اهمیت‌های متفاوت^(۱)) نسبت به افزایش نرخ تورم (شاخص کل) کمتر است.

۱- ضریب اهمیت شاخص قیمت هر یک از پارچه‌ها در شاخص کل برای سال ۱۳۶۹ در انتهای جدول ۸ - ۱ آورده شده است.

جدول ۸- ۱ شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران

واحد: درصد، ۱۰۰ = ۱۳۶۹

عنوان	شاخص کل	انواع پارچه	پارچه چادری نخ	پارچه چادری از ابریشم مصنوعی	پارچه پیراهن زنانه	پارچه پیراهن مردانه	چیت	پارچه آستری	پارچه لباسی مردانه تابستانی	پارچه لباسی مردانه پشمی
۱۳۵۳	۸/۰	—	۵/۱	۳/۹	۱۰/۲	۳/۹	۴/۹	۲/۱	۳/۹	۴/۷
۱۳۵۴	۸/۸	—	۵/۲	۴/۱	۹/۸	۴/۰	۵/۰	۲/۱	۳/۹	۴/۶
۱۳۵۵	۱۰/۲	—	۵/۷	۴/۰	۸/۷	۴/۲	۶/۱	۲/۱	۴/۰	۴/۷
۱۳۵۶	۱۲/۸	—	۷/۰	۴/۳	۹/۰	۴/۹	۸/۰	۲/۴	۴/۵	۵/۳
۱۳۵۷	۱۴/۰	—	۷/۳	۵/۰	۱۰/۵	۵/۳	۸/۳	۲/۸	۴/۹	۵/۸
متوسط سالانه	۱۰/۷	۰/۰	۶/۱	۴/۳	۹/۶	۴/۵	۶/۴	۲/۳	۴/۲	۵/۰
ضریب اهمیت سال ۱۳۶۱	۱۰۰/۰۰	۱/۷۹	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۲۱	۰/۱۴	۰/۲۱	۰/۰۷	۰/۲۷	۰/۲۹
۱۳۵۸	۱۵/۶	—	۹/۳	۷/۴	۱۲/۵	۶/۵	۱۰/۵	۳/۸	۵/۹	۶/۷
۱۳۵۹	۱۹/۳	—	۱۳/۳	۹/۴	۱۵/۸	۹/۶	۱۵/۲	۵/۷	۷/۲	۸/۲
۱۳۶۰	۲۳/۸	—	۱۶/۰	۱۳/۹	۲۰/۵	۱۴/۲	۲۰/۶	۸/۱	۸/۲	۹/۳
۱۳۶۱	۲۸/۳	۱۸/۲	۱۹/۲	۲۷/۵	۲۶/۲	۲۰/۲	۲۵/۲	۹/۴	۱۰/۶	۱۱/۷
۱۳۶۲	۳۲/۵	۲۲/۴	۲۴/۴	۲۷/۴	۳۲/۵	۲۵/۶	۳۰/۰	۱۱/۱	۱۵/۵	۱۸/۰
۱۳۶۳	۳۵/۹	۲۵/۰	۳۲/۹	۲۶/۲	۳۴/۶	۲۶/۸	۳۱/۲	۱۲/۹	۱۷/۴	۲۰/۴
۱۳۶۴	۳۸/۴	۲۴/۳	۳۳/۱	۲۵/۱	۳۴/۹	۲۸/۲	۲۹/۸	۱۲/۰	۱۵/۸	۱۸/۴
۱۳۶۵	۴۷/۵	۲۷/۴	۳۶/۴	۳۲/۳	۳۸/۹	۳۲/۴	۳۰/۸	۱۴/۰	۱۷/۳	۱۹/۲
۱۳۶۶	۶۰/۶	۴۱/۳	۵۶/۰	۵۰/۴	۵۴/۸	۴۹/۲	۴۲/۹	۲۷/۱	۲۵/۱	۲۶/۸
۱۳۶۷	۷۸/۱	۶۸/۲	۹۱/۳	۷۷/۱	۷۳/۹	۷۶/۱	۷۵/۷	۶۴/۳	۴۴/۳	۵۰/۵
متوسط سالانه	۳۸/۰	۲۲/۷	۳۳/۲	۲۹/۷	۳۴/۵	۲۸/۹	۳۱/۲	۱۶/۸	۱۶/۷	۱۸/۹
ضریب اهمیت سال ۱۳۶۹	۱۰۰/۰۰	۱/۷۶	۰/۱۱	۰/۴۲	۰/۷۰	۰/۰۵	۰/۰۷	۰/۰۲	۰/۱۱	۰/۲۹
۱۳۶۸	۹۱/۸	۸۸/۴	۱۰۳/۰	۹۶/۵	۸۹/۷	۹۶/۴	۸۸/۸	۹۲/۰	۷۲/۱	۸۰/۲
۱۳۶۹	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
۱۳۷۰	۱۲۰/۷	۱۰۱/۵	۱۱۳/۱	۹۵/۸	۱۰۱/۷	۱۰۳/۶	۱۰۷/۳	۱۰۳/۱	۱۰۱/۰	۱۰۳/۳
۱۳۷۱	۱۵۰/۱	۱۰۲/۸	۱۳۳/۴	۹۳/۶	۱۰۰/۸	۱۰۲/۹	۱۱۷/۰	۱۰۶/۰	۱۰۳/۴	۱۰۵/۸
۱۳۷۲	۱۸۴/۴	۱۱۳/۱	۱۵۴/۹	۱۰۸/۰	۱۰۶/۳	۱۱۰/۳	۱۲۹/۵	۱۱۷/۰	۱۱۶/۶	۱۱۶/۲
۱۳۷۳	۲۴۹/۳	۱۶۳/۱	۲۳۱/۶	۱۶۷/۳	۱۴۶/۶	۱۶۵/۰	۲۳۳/۴	۱۶۵/۹	۱۶۰/۵	۱۵۴/۹
۱۳۷۴	۳۷۲/۴	۲۸۵/۹	۴۲۲/۹	۲۹۸/۱	۲۵۵/۸	۳۱۵/۱	۲۸۷/۷	۳۰۴/۴	۲۷۵/۰	۲۶۴/۱
۱۳۷۵	۴۵۸/۸	۳۵۴/۹	۵۵۳/۷	۳۵۹/۵	۳۰۷	۴۱۸/۸	۴۲۸/۸	۳۸۹/۶	۳۴۱/۳	۳۵۱/۶
۱۳۷۶	۵۳۸/۲	۳۶۶/۳	۵۹۰/۹	۳۵۰/۷	۳۰۶/۸	۴۴۱/۸	۵۳۷/۸	۴۰۸	۳۸۱/۳	۳۸۶/۸
متوسط سالانه	۲۵۱/۷	۱۸۶/۲	۲۶۷/۱	۱۸۵/۵	۱۶۸/۳	۲۰۶/۰	۲۳۶/۷	۱۹۸/۴	۱۸۳/۵	۱۸۴/۸

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران، شاخص قیمت خرده‌فروشی.

جدول ۸ - ۲ رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران

واحد : درصد

عنوان	شاخص کل	انواع پارچه	پارچه چادری نخ	پارچه چادری از ابریشم مصنوعی	پارچه پیراهن زنانه	پارچه پیراهن مردانه	چیت	پارچه آستری	پارچه لباسی مردانه تابستانی	پارچه لباسی مردانه پشمی
۱۳۵۳	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۱۳۵۴	۱۰/۰	—	۲/۶	۴/۱	-۳/۶	۱/۵	۱/۸	-۱/۴	۰/۰	-۲/۸
۱۳۵۵	۱۶/۴	—	۱۰/۲	-۱/۷	-۱۱/۴	۶/۳	۲۲/۸	۳/۹	۲/۳	۳/۱
۱۳۵۶	۲۴/۹	—	۲۱/۸	۶/۰	۳/۲	۱۶/۶	۳۱/۲	۱۲/۶	۱۲/۸	۱۲/۷
۱۳۵۷	۹/۲	—	۵/۲	۱۶/۹	۱۷/۴	۷/۱	۴/۱	۱۴/۱	۹/۶	۸/۳
متوسط سالانه	۱۵/۱	۰/۰	۹/۹	۶/۳	۱/۴	۷/۹	۱۵/۰	۷/۳	۶/۲	۵/۳
۱۳۵۸	۱۲/۱	—	۲۶/۲	۴۷/۵	۱۹/۰	۲۳/۵	۲۶/۲	۳۷/۵	۲۰/۱	۱۶/۸
۱۳۵۹	۲۳/۶	—	۴۳/۶	۲۸/۰	۲۶/۱	۴۷/۸	۴۵/۰	۵۱/۱	۲۱/۷	۲۱/۸
۱۳۶۰	۲۳/۰	—	۲۰/۵	۴۷/۲	۲۹/۴	۴۷/۲	۳۵/۶	۴۱/۳	۱۴/۵	۱۳/۳
۱۳۶۱	۱۹/۱	—	۲۰/۱	۹۷/۹	۲۸/۲	۴۲/۴	۲۲/۲	۱۶/۱	۲۸/۶	۲۶/۱
۱۳۶۲	۱۴/۸	۲۳/۰	۲۶/۶	-۰/۲	۲۴/۰	۲۶/۹	۱۸/۸	۱۸/۰	۴۶/۹	۵۳/۴
۱۳۶۳	۱۰/۴	۱۱/۷	۳۵/۲	-۴/۵	۶/۵	۴/۷	۴/۱	۱۷/۰	۱۱/۷	۱۳/۲
۱۳۶۴	۶/۸	-۲/۷	۰/۴	-۴/۳	۰/۸	۵/۲	-۴/۶	-۷/۶	-۹/۰	-۹/۷
۱۳۶۵	۲۳/۸	۱۲/۷	۱۰/۱	۲۸/۹	۱۱/۶	۱۴/۹	۳/۴	۱۷/۱	۹/۶	۴/۶
۱۳۶۶	۲۷/۷	۵۰/۵	۵۳/۸	۵۶/۰	۴۰/۸	۵۱/۸	۳۹/۶	۹۳/۹	۴۴/۸	۳۹/۲
۱۳۶۷	۲۸/۹	۶۵/۱	۶۲/۹	۵۳/۱	۳۴/۸	۵۴/۹	۷۶/۲	۱۳۶/۸	۷۶/۸	۸۸/۶
متوسط سالانه	۱۹/۰	۲۶/۷	۲۹/۹	۳۵/۰	۲۲/۱	۳۱/۹	۲۶/۶	۴۲/۱	۲۶/۶	۲۶/۷
۱۳۶۸	۱۷/۴	۲۹/۸	۱۲/۹	۲۵/۰	۲۱/۴	۲۶/۶	۱۷/۴	۴۳/۱	۶۲/۷	۵۸/۸
۱۳۶۹	۹/۰	۱۳/۱	-۳/۰	۳/۷	۱۱/۵	۳/۷	۱۲/۶	۸/۷	۳۸/۷	۲۴/۸
۱۳۷۰	۲۰/۷	۱/۵	۱۳/۱	-۴/۲	۱/۷	۳/۶	۷/۳	۳/۱	۱/۰	۳/۳
۱۳۷۱	۲۴/۴	۱/۳	۱۷/۹	-۲/۲	-۰/۹	-۰/۷	۹/۰	۲/۸	۲/۳	۲/۴
۱۳۷۲	۲۲/۸	۱۰/۰	۱۶/۱	۱۵/۴	۵/۵	۷/۲	۱۰/۷	۱۰/۳	۱۲/۷	۹/۹
۱۳۷۳	۳۵/۲	۴۴/۲	۴۹/۶	۵۴/۹	۳۷/۸	۴۹/۵	۸۰/۲	۴۱/۹	۳۷/۷	۳۳/۳
۱۳۷۴	۴۹/۴	۷۵/۴	۸۲/۶	۷۸/۲	۷۴/۵	۹۱/۰	۶۶/۱	۸۳/۵	۷۱/۳	۷۰/۵
۱۳۷۵	۲۳/۲	۲۴/۱	۳۰/۹	۲۰/۶	۲۰/۰	۳۲/۹	۱۰/۶	۲۸/۰	۲۴/۱	۳۳/۱
۱۳۷۶	۱۷/۳	۳/۲	۶/۷	-۲/۴	-۰/۱	۵/۵	۲۵/۴	۴/۷	۱۱/۷	۱۰/۰
متوسط سالانه	۲۴/۴	۲۲/۵	۲۵/۲	۲۱/۰	۱۹/۱	۲۴/۴	۲۶/۶	۲۵/۱	۲۹/۱	۲۷/۳

۸- ۲ شاخص قیمت عمده‌فروشی

شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها، تغییرات در سطح تولید‌کننده و عرضه‌کننده دست دوم را نشان می‌دهد. در واقع این شاخص نیز مانند شاخص خرده‌فروشی به تغییرات سطح قیمتها می‌پردازد. با این تفاوت که روند تغییر و تحولات قیمت در بعد عرضه و تولید اقتصاد را اندازه‌گیری نموده و تصویری از قیمت بازار عمده‌فروشی یا عرضه دسته اول ارائه می‌کند.

جدول ۶-۶ شاخص کل بهای عمده‌فروشی برای کل کالاها و منسوجات به همراه تغییرات سالانه آنها را طی سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۶ نشان می‌دهد. در دوره اول مورد بررسی یعنی سالهای قبل از انقلاب شاخص قیمت عمده‌فروشی منسوجات اختلاف کمی کمتر از شاخص کل بهای عمده‌فروشی بوده و تغییرات سالانه آن به جز سال ۱۳۵۵ همواره کمتر از تغییرات شاخص کل است. متوسط سالانه شاخص بهای عمده‌فروشی در این دوره برای کل کالاها و ۱۰/۶ درصد و برای منسوجات ۹/۴ درصد است و متوسط سالانه رشد شاخص بهای عمده‌فروشی کل کالاها و منسوجات به ترتیب ۱۰/۶ درصد و ۹/۲ درصد است که نشان دهنده این است که در این دوره میزان افزایش قیمت عمده‌فروشی منسوجات با افزایش سطح عمومی قیمت‌های عمده‌فروشی اختلاف ناچیزی دارد. در دوره دوم، شاخص بهای عمده‌فروشی منسوجات همواره کمتر از شاخص کل بهای عمده‌فروشی بوده (به جز سال ۱۳۶۱) و این اختلاف نظیر دوره اول ناچیز است. به طوری که متوسط سالانه شاخص کل بهای عمده‌فروشی حدود ۳۵/۱ درصد و شاخص بهای عمده‌فروشی منسوجات حدود ۳۱/۶ درصد است که تنها ۳/۵ درصد اختلاف دارند. تغییرات سالانه قیمت عمده‌فروشی منسوجات تا سال ۱۳۶۱ بیشتر از تغییرات شاخص کل بوده و سپس مقدار آن تا سال ۱۳۶۵ کاهش یافته و کمتر از شاخص کل شده است. در دو سال آخر دوره یعنی سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ افزایش قیمت منسوجات بیشتر از افزایش قیمت عمده‌فروشی کل کالاهاست. در مجموع متوسط سالانه تغییرات قیمت عمده‌فروشی کالاهای نساجی حدود ۱۹/۹ درصد بوده که از میزان افزایش سالانه شاخص قیمت کل عمده‌فروشی (۱۸/۳ درصد) بیشتر است. در دوره سوم که از سال ۱۳۶۸ آغاز و تا سال ۱۳۷۶ را در برمی‌گیرد، شاخص بهای عمده‌فروشی منسوجات نظیر دو دوره قبل همواره کمتر از شاخص کل بهای عمده‌فروشی است تفاوتی که در این دوره وجود دارد اینست که فاصله و اختلاف این دو شاخص به ویژه در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ بیشتر شده است به طوری که متوسط سالانه شاخص بهای عمده‌فروشی منسوجات در این دوره حدود ۲۴۳/۴ درصد است که به میزان ۶۱ درصد کمتر از شاخص قیمت کل است. (این اختلاف در دوره اول ۱/۲ درصد و در دوره دوم ۳/۵ درصد است) تغییرات سالانه بهای عمده‌فروشی منسوجات تا سال ۱۳۷۰ بیشتر و پس از آن تا پایان دوره (به جز سال ۱۳۷۴) همواره کمتر از تغییرات سالانه شاخص کل بهای عمده‌فروشی است. متوسط افزایش سالانه قیمت عمده‌فروشی منسوجات در این دوره حدود ۲۶/۲ درصد است که به اندازه ۳/۳ درصد از میزان افزایش سطح عمومی قیمت‌های عمده‌فروشی کمتر است. به طور کلی باید گفت که در دوره اول و دوم افزایش قیمت منسوجات همانند افزایش قیمت کل تغییر پیدا کرده است اما در دوره سوم ضمن افزایش فاصله شاخص قیمت، متوسط رشد قیمت منسوجات کمتر از قیمت کل عمده‌فروشی است.

جدول ۸- ۳ شاخص بهای عمده فروشی

سال	شاخص بهای عمده فروشی - درصد، ۱۳۶۹=۱۰۰		رشد شاخص بهای عمده فروشی - درصد	
	کل	منسوجات	کل	منسوجات
۱۳۵۳	۸/۷	۷/۸	—	—
۱۳۵۴	۹/۲	۸/۰	۵/۷	۲/۶
۱۳۵۵	۱۰/۴	۹/۶	۱۳/۰	۲۰/۰
۱۳۵۶	۱۱/۹	۱۰/۷	۱۴/۴	۱۱/۵
۱۳۵۷	۱۳	۱۱	۹/۲	۲/۸
متوسط سالانه	۱۰/۶	۹/۴	۱۰/۶	۹/۲
۱۳۵۸	۱۵/۶	۱۳/۷	۲۰/۰	۲۴/۵
۱۳۵۹	۲۰/۴	۱۹/۲	۳۰/۸	۴۰/۱
۱۳۶۰	۲۴/۳	۲۴/۱	۱۹/۱	۲۵/۵
۱۳۶۱	۲۷/۷	۲۹/۲	۱۴/۰	۲۱/۲
۱۳۶۲	۲۹/۸	۲۹/۵	۷/۶	۱/۰
۱۳۶۳	۳۲/۱	۲۹/۴	۷/۷	-۰/۳
۱۳۶۴	۳۴/۴	۲۸/۹	۷/۲	-۱/۷
۱۳۶۵	۴۳/۱	۳۲/۹	۲۵/۳	۱۳/۸
۱۳۶۶	۵۵/۹	۴۷/۱	۲۹/۷	۴۳/۲
۱۳۶۷	۶۸/۱	۶۱/۸	۲۱/۸	۳۱/۲
متوسط سالانه	۳۵/۱	۳۱/۶	۱۸/۳	۱۹/۹
۱۳۶۸	۸۰/۷	۷۶/۶	۱۸/۵	۲۳/۹
۱۳۶۹	۱۰۰	۱۰۰	۲۳/۹	۳۰/۵
۱۳۷۰	۱۲۶/۶	۱۳۴/۹	۲۶/۶	۳۴/۹
۱۳۷۱	۱۶۸/۹	۱۵۴/۴	۳۳/۴	۱۴/۵
۱۳۷۲	۲۱۱/۷	۱۶۴/۶	۲۵/۳	۶/۶
۱۳۷۳	۳۰۱/۴	۲۳۳/۹	۴۲/۴	۴۲/۱
۱۳۷۴	۴۸۲/۷	۳۹۴/۸	۶۰/۲	۶۸/۸
۱۳۷۵	۶۰۴	۴۸۵/۸	۲۵/۱	۲۳/۰
۱۳۷۶	۶۶۳/۶	۴۴۵/۶	۹/۹	-۸/۳
متوسط سالانه	۳۰۴/۴	۲۴۳/۴	۲۹/۵	۲۶/۲

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران، گزارش شاخص قیمت عمده فروشی کالاها.